

روایت رتبه‌های تک‌رقمی کنکور امسال از امروز و آینده ایران

«دنیا»های متفاوت سه رتبه برتر کنکور



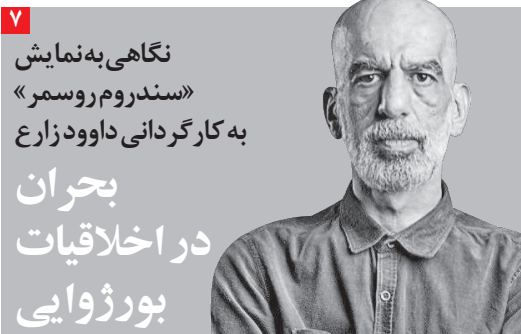
مجلس با استفاده از اصل ۸۵ سه طرح و لایحه مهم را به کمیسیون‌ها فرستاد

دور زدن افکار عمومی

مرور طرح‌ها و لوایح ده دوره مجلس که ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی بررسی شدند نشان می‌دهد مجلس یازدهم با استفاده از این اصل قانونی، طرح‌ها و لوایح با شمول کشوری را بررسی کرده‌است

این اقدام مجلس یازدهم، اصل هشتاد و پنجمی کردن لایحه حجاب و عفاف در شرایطی که این لایحه در زمان فعلی حساسیت برانگیزترین مباحث را در جامعه مورد رسیدگی قرار می‌دهد، با واکنش رسانه‌ها و افکار عمومی همراه شده‌است. براساس آمارهای موجود در اداره قوانین مجلس شورای اسلامی بالاترین رکورد برای استفاده از این ظرفیت قانون اساسی در مجلس اول رخ داده‌است، علت این امر را شاید بتوان در شرایط روز و بازه زمانی فعالیت این مجلس بررسی کرد... **صفحه ۳ را بخوانید**

سیما پروانه گهر | مجلس یازدهم در حالی طی سه سال، بالغ بر سه بار از ظرفیت اصل ۸۵ قانون اساسی برای بررسی طرح‌ها و لوایح در کمیسیون و بدون رای‌گیری در صحن مجلس و با حضور اکثریت نمایندگان استفاده کرد که سابقه این موضوع در ادوار گذشته نشان می‌دهد استفاده از این ظرفیت قانون اساسی در قانون‌گذاری مجلس برای طرح‌ها و لوایحی که حساسیت‌های اجتماعی فوق‌العاده بالایی داشته و دایره شمول قانونی دارند در مجلس یازدهم بی‌سابقه‌است. در آخرین نمونه



بررسی کمیسیون صنایع و معادن مجلس از کیفیت اینترنت در ایران نشان می‌دهد

شکست سیاست فیلترینگ

۶۴ درصد کاربران ایرانی از فیلتر شکن استفاده می‌کنند

استفاده می‌کنند، چنان‌که در همین گزارش مجلس نیز براساس «نظر سنجی‌های معتبر» نتیجه گرفته شده که ۶۴ درصد از کاربران از ابزارهای فیلتر شکن یا وی‌پان، استفاده می‌کنند تا به پلتفرم‌های مورد نظر خود دسترسی پیدا کنند. اتفاقی که آذری چهرمی، وزیر پیشین ارتباطات از آن به عنوان «شکست فیلترینگ اینترنت» یاد کرده و می‌نویسد: «این یعنی ناکارآمدی و شکست برای فیلترینگ. این یعنی

گروه اقتصادی | براساس گزارش تازه کمیسیون صنایع و معادن مجلس از کیفیت اینترنت، سهم پهنای باند ناشناس در شبکه (ترافیکی که سیستم فیلترینگ قادر به تشخیص پروتکل آن نیست) از کمتر از ۵ درصد بین الملل در سال گذشته به حدود ۲۵ درصد در حال حاضر رسیده‌است. این بدان معناست که بخش بزرگی از کاربران اینترنت در ایران برای اتصال به آنچه «اینترنت بین‌الملل» خوانده می‌شود، از فیلتر شکن



جوابیه

طب سنتی علمی یک جریان کاملاً ساختارمند است

انجمن علمی طب سنتی ایرانی به عنوان نماینده علمی و صنفی جریان آکادمیک طب ایرانی و به عنوان تنها انجمن علمی مورد تأیید وزارت بهداشت در حوزه طب ایرانی فعالیت می‌کند. رسته طب سنتی یک رشته دانشگاهی در مقطع دکتری تخصصی است که تنها پزشکان مجوز ورود به این رشته را دارند و برنظر نظام قانونی مانند نظام پزشکی و وزارت بهداشت خدمت‌رسانی می‌کنند. با توجه به اسناد بالادستی از جمله سیاست‌های کلی سلامت ابلاغیه مقام معظم رهبری استفاده از ظرفیت طب سنتی در کنار طب رایج و ادغام آن در نظام سلامت ضروری می‌باشد و توسط مسئولان مربوطه در حال اجرا می‌باشد. با عنایت به این مهم لازم است که از این ظرفیت در جهت سلامت جامعه به بهترین شیوه بهره جست و در این راستا تشویش آذهان عمومی و خندشانه کردن طب اصیل ایرانی پسندیده نیست و به آشفته‌گی وضع موجود در حیطه بهداشت و درمان دامن می‌زند. در مقاله منتشر شده در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۴۰۲ روزنامه اعتماد با عنوان «شبه علم علیه علم» متأسفانه در رابطه با طب سنتی مصادیق خلاف واقع و مبهمی عنوان شده که این انجمن لازم دانست جهت تنویر آذهان عمومی و با هدف پیشگیری از اشاعه هر چه بیشتر مطالب غیرواقع طبق قوانین مطبوعات تکانی را جهت درج در روزنامه اعتماد با همان شرایط ارائه کند.

به پیوست جوابیه انجمن علمی طب سنتی ایران به مطلب منتشر شده در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۴۰۲ جهت چاپ تقدیم می‌گردد. این انجمن آمادگی خود را جهت هر گونه همکاری اعلام می‌دارد.

دکتر روشنک مکی‌ری نژاد
رییس انجمن علمی طب سنتی ایران

انجمن علمی طب سنتی ایران
در رابطه با مطلب منتشر شده در این روزنامه با عنوان «شبه علم علیه علم» به قلم آقای عباس عبدی با توجه به مطالب ناروا و خلاف واقع مطرح شده، نکات زیر جهت انتشار در روزنامه مطابق با قانون مطبوعات به اطلاع می‌رسد.

ادامه در صفحه ۳

وکالت

تصمیم خطرناک مجلس

سیدعلی مجتهدزاده

به جز لایحه بر ایراد حجاب، مجلس یازدهم کام‌خطرناک دیگری نیز در حوزه تقنینی برداشته که هنوز مورد توجه عموم جامعه قرار نگرفته‌است. مجلس در مصوبه‌ای برای برنامه هفتم توسعه شرایطی جدید را برای حوزه وکالت تعیین کرده که می‌تواند در آینده حقوق شهروندی عامه مردم و همین‌طور حوزه‌های سرمایه‌گذاری و اقتصادی کشور را به طور توامان مورد تهدید قطعی قرار بدهد. پیش‌تر مجلس یازدهم با تغییر مناسبات حرفه‌ای حوزه وکالت و بازتعریف آن در چارچوب صنوف معمول اقتصادی، تیشه‌ای جدی به ریشه استقلال و کیفیت حرفه‌ای خدمات نهاد وکالت زده بود. این در حالی بود که آیین‌نامه سال‌های اخیر قوه قضاییه نیز با مخدوش کردن استقلال کانون و کلاز سویی دیگر به تضعیف این نهاد می‌پرداخت. اما اکنون اگر آنچه در قالب برنامه هفتم توسعه پیگیری می‌شود در عمل اجرا شود باید فاتحه نهاد و حرفه وکالت را در کشور تا حد زیادی خواند. نمایندگان مجلس در مصوبه اخیر خود «کانون‌های وکلای ملزم به تبعیت از مصوبات هیات مقررات‌دایی وزارت اقتصاد کردند» و هم‌زمان «بطال مصوبات این هیات را در دیوان عدالت اداری» ممنوع ساختند. بر این اساس «اختیار کارآموزی از فرآیند صدور پروانه وکالت حذف می‌شود» و «وزارت امور اقتصادی و دارایی با همکاری وزارت دادگستری و قوه قضاییه» اقدام به تنظیم «آیین‌نامه نظارت پسینی بر عملکرد وکلای دادگستری» کرده‌اند و آن را به تصویب «هیات مقررات‌دایی و بهبود محیط کسب و کار» برساند. همچنین براساس مصوبه مجلس، وزارت امور اقتصاد و دارایی مأمور شده تا «اهداف نظارت پسینی بر عملکرد وکلای دادگستری» (سامانه‌ارزایی تعهد و اثربخشی وکالت توسط مودکلان» کند و «نتیجه‌ارزایی هر وکیل توسط مودکلان قبلی» را برای اطلاع عموم منتشر کند. معنای عملی این شرایط یعنی دولتی شدن کامل حوزه وکالت، چه از لحاظ نهادی و چه حرفه‌ای. در حالی که قبلاً یک بار با افزایش بی‌جهت نفوذ قوه قضاییه بر نهاد وکالت عملاً استقلال این نهاد خدشه‌دار شده بود، اکنون با دولتی‌کردن آن در انتها خدشه به این استقلال کامل می‌شود بلکه هم‌زمان یک نهاد غیر تخصصی یعنی وزارت اقتصاد به عنوان متصدی امور حرفه‌ای کرای امر وکالت تعیین می‌شود.

ادامه در صفحه ۷

آموزش عالی

رد خالص سازان در دانشگاه‌ها

غلامرضا ظریفیان

اتفاقاتی که این روزها در دانشگاه‌ها در حوزه موضوعاتی چون حذف رشته‌های هنر، اخراج اساتید و اعمال فشارهای فزاینده به دانشجویان و... رخ می‌دهد، موضوعات تازه‌ای نیستند و سیاست‌هایی مسبوق به سابقه‌اند. در واقع راهبرد خالص‌سازی که پیش از این در حوزه سیاست و مدیریت کشور شکل گرفته بود، راه خود را به نهاد‌های صنفی، مدنی و دانشگاهی باز کرده و قربانی می‌گیرد. این نوع رفتارها، سیاست خارج کردن دانشگاه از عرصه توسعه ملی است، اما باید توجه داشت این نوع سیاست‌ها و تلاش‌های امرانه از دوره دوم احمدی‌نژاد شروع شد و در دولت ریسی پس از سال ۱۴۰۰ با قدرت بیشتری ادامه یافت. در دولت دهم، بسیاری از وظایف اصلی دانشگاه‌ها از آنها گرفته شد و به نهاد‌های دیگر مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی و... سپرده شد. در آن زمان، (۹۲ تا ۹۴) اصلی‌ترین سیاست‌گذاری‌ها در خصوص رشته‌های علوم انسانی از دانشگاه و وزارت علوم گرفته شد و به شورای تحول علوم انسانی در شورای عالی انقلاب فرهنگی سپرده شد. در مراحل بعدی، موضوع بازتنسسته کردن اساتید، محدود کردن فعالیت‌های دانشجویی در عرصه‌های مختلف به خصوص عرصه سیاست، ستاره‌دار کردن دانشجویانی که فعالیت‌های مدنی و اجتماعی داشتند، بورسیه کردن بیش از ۲ هزار نفر افراد فاقد صلاحیت برای ورود به هیات‌های علمی دانشگاه‌ها و... در دوره دوم دولت احمدی‌نژاد استوارت خورد. رویکردی که هر چند در آن زمان آغاز شد، اما فرصت تکمیل شدن پیدا نکرد. با حضور دولت حسن روحانی، هر چند این سیاست‌های انقباضی، بر داشته شد، ولی قواعد و قوانین مرتبط به دلیل اینکه مصوبات دستگاه‌های بالادستی بودند، تغییر نمی‌کردند. در دولت سیزدهم در زمان ابراهیم ریسی این سیاست‌های سلبی یا شتابی بسیار زیاد در حال تکمیل شدن است. اسنادی که اخیراً منتشر شده، حکایت از آن دارد که حتی در خصوص تعیین تکلیف دانشگاه‌ها، اعضای هیات‌های علمی، بر خودر باندشجویان و...

ادامه در صفحه ۴

سلام بر آینده

بی‌اعتمادی سیاسی و نگاه به چین

عباس عبدی

یکی از مهم‌ترین نکاتی که برخی از دولت‌ها فراموش می‌کنند، اثرات سیاست‌های آنها بر تصورات ناخواسته مردم نسبت به دیگر امور است. آنان توجه کافی ندارند که اگر عملکرد دشان حتی در یک زمینه معین مورد رضایت عمومی نباشد و مردم نیز نتوانند این عدم رضایت را منعکس کنند مخالف دولت می‌شوند و این مخالفت را به همه سیاست‌ها و امور مورد علاقه دولت تسری می‌دهند و برعکس نسبت به اموری که آن دولت‌ها مخالف هستند رویکرد مثبت پیدا می‌کنند. حتی ممکن است سیاست دولت در یک مورد خاص درست و قابل دفاع باشد، ولی چون امکان ابراز مخالفت و نقد دیگر سیاست‌های اشتباه آن وجود ندارد، مردم با این سیاست درست نیز مخالف می‌شوند. یکی از نمونه‌های جالب آن را می‌توان در موضوعات سیاست خارجی دید. موسسه نظر سنجی «عرب بارومتر» در فاصله‌های زمانی به سنجش نظرات مردم کشورهای عربی می‌پردازد. یکی از پیمایش‌های آنها سنجش محبوبیت کشورهای دیگر نزد شهروندان عرب است. برای نمونه محبوبیت امریکا از حداکثر ۶۹ درصد در مراکش آغاز و تا ۱۵ درصد در فلسطین به پایین‌ترین حد خود می‌رسد. همچنین محبوبیت چین نیز از ۶۴ درصد باز هم در مراکش آغاز و تا ۳۴ درصد در فلسطین می‌رسد و کشورهای دیگر در میانه این ارقام هستند. در مراکش هر دو کشور در بالاترین سطح محبوبیت هستند و در فلسطین در پایین‌ترین سطح، در حالی که چین و امریکا به نحوی در عرصه جهانی در تقابل هستند، ولی محبوبیت آنها در این کشورها در نقطه تقابل نیست، بلکه نوعی همگرایی هم وجود دارد. در حقیقت این نشان می‌دهد که ماهیت و وضعیت هر جامعه نقش مهمی بر نگرش مردم آن نسبت به کشورهای دیگر دارد و این تا حدی مستقل از ماهیت کشورهای دیگر هم هست. مراکش کشوری به نسبت آرام و به دور از چالش‌های درونی حاد و منطقه‌ای است و لذا درگیر منازعات پایان‌ناپذیر با سایرین نیست. (مساله‌های غربی هم مدت‌هاست فروکش کرده) در مقابل فلسطینی‌ها درگیر بزرگ‌ترین مشکل منطقه خاورمیانه یعنی اشغالگری اسرائیل و و جنگ پایان‌ناپذیر آن و نیز دخالت کشورهای دیگر از جمله

یادداشت‌ها

۱ عباس عبدی
بی‌اعتمادی سیاسی و نگاه به چین

۱ غلامرضا ظریفیان
رد خالص سازان در دانشگاه‌ها

۲ حسن عبدلیان پور
وکالت را نباید مانند سایر مشاغل دید

۱ سیدعلی مجتهدزاده
تصمیم خطرناک مجلس

۲ محمد صالح نقره‌کار
خطر خط‌مشی مداخله‌گری

۲ محمدهادی جعفر پور
تهدید شیوه‌های تحقق حقوق ملت

۶ ابراهیم مختاری
پرسش بی‌پاسخ چهل ساله سینمای ایران

۱۲ فاطمه باباخانی
دوامدادی حفاقت

۱۱ محسن آزموده
ایدئولوژی یا شعار

۱۲ نگار قلندر
داستان رنج اکثریت

۱۲ مرتضی میرحسینی
مرگ پای دیوار برلین

۷ پژمان دادخواه
سفر از سایه به روشنائی

۷ سحر ناسوتی
سندروم استیکه‌لم یا بازی مرگ؟

سید حسن خمینی در تجدید میثاق دولت با آرمان‌های امام خمینی (ره):

تقسیم ثروت در کشور نباید بر اساس نزدیکی و دوری به مراکز قدرت صورت بگیرد

رییسی: مردم را آنچنانکه امام دوست داشتند، دوست داشته باشیم



در شرایطی که گرانی و تورم افسار گسیخته، بسیاری از اقلام اساسی مانند گوشت، مرغ، ماهی و... را از سفره‌های مردم حذف کرده، یادگار امام (ره) از رییس کابینه سیزدهم می‌خواهد که توجه ویژه‌ای به سفره‌های مردم داشته باشد و به گونه‌ای بر نامهربانی و سیاستگذاری کند که «تقسیم ثروت بر اساس نزدیکی و دوری به مراکز قدرت صورت نگیرد». سید حسن خمینی در مراسم تجدید میثاق رییس جمهور و اعضای دولت با آرمان‌های امام خمینی (ره) تأکید کرد: توجه به فقر یکی از مواردی است که شاید بیش از هر چیزی در تعابیر ائمه (ع)، بزرگان و به خصوص امام مشهود است. به زندگی کوچک و آنچه از آن تعبیر به سفره می‌شود، توجه می‌شود. واقعیت این است که جامعه و ملت ما هم‌نشان داده که چه مقدار سالم، خوب و آگاه به مسائل هستند. یادگار امام با تأکید بر اینکه تقسیم ثروت در یک کشور نباید بر اساس نزدیکی و دوری به مراکز قدرت صورت بگیرد، گفت: توجه به فقر یکی از مواردی است که شاید بیش از هر چیزی در تعابیر ائمه (ع)، بزرگان و به خصوص امام مشهود است. به زندگی کوچک و آنچه از آن تعبیر به سفره می‌شود، توجه شود. واقعیت این است که جامعه و ملت ما هم‌نشان داده که چه مقدار سالم، خوب و آگاه به مسائل هستند. به گزارش جماران، سید حسن خمینی در مراسم تجدید میثاق رییس جمهور و اعضای دولت با آرمان‌های امام خمینی (ره)، با بیان اینکه عهدنامه مالک اشتر میثاقی جاودانه برای همه حکومت‌های اسلامی است، گفت: امیر المومنین (ع) یکی از عبارات عهدنامه مالک اشتر که «لله‌الله فی الطبقة السفلی من الدین لاجله لهم، من المساکین و الْمُحْتَاجِین و اَهْلِ الْیُوسُی و الرِّزْقِی است، تنبه بسیار سنگینی به طبقه مستضعف می‌دهند. تعبیر «لله‌الله» حضرت در موارد دیگری هم هست، ولی در عهدنامه تنها جایی که به این نحوه به کار می‌برد فقط برای طبقه سفلی است. یادگار امام افزود: بعد از آن عبارتی در روایت فرماید: «وَأَجْعَلْ لَهُمْ قِسْماً مِنْ بَیْتِ مالِک، فَإِنْ لَزِمَ لِقَاصِی مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِی لِلَّذِینِ»، یعنی قسمتی از بیت‌المال را برای مستضعفین قرار دهد. همتی که آقای رییس جمهور و هیأت‌دولت در رفتن به سفرهای استانی و به خصوص روستاها دارند، می‌تواند مصداق همین باشد. چون به‌طور متعارف ما گرفتار چشم و گوش خودمان هستیم؛ کسانی که نزدیک‌تر به ما هستند بیشتر بهره می‌برند تا کسانی که دور هستند. کسی که نزدیک شماسمت می‌باید به اندازه کسی که دور است، بهره‌بر. در تقسیم ثروت در یک کشور نباید بر اساس نزدیکی و دوری به مراکز قدرت صورت بگیرد.

وی یادآور شد: امیر المومنین (ع) بعد می‌فرماید: «و کل قد استرّعت حقّه». تعبیر حضرت امیر (ع) بسیار لطیف است و نمی‌گویند هم چه کسی خواسته و به صورت صیغه مجهول به کار رفته است. از تو خواسته شده که حق همه آنها را حفظ کنی. خدا خواسته؟ وجدانت خواسته؟ خود مردم که ولی نعمتان ما هستند، خواسته‌اند؟ حق همه آنها را باید حفظ کنید

طالبان، عکاس ایرانی را بی دلیل بازداشت کرد



اعتماد | رسانه‌ها دیروز در شرایطی از بازداشت «محمدحسین ولایتی» عکاس و تدوینگر خبرگزاری تسنیم توسط گروه طالبان در افغانستان خبر دادند که تا لحظه تنظیم این خبر اساساً مشخص نشده این بازداشت به چه دلیلی بوده است. بر اساس گزارشی که خبرگزاری داخلی آن را منتشر کردند، حسین ولایتی روز شنبه هفته جاری و در حالی که به صورت قانونی و از طریق مرز هوایی وارد افغانستان شده و مدت ۱۰ روز نیز در کابل حضور داشت، به هنگام بازگشت و در فرودگاه کابل بدون هیچ‌گونه توضیح مشخصی بازداشت شده است. طالبان به رغم پیگیری‌ها هیچ توضیحی ارائه نکرده است که ولایتی را بنا به چه دلیلی بازداشت کرده است. با افزایش انتقادات نسبت به مواجهه دستگاه سیاست خارجی ایران با رفتارهای غیر متعارف رژیم طالبان، سفیر ایران در افغانستان اعلام کرد: «موضوع بازداشت عکاس تسنیم در افغانستان به‌طور جدی در حال پیگیری است.» کاظمی قمی، نماینده ویژه رییس جمهور در امور افغانستان با اشاره به اینکه آزادی محمدحسین ولایتی به‌طور جدی در حال پیگیری است، گفت: بنده دقایقی پیش با کابل و

«اعتماد» در گفت‌وگو با وکلا و حقوق‌دانان، مصوبه اخیر مجلس در خصوص کانون وکلای ابررسی می‌کند

نسخه انحلال تنها نهاد مدنی کشور



بدون توجه به ضرورت‌های تخصصی و حرفه‌ای تنظیم و مصوب می‌شوند. از منظر مسئولان قضایی نگاه یکسان به

در واقع موضع دستگاه قضایی در خصوص مصوبه مجلس را مشخص کرد نوشتن می‌دهد که تصمیمات تقنینی کشور

وکالت را نباید مانند سایر مشاغل دید

عمومی و حرفه‌ای متقاضیان پروانه وکالت و کاهش ضریب سنجش علمی در یک قانون و حذف از مونهای سنجش مهارت‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای دوران کارآموزی در مصوبه‌ای دیگر عملاً خدمت وکالت را به سطح بسیار پایینی تنزل داد و حتی انگیزه مطالعه حقوق در دانشگاه‌ها را نیز از دانشجویان ستانده باعث می‌شود در سال‌های آتی با کاهش سطح علمی فارغ‌التحصیلان حقوق مواجه شده و به تبع آن افزایش چشمگیر تخلفات وکلای تازه‌وارد و اشتباهات فاحش حقوقی ایشان را شاهد باشیم.

این عاقبت قریب‌الوقوع بی‌تردید هدف والای دسترسی مردم به خدمات حقوقی حرفه‌ای و تخصصی را نه تنها فراهم نکرده که تا حد قابل توجهی تخریب می‌کند. علاوه بر آن نباید پروانه وکالت را مانند سایر پروانه‌های شغلی دید و بر همان سبیل برای آن وضع حکم کرد و تصور نمود این پروانه صرفاً یک مجوز ساده و بلااثر تباط به‌نهاد اعطاکند است. نباید تصور کرد نهادهای وکالت‌گانی اعطاکنده یا امضاکننده پروانه وکالت است پس می‌توان

آموزش، سنجش و نظارت را با وکلای بی‌پشتوانه‌ای چون انحصارطلبی و امضای طلایی تنزل داد. نباید با کاهش ملاک‌ها و معیارهای علمی، اخلاقی و صلاحیتی وکیل، نظیر آنچه در تصویب قانون تسهیل صورت گرفت خدمت را تنها از نظر کمی افزایش داده اما هیچ نگاهی به ارتقای سطح کیفی این خدمت نداشته باشیم. آنچه ما بدان نیازمندیم تکثیر وکیل نیست بلکه توسعه خدمات وکالت است و توسعه خدمت تنها با تربیت وکلای تراز انقلاب فراهم می‌شود. وکلایی که هم از نظر علمی، هم اخلاقی و هم حرفه‌ای پشتوانه پیشرفت و امنیت کشور و مردم باشند. ما معتقدیم توسعه دسترسی به خدمت وکالت باید هم توسعه کمی و هم توسعه کیفی را مدنظر قرار دهد. در حال حاضر مصوباتی مطرح می‌گردد که به‌منظر می‌رسد از پشتوانه کارشناسی لازم برخوردار نیست و قبل از بررسی‌های کارشناسی در تمامی ابعاد مورد طرح و تصویب قرار می‌گیرد که این امر مغایر با ضوابط شرعی و قانونی وکالت نمایندگان مجلس از احاد ملت است. حذف سنجش صلاحیت‌های

تقنین در قانون اساسی بر آن کان متعددی من جمله جمهوریت نظام، اصل تفکیک قوا و وکالت شرعی و قانونی نمایندگان مجلس از ملت استوار است، بدان معنا که در تقنین باید تا حد امکان و بر مبنای شرایط، مصلحت عموم مردم سنجیده، مشارکت کارشناسان و متخصصین در فرآیند تقنین لحاظ و اصل تفکیک قوا رعایت شود.

در مقام صیانت از حقوق مردم بر پایه وکالت اعطایی از مردم نمایندگان مجلس شایسته است مصلحت مردم در تمامی ابعاد ملحوظ نظر قرار گیرد. در دست‌رسی به وکیل و بهره‌مندی از امکان دفاع حرفه‌ای و تخصصی هدفی ارزشمند و هم‌راستا با قانون اساسی و حقوق مندرج‌ملت در قانون است، اما نباید در راستای تحقق این هدف، سطح این خدمت حرفه‌ای را تنزل داده و خدمتی تضعیف‌شده به مردم ارائه کرد و تلاش نهاد وکالت در



حسن عبدلیان پور

در کشورهای توسعه‌یافته، حمایت از نهادهای صنفی و نظام‌های حرفه‌ای یکی از مسؤولیت‌های رژیم حقوقی است. در این زمینه مجلس و قوه قضاییه نباید خط‌مشی مداخله‌گری در نظام‌های صنفی حرفه‌ای را در پیش بگیرند. ضمن اینکه هر فراتر از مقیاس ملی باخیر عمومی و منافع همگانی هم مواجهه نیستیم. در این زمینه، نقش حکمرانی در تنظیم‌گری، مقررات‌زایی و مقررات و حمایت از کسب و کار و نظام‌های حرفه‌ای و تخصصی از منظر حقوقی و مدنی مهم است. کانون وکلا به عنوان دیرینه‌ترین نهاد مدنی در ایران را ۱۰۰ سال سابقه کنشگری و ۷۰ سال سابقه استقلال از قوه قضاییه یکی از مهم‌ترین ارکان سپهر عمومی در ایران است. هم‌در برنامه هفتم توسعه و هم در ماده ۴۱ قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار بارگذاری پرونده‌های کانون وکلای دادگستری در امر ابطال، صدور، تعلیق و... موضوع مقررات‌زایی مدنظر قرار گرفته که مربوط به قوه مجریه است و دخالت در صلاحیت‌های اختصاصی قوه قضاییه و دخالت در تفکیک قوا را به وجود می‌آورد. در واقع قانونگذار



محمد صالح نقره‌کار

حرفه‌ای را در پیش بگیرند. ضمن اینکه هر فراتر از مقیاس ملی باخیر عمومی و منافع همگانی هم مواجهه نیستیم. در این زمینه، نقش حکمرانی در تنظیم‌گری، مقررات‌زایی و مقررات و حمایت از کسب و کار و نظام‌های حرفه‌ای و تخصصی از منظر حقوقی و مدنی مهم است. کانون وکلا به عنوان دیرینه‌ترین نهاد مدنی در ایران را ۱۰۰ سال سابقه کنشگری و ۷۰ سال سابقه استقلال از قوه قضاییه یکی از مهم‌ترین ارکان سپهر عمومی در ایران است. هم‌در برنامه هفتم توسعه و هم در ماده ۴۱ قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار بارگذاری پرونده‌های کانون وکلای دادگستری در امر ابطال، صدور، تعلیق و... موضوع مقررات‌زایی مدنظر قرار گرفته که مربوط به قوه مجریه است و دخالت در صلاحیت‌های اختصاصی قوه قضاییه و دخالت در تفکیک قوا را به وجود می‌آورد. در واقع قانونگذار

کسی پنج روز، نوبت اوست». این توجه به فقر یکی از مواردی است که شاید بیش از هر چیزی در تعابیر ائمه (ع)، بزرگان و به خصوص امام مشهود است. به زندگی کوچک و آنچه از آن تعبیر به سفره می‌شود، توجه شود. واقعیت این است که جامعه و ملت ما هم‌نشان داده که چه مقدار سالم، خوب و آگاه به مسائل هستند



محمد هادی جعفرپور

که آیا در ساختار سیاسی - حقوقی ایران طریقی برای آزادی بیان و انتقال توقعات و خواست ملت در تشکل‌ها و صنوف مختلف وجود دارد؟

ساده‌ترین و معمول‌ترین طریقی که انسان می‌تواند به موجب آن توقعات و تمنیات خویش را مطرح کند، بیان دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های اوست که پیرو چنین امری در تمامی نظام‌های حقوقی و مکتب‌فلسفی مساله آزادی بیان یکی از ابتدایی‌ترین حقوق اساسی انسان‌ها باشد، تسویر همین‌ها و نظیر به‌پردازان در صدد تأمین این حق و طرق تبلور آن به‌شکلهای شیوه‌های تحقق عملیاتی این حق و نقد عملکرد قوه حاکمه و ارکان حکومت در ایجاد بستر مناسب در مسیر عینیت یافتن این مهم بر خاسته‌اند. بنابراین تأمین این حق از حق‌های انسانی این پرسش قابل طرح است که آیا در ساختار حقوقی ایران، مسیر و طریقی نزدیک به صواب وجود دارد تا افراد جامعه از هر صنف و گروهی توقعات خویش را به‌دور از هر گونه ترس و دلهره‌ای بیان کنند؟ شیوه عملی تحقق چنین توقعی چیست؟ بدون تردید شایع‌ترین مسیر برای انتقال این توقعات داشتن تشکل‌های صنفی و نهادهای مدنی مستقل است. آیا در نظام حقوقی - قضایی ایران چنین امکانی فراهم است تا کارگران، معلمان و وکلا پزشکان و... با داشتن تشکلی منطبق بر حداقل‌های

خطر خط‌مشی مداخله‌گری

اساسی بر خلاف اصل ۳۴-۳۵ قانون اساسی، نهادهای دادگستری را نهادهای مدنی در نظر گرفته که در راستای دفاع از حقوق ملت عمل می‌کنند. قانونگذار قانون اساسی با ارائه انشایی خاصی، خواسته این نهاد ذیل قوه قضاییه در فصل یازدهم با ذیل فصل ۴ قانون اساسی در حوزه حقوق اقتصادی قرار بگیرد. چون قانونگذار قانون اساسی بر این موضوع اشراف داشته که نهاد وکالت باید در راستای حق دفاع مردم و شهروندان مورد توجه باشد. به نظر می‌رسد مجموعه سوگیری‌هایی که در مجلس یازدهم در خصوص کانون وکلای دادگستری رخ می‌دهد در راستای حمایت، تقویت و صیانت از نهاد حرفه‌ای و صنفی نیست و انتظار این است که مجلس با نگاه خاصی که در خصوص تنظیم‌گری، رعایت حقوق واحدهای صنفی و... در نظر دارد و تلاش می‌کند در راستای انحصار‌زایی از فضای اقتصادی عمل کند، نگاه حرفه‌ای نداشته باشد. اما این شعار‌ها نباید باعث شود تا یک حق مهم‌تری که توجه به نظم‌مختص و صلاحیت‌های صنفی است مورد تعارض قرار بگیرد. مجلس باید زمینه‌های کافی برای حمایت از تولید، اشتغال و ایجاد مشاغل مولد در نظر داشته باشد اما برای درست کردن این پرونده چشمی را کوک کرد یک نهاد ریشه‌دار مدنی را با چالش‌های صلاحیتی مواجه کنیم،

تهدید شیوه‌های تحقق حقوق ملت

استاندار دهجانی به بیان اندیشه‌ها و توقعات خویش اقدام کنند؟ پیش از پاسخ به این پرسش لازم است اشرایای موضوع این کشور، هدف همه‌جمله و چالش‌های متعددی قرار گرفته در مقاطع زمانی مختلف برخی ارکان حکومت با طرح‌ها و لابی‌هایی که غالباً بر خلاف اوصاف ذاتی یک نهاد مدنی است سعی در مضیق کردن اختیارات این نهاد مدنی کشور بر آمده‌اند اما آنچه از ابتدای تشکیل مجلس اخیر شاهد هستیم صرفاً یک امر تقنینی بنا بر نیازهای روز جامعه نبوده بلکه رنگ و بوی نوعی لجاجت با نهاد وکالت در اقدامات مجلس دیده می‌شود، به شکلی که هیچ‌یک از نقدها و ایرادات وارد بر طرح‌ها و لابی‌های شنیده نمی‌شود، طوری که شاهد نوعی مداخلاتی از سوی نمایندگان حاضر در کمیسیون‌های مربوطه هستیم. نمایندگان گاهی در جلسات با مدیران نهادهای وکالت و عده‌توجه به نظرات جامعه وکالت داده و در عمل خلاف آنچه وعده کرده‌اند عمل می‌کنند.

باین وصف آنچه امروز در قوه مقننه و کمیسیون جش و تولید علیه نهاد وکالت مصوب شده است چیزی نیست جز نسخه انحلال تنها نهاد مدنی کشور همان نهادی که مقامات سیاسی کشور در مجامع بین‌المللی استقلال آن را مانند و نشانه حاکمیت قانون و تحقق دادرسی عادلانه معرفی می‌کنند و چه تاسف‌بار است که هزاران وکیل دادگستری چند صباحی است بر مدار قانون و اصول مسلم حقوقی، به انجای مختلف و طرق گوناگون توقع مشروع خویش که همانا تأکید بر مرقانون و رعایت حداقل‌های حقوقی است مطرح کرده اما گویی گوش شنوایی نیست در سز زمینی که من و هم‌قطارم از زیست می‌کنیم قرار و قاعده حاکمیت حرکت بر مسیر قانون و تلاش برای اجرای عدالت تعریف شده است که مقدمه

«اعتماد» در گفت‌وگو با وکلا و حقوق‌دانان، مصوبه اخیر مجلس در خصوص کانون وکلای ابررسی می‌کند

نسخه انحلال تنها نهاد مدنی کشور

مقوله وکالت و سایر مشاغل باعث از میان رفتن زمینه‌های حقوق ملت می‌شود.

در این میان برخی از تحلیلگران این نوع مصوبات را در راستای ایده خالص‌سازی، تحلیل و تفسیر کردند. ایده‌ای که با پایان گرفتن دولت اصلاحات و در ک قدرت جامعه مدنی و تشکل‌های مردم‌نهاد توسط تندر وها، توسط گروه‌های افراطی طراحی شد تا سکان هدایت مدیریت دستگاه قضایی، همچنین صالح نقره‌کار و محمد مهدی جعفرپور تلاش می‌کنند نوری به ابعاد گوناگون مصوبه‌ای بنابند که به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران، باعث از میان رفتن استقلال کانون وکلا می‌شود.

این حقوق‌دانان و مسئولان قضایی ضمن نقد مصوباتی که مجلس یازدهم در حوزه وکالت داشته، ابعاد ماهوی و اجرایی وکالت را با سایر بخش‌ها متفاوت ارزیابی کرده و تفسیر واحد در خصوص آنها را غیر معقول ارزیابی می‌کنند.

بدون بررسی ضوابط امر، آن مهر و امضای نهاد وکالت به اتفاق‌های وزارت اقتصاد منتقل نمود. نهاد وکالت با تهدید ستونی و به دلیل امانتی که از جانب موکل به وکیل سپرده می‌شود تکلیف بسیاری در حوزه سنجش، آموزش، نظارت، تمذید، ابطال و مدیریت خدمات اجتماعی وکلای را بر خود بار نموده و در ضمن آن ارتباط تنگاتنگ وکالت در حوزه‌های یادشده با دستگاه قضایی موجب شده تا نهاد وکالت در تمامی کشورها جهان را زیر مجموعه دستگاه قضا را رعایت ضوابط تخصصی این حوزه بوده یا به صورت مستقل و صنفی تحت نظارت قوه قضاییه اداره شود و هیچ کشوری نهاد وکالت تحت نظر قوه مجریه اداره نشده و صدور، تمدید و نظارت بر پروانه وکالت به وزارت متولی امور مالی و اقتصادی آن کشور که هیچ تخصص و ورودی به مبحث وکالت نداشته و نباید داشته باشد سپرده نشده است. سپردن وکالت به قوه مجریه نقض آشکار اصل تفکیک قوا مندرج در اصل ۵۷ قانون اساسی و مسط‌آدرست فصل یازدهم به فصل چهارم قانون اساسی است.

تسهیل‌گری در تعارض با اصل تخصص و دانش مجوری در حوزه‌هایی که به خدمات عمومی مربوط است، را ایل نمی‌کنند. کما اینکه برای ارتقای سلامت و بهداشت شهروندان، حاضر نیستند به افرادی که حداقل باید دانش پرستاری یا پزشکی را دارند، مجوز فعالیت بدهند. نظام صنفی و حرفه‌ای به دنبال افزایش دامنه‌های حرفه‌ای و تخصص خود است. همانقدر که تسهیل‌گری در حوزه کسب و کار از جای اهمیت است، نظام تخصصی را نه تخصص و کیفیت هم‌داری اهمیت است. نکته حایز اهمیت آنکه نظام وکالت کسب و کار تلقی نشده و یک نظام حرفه‌ای تلقی می‌شود. بنابراین باید یک خدمت عمومی را بنایان تخصص ارائه کند. تنزل این جایگاه هم اتفاق درستی نیست. به‌نظر مجلس ممکن است اهداف خوبی هم از یک چنین قوانینی داشته باشد اما این اهداف مناسب باید از طریق علمی و ضابط‌محور اجرایی شوند. بیوست اجتماعی و ارزیابی قانون هم باید مورد توجه باشد. در سیاست‌های کلی نظام در امور قضایی، قانونگذاری و اداری سه‌سند تعریف شده که لایحه استقلال را با نهاد تعارض است. امیدوارم شورای نگهبان اصلاحات این قانون را مدنظر داشته باشد و اجازه ندهد اقدامات مداخله‌گرانه باعث تنزل جایگاه نهادهای صنفی شود.

تهدید شیوه‌های تحقق حقوق ملت

اجاب این امر اجرای قانون و فصل الخطاب بودن قانون است. اما گویی برخی حضرات چنان غرق در قدرت و مقام شده‌اند که فراموش کرده‌اند قیام و اقامه به کلیف تکلیف شرعی- اخلاقی بر همگان واجب و بر حاکمیت و ارکان حکومت واجب‌تر.

سابقه تاریخی کلون و کلامویدان نکته اساسی است که این نهاد مدنی، قانونی در طول حیات بر افتخار خویش همواره در خدمت به مردم و قافله حق و تلاش برای اجرای عدالت از هیچ کوششی دریغ نکرده و سربازان آزاده عدالت هرگز از مسیر شرع و قانون خارج نشده‌اند که ذات و چه کسی است که نداند وکلای همین کانون وکلادر قالب دعاوی بین‌المللی بدون هیچ چشم‌داشتی تمام‌قد از حقوق ملت و میهن دفاع کرده موفق به محکومیت دول طرف‌ادعاشده، حقوق سززمین مادری را در مراجع فراملی احیا کرده‌اند، مراجع بین‌المللی حضور و حیات کانون وکلا با ماهیت تعریف شده در لایحه استقلال را از نشانه‌های حاکمیت قانون و از جمله ابزارهای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و برآمدات بین‌المللی آن هم نه از موضع ضعف که از موضع قدرت نظام جمهوری اسلامی می‌دانند. باین وصف همه‌جمله و چالش‌های کهنه‌یکه تخریب داخلی و عهدنامه‌های بین‌المللی تغییر عجب آن است که امروز، آوا و ندای حجره‌ای که بیش از یک قرن عدالت را فریاد زده و برای احقاق حق مظلوم صدایش را به گوش همگان رسانده، شنیده نمی‌شود.

مجلس یازدهم در حالی طی سه سال، بالغ بر سه بار از ظرفیت اصل ۸۵ قانون اساسی برای بررسی طرح‌ها و لوایح در کمیسیون و بدون رای گیری در صحن مجلس و با حضور اکثریت نمایندگان استفاده کرد که سابقه این موضوع در ادوار گذشته نشان می‌دهد استفاده از این ظرفیت قانون اساسی در قانون گذاری مجلس برای طرح‌ها و لوایحی که حساسیت‌های اجتماعی فوق‌العاده بالایی داشته و دایره شمول قانونی دارند، در مجلس یازدهم بی‌سابقه است. در آخرین نمونه این اقدام مجلس یازدهم، اصل هشتاد و پنجمی کردن لایحه حجاب و عفاف در شرایطی که این لایحه در زمان فعلی حساسیت برانگیزترین مباحث را در جامعه مورد رسیدگی قرار می‌دهد، با واکنش رسانه‌ها و افکار عمومی همراه شده‌است.

بر اساس آمارهای موجود در اداره قوانین مجلس شورای اسلامی بالاترین ر کورد برای استفاده از این ظرفیت قانون اساسی در مجلس اول رخ داده‌است. علت این امر را شاید بتوان در شرایط روز و بازه زمانی فعالیت این مجلس بررسی کرد؛ عجله و تسریع قانونگذاران بعد از وقوع انقلاب اسلامی برای تدوین هرچه سریع‌تر قوانین اسلامی برای جامعه بعد از انقلاب، با این وجود مرور این قوانین در مجلس نخست نشان می‌دهد عموم این قوانین مسائلی بوده که حوزه‌های سیاسی و اقتصادی کلان را در بر نمی‌گیرد. این گزارش مروری آماری بر سابقه استفاده از اصل ۸۵ قانون اساسی در ادوار مجلس شورای اسلامی دارد و مقایسه با آنچه تا پیش از مجلس یازدهم ذیل این ظرفیت قانون اساسی بررسی شده‌است.

مجلس اول؛ ر کورددار استفاده از اصل ۸۵ قانون اساسی

نخستین دوره مجلس شورای اسلامی ر کورددار استفاده از ظرفیت اصل ۸۵ قانون اساسی برای بررسی طرح‌ها و لوایح در قانون گذاری بوده به شکلی که از بیش از ۵۰ درصد از موارد استفاده شده از اصل ۸۵ قانون اساسی در قانونگذاری در ادوار مجالس شورای اسلامی در این دوره مجلس بوده‌است. بر اساس آمارهای ثبت شده در معاون قوانین مجلس شورای اسلامی، در دوره نخست مجلس ۵۱ ردیف قانونی به عنوان موارد استفاده شده از اصل ۸۵ قانون اساسی ذکر شده‌است که البته با توجه به تکرار برخی از قوانین در چند نوبت بررسی در قالب ۴۷ قانون قابل مرور هستند.

نخستین استفاده مجلس شورای اسلامی از تاریخ جمهوری اسلامی از ظرفیت اصل ۸۵ قانون اساسی مربوط به فروردین سال ۱۳۶۰ است. قانون «ظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی» ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی در مجلس اول بررسی و مدت شش ماهه اجرای آزمایشی برای آن در نظر گرفته شد. این قانون دو سال بعد در تیرماه سال ۱۳۶۲ نیز مجدداً ذیل این اصل قانون اساسی در مجلس اول بررسی شد.

«قانون حدود و قصاص و مقررات آن از ماده ۱۰ تا ۱۹۵» و «قانون حدود و قصاص و مقررات آن از ماده ۱۹۵ تا ۲۱۸»، «قانون تشخیص لزوم کارآموزی برای متقاضیان امر قضا»، «قانون اصلاح مواردی از قانون آیین دادرسی»، «قانون الحاق دو تبصره به مواد ۱۹۷ و ۱۹۸ آیین دادرسی کیفری»، «قانون اصلاح موادی از قانون مدنی»، «قانون اصلاح ماده ۱۲۰ قانون مدنی»، «قانون راجع به مجازات اسلامی»، «قانون مجازات اسلامی مبحث چهارم در تعزیرات» و «قانون الحاق یک بند به ماده ۳ لایحه قانون داد گاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب» موارد قانونی در حوزه قضایی و حقوقی هستند که در مجل اول ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی بررسی و تصویب شده‌اند.

«آیین نامه استحضامی کار کتان مجلس شورای اسلامی» در سه نوبت در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ و «قانون اصلاح مواد ۱۰ و ۱۱ آیین نامه استحضامی کار کتان مجلس شورای اسلامی» نیز دو قانون مربوط به امور داخلی مجلس است که در دوره اول ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی بررسی و مصوب شدند.

مابقی موارد عموماً قوانین مربوط به حوزه‌های تخصصی اقتصادی یا قوانینی هستند که جامعه مخاطب آنها اکثریت و عموم جامعه محسوب نمی‌شوند و احتمالاً با توجه به انبوه دستور کارهای مجلس اول رای کلی نمایندگان برای بررسی این طرح‌ها و لوایح ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی برای تسریع در قانون نویسی برای گروه‌ها یا صنفی بوده که وضعیت شغلی یا زندگی آنها بعد از انقلاب دستخوش تغییر شده و نیازمند قانونی فوری در این باره هستند. این موارد قانونی نیز به این شرح بودند:

«قانون راجع به ترانزیت کالا از کشتی به گمرکات داخل کشور بدون اخذ سپرده نقدی و ضمانتنامه‌های اجرایی»، «قانون اخذ هزینه صدور کارت ملوانی و پروانه دریانوردی»، «قانون ثبت اجباری بیماری‌های سرطانی»، «قانون اصلاح لایحه قانون اساسنامه



مجلس پنجم – کمترین میزان استفاده از اصل ۸۵



مجلس ششم – رتبه دوم در استفاده محدود از اصل ۸۵ قانون اساسی

عملیاتی با نیروهای مسلح همکاری می‌نمایند»، «قانون راجع به الحاق ماده واحده قانون گذرنامه مصوبه سال ۱۳۵۱ راجع به صدور گذرنامه برای رانندگان و کمک رانندگان خط ترانزیت»، «قانون راجع به اعتبار اجرای اسناد عادی که از طرف گیرندگان وام بدون وثیقه که از طرف شرکت‌های تعاونی روستایی و اتحادیه‌های تعاونی روستایی و شرکت‌های تعاونی کشاورزی و اتحادیه تعاونی‌های کشاورزی به افراد پرداخت می‌شود»، «قانون تأسیس وزارت صنایع سنگین»، «لایحه دیات»، «قانون انتقال حق بیمه آن دسته از کارگران مشمول قانون کار که تحت پوشش آیین نامه استحضامی شرکت ملی فولاد ایران قرار می‌گیرند و تبدیل وضع خدمتی می‌یابند» و «قانون هیات‌های رسیدگی به تخلفات اداری».

شاید سیاسی ترین و چالش برانگیزترین موارد قانونی در مجلس اول که ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی بررسی شده‌اند را بتوان در سه مورد مربوط به «قانون انتخاب رئیس جمهور کشور جمهوری اسلامی»، «قانون اصلاح آیین نامه استحضامی شرکت ملی فولاد ایران قرار می‌گیرند و تبدیل وضع خدمتی می‌یابند» و «قانون هیات‌های رسیدگی به تخلفات اداری».

شاید سیاسی ترین و چالش برانگیزترین موارد قانونی در مجلس اول که ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی بررسی شده‌اند را بتوان در سه مورد مربوط به «قانون انتخاب رئیس جمهور کشور جمهوری اسلامی»، «قانون اصلاح آیین نامه استحضامی شرکت ملی فولاد ایران قرار می‌گیرند و تبدیل وضع خدمتی می‌یابند» و «قانون هیات‌های رسیدگی به تخلفات اداری»، «قانون رسیدگی به تخلفات اداری»، «قانون رسیدگی به تخلفات اداری»، «آیین نامه استخدامی کارگزاران مجلس شورای اسلامی»، «قانون

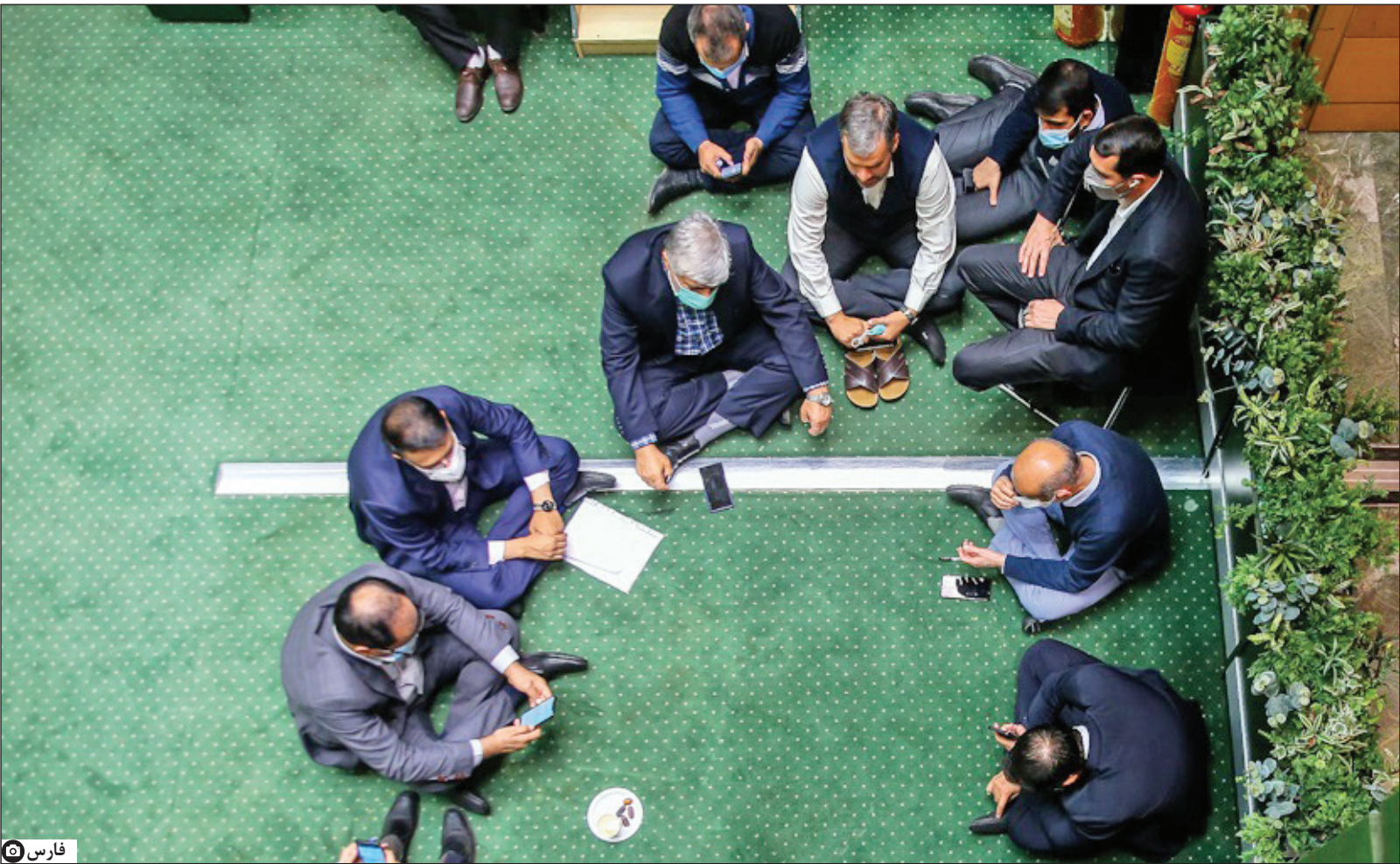
نحوه رسیدگی به دعاوی مربوط به غنایم جنگی» ۵ مورد قانون بودند که در مجلس دوم ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی بررسی و تصویب شدند.

دوره سوم و چهارم؛ قوانین تخصصی و صنفی
روال مجلس در بررسی طرح‌ها و لوایح ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی بر روال مجلس دوم است به این معنی که مواردی که گروه‌های محدودی از جامعه را تحت پوشش قرار می‌دهند ذیل این اصل قانون اساسی بررسی شده‌است. این موارد عبارتند از: «قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ شش دیوانعالی کشور»، «قانون تسهیلات اجتماعی و استحضامی جانبازان جنگی»، «قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی»، «قانون لزوم بازآموزی و نوآموزی جامعه پزشکی کشور و ارتقای سطح دانش پزشکی آنها»، «قانون وصول برخی درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین»، «قانون نحوه تشکیل پیام آوران بهداشت» و «قانون اصلاح مواردی از قانون خدمات پزشکان و پیراپزشکان مصوب سال ۱۳۶۷». «قانون مجازات اسلامی».

در دوره چهارم مجلس نیز «قانون نظام مهندسی ساختمان»، «قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران»، «قانون مجازات بند ۲ ماده ۵ قانون لزوم بازآموزی و نوآوری جامعه پزشکی و ارتقای سطح دانش پزشکی آنها مصوب ۱۳۶۹»، «قانون مقررات استحضامی نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران» ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی بررسی شده‌است.

دوره پنجم؛ کمترین میزان استفاده از اصل ۸۵
«قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (کتاب دوم امور کیفری)» تنها مورد قانونی است که ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی در مجلس پنجم تصویب شده‌است. این دوره مجلس و دوره دهم ر کورد کمترین میزان استفاده از این اصل قانون اساسی را در قوانین مصوب خود دارند.

دوره ششم؛ رتبه دوم در استفاده محدود از اصل ۸۵ قانون اساسی
«قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت» و «قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی» تنها موارد مجلس ششم در استفاده از این ظرفیت قانون اساسی هستند. بر اساس گفته‌های نمایندگان مجلس ششم قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت نیز با این استدلال ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی بررسی شده



فارس ۵

مجلس با استفاده از اصل ۸۵، سه طرح و لایحه مهم را به کمیسیون ها فرستاد

دور زدن افکار عمومی

مرور طرح‌ها و لوایح ۱۰ دوره مجلس که ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی بررسی شده‌اند، نشان می‌دهد مجلس یازدهم با استفاده از این اصل قانونی، طرح‌ها و لوایح با شمول کشوری را بررسی کرده‌است

است که نمایندگان اصرار به دایمی شدن برخی احکام موقتی در لوایح بوده‌د داشتند و با توجه به نزدیکی موعد تحویل بودجه از این ظرفیت قانون اساسی برای افزایش سرعت بررسی استفاده شد تا لایحه جدید با قانون جدید به مجلس ارایه شود.

دوره هفتم، هشتم و نهم؛ قوانین خاص برای مخاطبان خاص

«قانون مدیریتت خدمات کشوری»، «قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری»، «قانون مالیات بر ارزش افزوده»، «قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران» نیز از موارد مورد بررسی در مجلس بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی هستند. همانطور که مشخص است حتی در مجلس هفتم نیز موارد استفاده از این اصل هم محدود بوده و هم به مواردی اختصاص نداشته که جامعه مخاطب قانون حساسیت ویژه‌ای درباره آن نداشته‌است.

«قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسوولیت‌های مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث»، «قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰ و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۷۵»، «قانون شورای حل اختلاف»، «قانون اصلاح قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی مصوب سال ۱۳۶۷»، «قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی»، «قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» مواردی است که در مجلس هشتم ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی بررسی و تصویب شده‌است. مشخصاً با مرور قوانین می‌بینیم مواردی از قبیل قانونی برای دارندگان وسایل نقلیه موتوری قانون تشکیل سازمان بازرسی یا تأسیس مدارس غیرانتفاعی موضوعاتی با مخاطبان خاص هستند و جامعه مخاطب آنها محدود است.

قوانین مصوب در دوره نهم ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی نیز همین خصوصیت را دارد.

«قانون جامع خدمات‌رسانی ایثارگران»، «قانون مجازات اسلامی»، «قانون آیین دادرسی کیفری»، «قانون اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری»، «قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیک»، «قانون شورای حل اختلاف» قوانین مجلس نهم هستند که ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی بررسی شدند. همانطور که از عناوین قوانین نیز مشهود است موارد یا در بحث‌های اصلاحی قوانین قبلی بوده یا جامعه به صورت مستقیم در گیر مباحث تازه در قانون نمی‌شود.

«قانون اساسنامه شرکت ملی پست جمهوری

اسلامی» نیز تنها مورد مصوب مجلس دهم ذیل اصل قانون اساسی است.

دوره یازدهم؛ از قضا سر کنگین صفرافزود

در سال نخست فعالیت مجلس یازدهم «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» برای نخستین بار در این مجلس ذیل اصل ۸۵ قرار گرفت. در همان زمان اعتراض‌های بسیاری به این تصمیم شد چرا که طراحان این طرح پیش از رای گیری درباره اصل ۸۵ شدن آن در گفت‌وگوهای مختلف اظهاراتی را درباره لزوم تغییرات در قوانین مربوط به زاد و ولد قدیمی کردند که نگرانی و اعتراض جدی جامعه پزشکی را به دنبال داشت. در این طرح دو مورد با حساسیت ویژه‌ای پیگیری می‌شده؛ نخست مساله غربالگری اجباری که از قوانین سال‌های دهه ۷۰ در کشور اجرامی‌شده و به ادعای پزشکان و کادر پزشکی و فعالان حوزه بهزیستی باعث کاهش چشمگیر تولد نوزادان با اختلالات ژنتیکی بوده و در مقابل بسیاری از چهره‌های طراح این طرح و مدافعان آن در بیرون از مجلس یازدهم به صورت علنی و مخبر خواهان حذف غربالگری اجباری بودند که کمابیش بررسی و تصویب نهایی این قانون این موضوع حذف شرایطی بسیار سخت و محدودکننده برای این آزمایش پزشکی مادران را دربار در نظر گرفته شد. مورد دوم بحث حمایت‌های مالی از فرزندانوری بود که هشدارهای جامعه شناسان را به دنبال داشت که صرف پرداخت مبالغی برای تشویق به فرزندآوری با وضعیت تورم فعلی امکان حمایت مالی، سلامت و روانی صحیح از این فرزندان در خانواده‌های پر جمعیت وجود ندارد. با این وجود این رویه‌های تشویق مالی از وعده‌اعطای زمین و ماشین یا پرداخت‌های نقدی در نهایت پشت درهای بسته کمیسیون ویژه جمعیت تصویب شد و به رغم گذشت دو سال بعد از آن نمایندگان از عدم همکاری مالی بانک‌ها و ایراداتی در نحوه اعمال این حمایت‌های مالی به رغم تولد نوزدان جدید طی این مدت، گلایه دارند.

طرح موسوم به صیانت که گفته می‌شود بنای تحدید کار بران فضای مجازی را داشته، دومین طرحی بود که در مجلس یازدهم با اصرار کمیسیون فرهنگی مجلس با ترکیبی بر تر در دست اعضای جبهه پایداری و نزدیکان فکری آنها ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی شد. فشار افکار عمومی و البته پیگیری برخی نمایندگان معدود باعث شد تا به‌رغم اصل ۸۵ شدن این طرح در ابتدای کار کمیسیون ویژه در آیین نامه اجرای کار کمیسیون مساله بخش مستقیم کمیسیون تصویب شود. شایددر نهایت همین رویکرد بود که در پی طرح هر موضوعی در کمیسیون و واکنش گروه‌های مختلف راه تصویب این طرح در کمیسیون ویژه صیانت ابرتر ماند. آشی که این کمیسیون برای فضای مجازی و اینترنت و محدودیت آن بار گذاشته بود به قدری شور بود که صدای مرکز پژوهش‌های مجلس و حتی دولت ریسی رانیز در آورد. شاید همین مشروح مذاکرات و بازخورد مباحث مطرح شده در کمیسیون ویژه صیانت بود که کار بررسی این طرح در مجلس یازدهم را ابرتر گذاشت و حتی پیشنهاد بازگشت طرح به صحن و خارج شدن از آن ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی نیز در یک رای گیری استمراجی مورد موافقت واقع شد. اگرچه با رویدادهای سال گذشته در کشور در نهایت مراد دل طراحان صیانت محقق شد و در حالی که طرح برای بررسی به شورای عالی فضای مجازی ارسال شده بود بخشی از آمال و آرزوهای آنها درباره اینترنت اجرایی شد.

آمارها چه می‌گویند

کمترین میزان استفاده از اصل ۸۵ قانون اساسی در مجلس پنجم و دهم با یک مورد قانون نویسی ذیل اصل ۸۵ و سپس دوره ششم با دو مورد بوده‌است. با توجه به ترکیب اصلاح‌طلبان در این ادوار مجلس به نظر می‌رسد جریان اصلاح‌طلب تمایل کمتری به استفاده از این اصل قانون اساسی در قانون نویسی دارد. علاوه بر این در هر کدام از این سه دوره قوانین ذیل این اصل بررسی و تصویب شدند که دایره شمول مخاطبان و مشمولان این قانون بسیار محدود بوده و حوزه صنفی مشاغل همانند «اساسنامه پست» در مجلس دهم و «قانون استخدام نیروی انتظامی» در مجلس ششم را شامل می‌شود. بخش عمده از مصوبات مجلس که ذیل این اصل بررسی شدند در ادوار هفتم تا نهم نیز همین ویژگی را دارند. علاوه بر استفاده سیاسی که مجلس یازدهم از اصل ۸۵ قانون اساسی داشته‌است پارادوکس عمل و شعارهای این مجلس است. مجلسی که شعار شفافیت را ایزار تبلیغاتی خود کرد، حالا بر چسب پنهان کارترین مجلس ادوار جمهوری اسلامی را دارد. حوزه‌های جمعیت و فرزندآوری، اینترنت و حالا حجاب را از جلوی چشم و گوش مردم برد کرد و به اتاق‌های کمیسیون‌ها برد تا ۱۰ نماینده بر ۸۵ میلیون ایرانی قانون بنویسند و لایحه‌ای تا این اندازه مهم را طی کمتر از یک هفته بررسی و تصویب کنند. این رویه قانونگذاری نه تنها وهن خانه ملت است که بی توجهی به افکار عمومی هم تلقی می‌شود.



افتتاحیه مجلس اول – این مجلس ر کورددار بیشترین استفاده از اصل ۸۵ است

به گزارش «اعتماد»، تیم ملی بسکتبال زنان ایران در فینال مسابقات دیویژن ب کاپ آسیا با نتیجه نزدیک ۵۴-۵۵ به آندونزی باخت و نایب‌قهرمان شد. بسکتبالیست‌های زن ایران در صورت قهرمانی، می‌توانستند برای اولین‌بار در تاریخ جواز صعود به دیویژن A (سطح یک) آسیا را کسب کنند. تیم ملی ایران دومین حضور خود را در کاپ دسته دوم آسیا تجربه کرد و در حالی که در اولین تجربه حضور بدون پیروزی مسابقات را ترک کردند در دومین حضور به فینال رسیدند. ملی پوشان در تایلد و در دور مقدماتی مقابل مالزی و مغولستان به پیروزی رسیدند و با شکست مقابل آندونزی به عنوان تیم دوم به مرحله بعدی صعود کردند. در مرحله حذفی با عبور از سد قزاقستان برای اولین‌بار به جمع چهار تیم برتر کاپ آسیا اضافه شدند و در این مرحله هم با شکست اردن به فینال مسابقات راه یافتند. آندونزی که در مرحله گروهی هم تیم ملی کشورمان را شکست داده بود در فینال آن برتری محسوس نسبت به ایران نداشت و در نهایت با یک امتیاز بیشتر جواز صعود به دیویژن A آسیا را کسب کرد.

دلارام وکیلی در پوزیشن ۳ و ۴ با بیش از ۱۴ سال سابقه بازی در رده‌های ملی یکی از ستاره‌های این مسابقات بود. وکیلی که ۳۲ سال سن دارد تا چند سال دیگر هم می‌تواند به درخشش در تیم ملی ادامه دهد. وی در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگار اعتماد از وضعیت خودش و تیم ملی در بازی‌های آسیایی گفت که در ادامه می‌خوانید.

- **نایب‌قهرمانی آسیا را به شما تبریک می‌گوییم. از سطح مسابقات برای ما بگو!**
بازی ما خدا را شکر خیلی خوب بود و در سطح خوبی برگزار شد. ما هم از اول به این مسابقات رفتیم با این هدف که بازی‌های ما را برپیم و به گروه ۸ برسیم و خدا را شکر که تا فینال هم رسیدیم اما با یک باخت میلیمتری بازی را به آندونزی واگذار کردیم و نتوانستیم به دیویژن ۸ صعود کنیم.
- **چه حیف که فقط یک تیم صعود کرد.**
بله؛ فقط تیم اول صعود می‌کرد. تیم ما دوسال است که در بازی‌های سطح ۳ شرکت می‌کند و دو سال پیش هشتم شدیم و امسال هم تنها سالی بود که توانستیم تا این مرحله از مسابقات پیش برویم که متأسفانه میلیمتری باختیم و دوم شدیم.
- **از کار کردن بالتی کابوچیانی بگو.**
او سال اولی است که به ایران آمده و سه ماه است که با او کار کردیم اما خوب تجربه فوق‌العاده‌ای بود و خیلی چیزها از او یاد گرفتیم و تغییرات مثبت زیادی داشتیم. آنچه مشخص است تیمی که تا فینال بازی‌ها پیش می‌رود نشان از تغییرات مثبت دارد. فکر می‌کنم در بخش دفاعی بسیار تغییر کردیم و در حمله بسیار منظم‌تر شدیم. در کل تجربه خیلی خوبی بود.
- **بازی‌های دیگری هم در پیش دارید؟**

علی ولی‌اللهی

حضور مهدی تاج، رییس فدراسیون فوتبال ایران در استرالیا برای تماشای بازی فینال جام جهانی زنان بسا توجه به اوضاع جامعه، مشکلات حضور زنان در ورزشگاه و نگاهی که فدراسیون به فوتبال زنان دارد بسیار طعنه‌آمیز شده است. کاربران در شبکه‌های اجتماعی و ورزشی‌نویسان در قالب‌های گوناگون سوال می‌کنند چطور تماشای بازی زنان برای مردم ایران جایز نیست و صداسویما هم این بازی را بخش نمی‌کند اما برای رییس فدراسیون فوتبال ایران مجاز است؟

همچنین این سوال مطرح می‌شود که آیا رییس فدراسیون در حین پرواز به سیدنی استرالیا برای تماشای بازی زنان اسپانیا و انگلیس در جریان قرار داشت که در فصل جاری مساله ورود زنان به استادیوم لاینحل باقی مانده و در ورزشگاه‌های مختلف به بهانه‌های گوناگون از ورود زنان به استادیوم جلوگیری می‌شود؟ آیا می‌دانست هیات فوتبال استان آذربایجان شرقی رسماً اعلام کرده در بازی تراکتور و الشارجه در پلی آف لیگ قهرمانان آسیا قرار است چند ورزشکار زن گزینش شده به عنوان تماشاجی در استادیوم حاضر شوند تا جریمه‌ای از سوی ای‌اف‌سی گریبانگیر فوتبال ایران نشود؟

آیا زمانی که رییس فدراسیون فوتبال ایران سطح مسابقات جام جهانی و فینال آن را لمس می‌کرد خبر داشت که اردوهای تیم‌های ملی زنان ایران با وجود ادعای رسانه‌های همسو با فدراسیون اصلاً در حد تیمی نیست که می‌خواهد سهمیه المپیک یا جواز حضور دوباره در جام ملت‌های آسیا را به دست بیاورد؟ کسی نمی‌داند اما شاید اگر تاج در ورزشگاه ملی سیدنی دیده نمی‌شد این همه حساسیت هم برانگیخته نمی‌شد!

بایباید به گذشته برگردیم و کارنامه مهدی تاج را در حوزه فوتبال زنان در دوران اول ریاست و یک سالی که از بازگشتش به فدراسیون گذشته بررسی کنیم.

آخرین روزهای حضور مهدی تاج در فدراسیون فوتبال آن زمانی که ویلموتس کیت خطرناک شده بود و آقای رییس به خاطر مشکل قلبی استعفا کرد،

همین مسابقات تا دو سال دیگر مجدد برگزار می‌شود و فکر نمی‌کنم در این مدت بازی رسمی داشته باشیم و باید صبر کرد و دید چه بازی‌های در پیش است، حالا رسمی یا غیر رسمی!

- **قبل از حضور در مسابقات اردوهای خوبی را سپری کردید؟**
به لحاظ آماده‌سازی خیلی خوب بود و برای اولین‌بار بازی‌های تدارکاتی داشتیم، ما در چند تورنمت حضور پیدا کردیم و اولین‌بار بود که تا این حد بازی‌های تدارکاتی داشتیم و مشخصاً وضعیت تیم بهتر می‌شود. خدا را شکر همه چیز خوب است.
- **در اردوها کم و کسری نداشتید؟**
نه همه چیز خوب بود.
- **در کدام باشگاه عضو هستید؟**
بهمن تهران.
- **سقف قرارداد در لیگ بسکتبال بانوان چقدر است؟**

- حدود ۴۰۰ میلیون.
- **مبلغ قرار داد شما هم همین قدر است؟**
بله. تقریباً.
- **با همین پول زندگی می‌چرخد یا شغل دیگری هم دارید؟**
کارهای دیگر تا حدی که لطمه نخورد به ورزش مان انجام می‌دهیم.
- **چقدر پاداش گرفتید؟**
برای هر بردی که داشتیم پاداش جداگانه دادند. ۵۰ دلار بود، ۱۰۰ دلار بوده و برای حضور در فینال هم ۲۰۰ دلار پاداش گرفتیم. تازه رسیدیم و باید صبر کنیم؛ ببینیم چه تدارکی برای مان دیده‌اند.
- **پاداش فوتبالیست‌ها با پاداش شما قابل قیاس نیست. از این موضوع ناراحت نمی‌شوید؟**
این چیزها در جامعه ما هست و کاری هم نمی‌شود کرد. یعنی کاری هم از دست‌مان بر نمی‌آید در باره این موضوع!
- **فوتبالی هم هستید و طرفدار پرسپولیس.**



دلارام وکیلی، ستاره تیم ملی بسکتبال زنان در گفت‌وگوی اختصاصی با «اعتماد»:

تفاوت پاداش زنان با آقایان؟ در جامعه ما این چیزها وجود دارد و کاری هم نمی‌شود کرد!

پرسپولیس دو آتیشه هستیم!

- دست است؟
- بله. پرسپولیس دو آتیشه و بازی‌های این تیم را دنبال می‌کنم.
- **بازی کدام بازیکن این تیم را می‌پسندید؟**
فرقی ندارد؛ کلاً تمام تیم.
- **تر تیب سوالات مان به هم خورد! مردم از شما استقبال خوبی داشتند؟**
بله؛ از ایران خیلی انرژی فرستادند و ایرانی‌های مقیم تایلد هم بودند و تشویق‌مان می‌کردند و کلی از ما حمایت کردند. در کل همه چیز خوب بود.
- **و سوال آخر، یک سری از مسائل حاشیه‌ای هم به وجود آمده بود درباره سرود نتواندن اعضای تیم. در جریان قرار گرفته بودید؟**
بله؛ به گوش ما هم رسیده بود.
- **نظری دارید؟**
توضیحات را رییس فدراسیون دادند و اجازه بدهید دیگر وارد مسائل حاشیایی نشویم.

حاشیه‌های یک سفر طعنه‌آمیز به استرالیا

حالا که از تماشای فینال جام جهانی زنان برگشتید بگوید برای فوتبال زنان ایران چه کردید؟



مصادف شد با خروج تیم ملی فوتبال زنان ایران از رکنیک فیفا؛ یعنی انقدر این تیم بی‌صاحب شده بود و آنقدر بالاتکلیف مانده بود که فیفا اعلام کرد از نظر ما انگار تیمی به اسم تیم ملی فوتبال زنان ایران وجود خارجی ندار د! نگاهی به آرشیو آن زمان فوتبال زنان نشان می‌دهد که به مدت چند سال اعضای تیم ملی فوتبال ایران که قهرمان آسیا شده بودند، به دنبال پاداش ۲۲ میلیونی خود از فدراسیون در به در می‌گشتند و مدام به در بسته می‌خوردند! کار تا جایی پیش رفت که یکی از اعضای تیم ملی فوتبال زنان ایران که از گرفتن پاداش قهرمانی ناامید شده بود به رسانه‌ها گفت آن زمانی که قهرمان آسیا شدیم با ۲۲ میلیون تومان می‌توانستیم پراید بخیریم ولی حتی اگر همین امروز هم پاداش ما را بدهند پول یک گوشی موبایل نمی‌شود! البته که مهدی تاج رفت و پاداش بچه‌ها افتاد روی دوش فدراسیون بعدی.

واقعیت این است که مهدی تاج هرگز نه به فوتبال زنان توجه ویژه‌ای داشته و نه دغدغه‌خاطر نسبت به برقراری ارتباط خانواده‌های ایرانی با فوتبال. که اگر داشت تیم ملی زنان ایران که در دوران پساتاج تازه جان گرفته بود به این روز نمی‌افتاد و در ورزشگاه‌ها دوباره به روی خانواده‌ها بسته نمی‌شد.

تیم‌های بزرگ پرسپولیس و استقلال و سایر تیم‌های لیگ برتری در فوتبال زنان تیمی دارند، این اتفاق رخ نداده است. این در حالی است که داشتن تیم فوتبال زنان جزو اولویت‌های سطح C آسیا برای گرفتن مجوز حرفه‌ای است و از سال‌های آینده به سطح A خواهد رسید و تبدیل به یک الزام خواهد شد اما فدراسیون در این زمینه هم قدمی برنداشته است. البته مهدی تاج در این زمینه کافی بود مصوبه‌ای که در هیات ریسه فدراسیون فوتبال در زمان ریاست عزیزی خادم مبنی بر الزامی بودن داشتن تیم زنان برای باشگاه‌های لیگ برتری تصویب شده بود را پیگیری کند اما این کار را انجام نداده است. در آن مصوبه آمده بود که اگر تیم لیگ برتری در حوزه زنان تیمداری نکند حق شرکت در مسابقات داخلی را هم نخواهد داشت.

اما حالا که مهدی تاج برای تماشای فینال جام جهانی زنان به استرالیا سفر کرده خوب است در مقام مقایسه هم که شده، بگوید در این یک سال برای فوتبال زنان چه کار کرده است؟ بگوید برای ورود زنان به ورزشگاه چه کار کرده؟ او زمانی که از فدراسیون می‌رفت تیم ملی زنانی را تحویل داد که از رکنیک فیفا خارج شده بود، سرمربی نداشت و مدت‌ها از آخرین بازی دوستانه یارسمی‌اش می‌گذشت. اما زمانی که برگشت تیم ملی زنانی را تحویل گرفت که در دوران عزیزی خادم برای نخستین‌بار نتوانسته بود جواز حضور در جام ملت‌های آسیا را به دست آورد، پرواز اختصاصی و کمپ‌تیرینی و امکانات رفاهی در سطح تیم مردان داشته باشد. تیمی که از لحاظ برند نتوانسته بود جایگاه بسیار خوبی بین مردم باز کند. برای فهم این مساله کافی است سری به واکنش مردم بعد از صعود تیم ملی زنان به جام ملت‌های آسیا با سرمربیگری مریم ایراندوست بزنیم. مریم ایراندوستی که بعد از عزیزی خادم و زمانی که مهدی تاج آمده می‌شد به فدراسیون برگرده «لادستور از بالا» از سرمربیگری تیم ملی زنان کنار گذاشته شد. یک نکته مهم دیگر اینکه دو روز قبل گلاره ناظمی مسؤول کمیته مسابقات زنان فدراسیون فوتبال اعلام کرد با وجود اینکه همه تلاشش را کرده است که

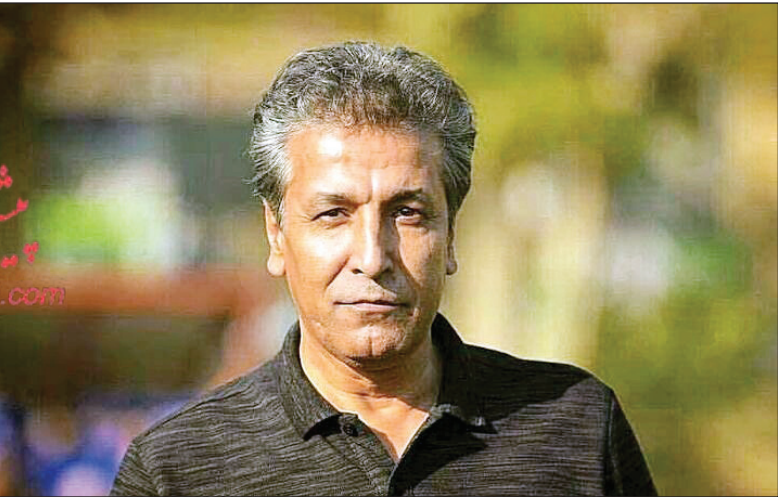
به گزارش «اعتماد»، در یکی از حساس‌ترین بازی‌های هفته سوم بازی‌های لیگ برتر تیم فوتبال استقلال امروز در اصفهان به مصاف سپاهان می‌رود. دو تیمی که در دو بازی ابتدایی لیگ با کسب سه امتیاز زمین مسابقه را ترک کردند و اصلاً دوست ندارند به این زودی طعم تلخ شکست را بچشند. محسن گروسی یکی از پیشکسوتان استقلال که دو سال سابقه پوشیدن سپاهان را هم دارد در خصوص این جدال دو تیم تهرانی و اصفهانی به خبرنگار اعتماد گفت: بازی سختی برای هر دو تیم است، در این بازی هر تیمی که بتواند از موقعیت‌های به دست آمده در ست استفاده کند، می‌تواند بازی را به نفع خودش تمام کند. استقلال در بازی گذشته منطقی بازی کرد. با اینکه مشکلات بسیار زیادی هم داشته اما با انجام بازی منطقی شش امتیاز کامل را گرفت. پیشکسوت آبی‌ها در ادامه در مورد شرایط زردپوشان هم اظهار داشت: در طرف مقابل هم تیم سپاهان تیم بسیار خوبی است و در دو بازی گذشته بازی‌های خوبی را به نمایش گذاشت. عرض کردم در این بازی هر تیمی که از موقعیت‌ها بهتر استفاده کند، می‌تواند برنده زمین را ترک کند. گروسی کسب یک امتیاز در اصفهان را برای استقلال مناسب دانست و افزود: قطعا در بازی خارج از خانه مقابل سپاهان هدف اول کسب سه امتیاز خواهد بود اما اگر نشد کسب یک امتیاز هم می‌تواند برای استقلال مناسب باشد.

پیشکسوت استقلال اعتقاد دارد در زمان نقل وانتقالات این تیم عملکرد خوبی نداشت: در زمان بارگیری همه اذعان دارند که استقلال خوب کار نکرد اما استقلال هم برای خودش یک تیم است! یعنی در هر سال مدعی

پیشکسوت استقلال از جدال حساس آبی وزردپوشان می‌گوید خطر مجری است نه مدیر! در اصفهان کسب نتیجه مساوی هم برای استقلال بد نیست

است، استقلال در چند سال گذشته شاید فقط یک سال در فصل آماده‌سازی خوب کار کرد و امسال مثل همان هفت، هشت سالی بود که شرایط مناسب نبود. با این حال همیشه استقلال شروع خوب نداشت اما امسال شروع خوبی داشته و امیدواریم همین شرایط را مقابل سپاهان هم ادامه بدهد. استقلال هم بازیکنان خوبی دارد اما در آماده‌سازی مشکلاتی داشت.

از گروسی در خصوص اعتراض عده‌ای از هواداران استقلال در مقابل ساختمان این باشگاه پرسیدیم که پاسخ داد: متأسفانه در چند سال گذشته هر مدیری که برای استقلال انتخاب کردند همه بله قربان گو بودند! جز آقای آجلو که آمد کارش را انجام داد و به هیچ کس باج نداد. الان هم آقای خطیر تا الان به عنوان مجری باشگاه کار کرده نه مدیر! یعنی کسی بوده که اجراکننده دستورات بوده است، وقتی کسی که تا حالا نکته مثبتی نداشته در سمت مدیر باشگاه است این را هواداران هم می‌بینند و به همین علت دوست دارند کسی نباید که برای باشگاه کار کند نه اینکه کاری انجام ندهد و فقط و فقط صحبت کند. از گروسی پرسیدیم خواستار تغییر مدیریت در استقلال است؟ او پاسخ داد: هر کس می‌خواهد بیاید باید اما کار کند و برای استقلال مفید باشد. کسی باشد که تصمیم گیر برای باشگاه باشد و این توانایی را نداشته باشد. وقتی نتواند کاری کند باید عوض شود. اصلاً باید خودش پرودای در پایان در باره پیش‌بینی نتیجه‌اش از بازی استقلال و سپاهان گفت: کار در اصفهان بسیار سخت است اما امیدوارم استقلال در مقابل سپاهان نتیجه دلخواهش را بگیرد.



تب والیبال در ارومیه داغ‌تر می‌شود

گام به گام تا فینال احتمالی ایران – ژاپن

حریف. مساله‌ای که سرمربی تیم ملی هم بعد از بازی به آن اشاره کرد.

بهرز عطایی بعد از برد مقابل عراق در آخرین روز مرحله مقدماتی، گفت: عراق را دست کم گرفتیم و به همین دلیل نتیجه‌ست اول را به حریف واگذار کردیم.

وی افزود: دست کم گرفتن حریف یک ضعف برای تیم ایران است و نباید چنین اشتباهاتی داشته باشیم. در ست‌های بعدی عملکردمان تغییری نداشت. فقط با فشار بیشتر با اختلاف زیاد پوئن‌ها پیروز شویم. باید تا قبل از سوت پایان دیدار عملکرد دهیمیگی خود را داشته باشیم.

با اتمام دور گروهی مسابقات چهار ۱۲ تیم برتر رقابت‌ها مشخص شد. بر این اساس تیم ایران امروز با پاکستان دیدار می‌کند و ژاپن به عنوان اصلی‌ترین رقیب ایران به مصاف بحرین خواهد رفت. همچنین چین دیگر تیم مدعی بایدبا تیم ششمین بردمتوالی خود را تجربه کند.

ملی پوشان والیبال ایران روز دوشنبه مقابل عراق به میدان رفتند اما در حالی که همه انتظار داشتند ایران از همان ست نخست قدرت خود را به حریف دیکته کند، عراقی‌ها کاری کردند که سدان بر گزاری مسابقه که مملواز تماشاگران ایرانی بود برای سبک فروبرد.

شاگردان بهروز عطایی در ست نخست این مسابقه با نتیجه عجیب ۲۵ بر ۱۹ مقابل عراق بازنده شدند و این اتفاقی دور از انتظار برای علاقه‌مندان به والیبال بود. با این حال ملی پوشان ایران در سه ست بعدی به خودشان امدند و با امتیازهای ۲۵، ۱۲ بر ۲۵، ۱۵ و ۲۵ و ۱۴ حریف خود را شکست دادند تا نشان بدهند نتیجه‌ست اول تنها یک اتفاق بوده است! اتفاقی به واسطه دست کم گرفتن



تیناجاللی

از ابتدای امسال دامنه و رشد مشکلات سینمای ایران نسبت به دوره‌ها و سال‌های اخیر وسیع تر و بیشتر شده، اوضاع در پار‌های از مواقع به گونه‌ای است که هر سمت مسائل سینما را برای تحلیل و ارزیابی می‌گیریم، ناگهان گوشه دیگری بروز می‌کند.

بر فرض اگر درباره حکم‌های عجیب و غریب قوه قضاییه برای هنرمندان گزارش می‌نویسیم، بحث فیلم‌های زیرزمینی داغ می‌شود، از کود و گیشه کم‌رونق فیلم‌ها می‌گوییم، ممنوع‌الکاری و ممنوع‌الفعالیتی سینماگران تیتتر می‌شود، از سانسور و ممیزی فیلمنامه و آثار سینماگران بنویسیم به یکباره بحث و مناقشه تکراری و ملال آور سائر اباشیکه نمایش خانگی رخ می‌نماید، از اوضاع معیشت و بیکاری بازیگران مصاحبه می‌گیریم، بحث خودکشی به میان می‌آید، حالا هم چند روزی است به شکل عجیب و غیرمنتظره‌ای قاچاق فیلم‌ها در سینما تنش ایجاد کرده، آن‌هم نه یک فیلم که به شکلی دومینوار، نسخه غیر قانونی چند فیلم در فضای مجازی منتشر شده‌است.

آن چیزی که واضح است، این بحث از انتهای سال گذشته و با نسخه با کیفیت فیلم‌های «برادران لیل» شروع شد و در ادامه به «جنگ جهانی سوم»، «خط فرضی، تفریق بی‌روپا و ارادتمند نازنین، بهاره و تینا» رسید و نسخه غیر قانونی این فیلم‌ها در شبکه‌های مجازی عرضه شد، اما اهمیت ماجرا آنجا زیاد نمود پیدامی کند که پیوست قاچاق سه فیلم اخیر به صورت همزمان شائبه‌هایی را به وجود آورد که این فیلم‌ها به صورت عمد به دست قاچاقچیان رسیده است، یعنی دست‌هایی در کار بوده تا این فیلم‌ها قاچاق شود. اما توسط چه کسانی؟ مقصر اصلی ماجرا کیست؟

گذر زمان و تفاوت قاچاق فیلم‌ها

اگر خاطرتان باشد در سال‌هایی که خیلی هم دور نیست، قاچاق فیلم‌ها به صورت دی‌وی‌دی توسط سودجویان و قاچاقچیان صورت می‌گرفت و آنها به واسطه بی احتیاطی دست‌اندر کاران فیلم یا پخش، به نسخه اصلی فیلم می‌رسیدند و اثر به صورت فیزیکی اسما غیر قانونی با قیمت ارزان در دسترس مردم قرار می‌گرفت.

کمی که جلوتر آمدیم و تکنولوژی رشد کرد و گوشی‌های هوشمند در دسترس همه قرار گرفت، انتشار نسخه غیر قانونی فیلم‌ها بیشتر باب شد، سودجویان نسخه پر ده‌ای اما با کیفیت فیلم را تهیه می‌کردند یا با واسطه، به نسخه اصلی فیلم دسترسی پیدا می‌کردند و آن را به صورت فراگیر در شبکه‌های مجازی عرضه می‌کردند.

این موارد قاچاقی بیشتر در مورد فیلم‌ها به اکران در آمده و نمایش داده شده در سینماها صدق می‌کرد، یعنی به مواز نمایش فیلم‌ها در سینماها نسخه غیر قانونی هم منتشر می‌شد، اما تفاوت قاچاق فیلم‌هایی که این روزها در سینمای ایران عرضه می‌شود، این است که این فیلم‌ها به اکران عمومی نرسیده و نسخه اصلی فیلم‌ها فقط در اختیار معدودی از افراد یا صاحبان فیلم‌هاست، مگر در این گزارش برای رسیدن به عمق ماجرا با افراد زیادی از سینماگران و مسوولان تماس گرفتیم، آنها به رغم اینکه اطلاعات‌شان را شفاف در اختیار ما گذاشتند، اما حاضر به درج نام‌شان در این گزارش نشدند. در این گزارش به صورت شفاف به تمام نکاتی که ممکن است عامل قاچاق فیلم باشد، اشاره می‌کنیم اما به صورت نظریه.

همه فر ضیه‌های قاچاق فیلم

۱- اولین فرضیه‌ای که برای قاچاق فیلم‌ها به صورت

دومینوار، مطرح است اینکه این فیلم‌ها در بر گیرنده موضوعات تلخ اجتماعی هستند و از آنجایی که در دوره جدید مدیران سینما مخالف طرح و بیان معضلات اجتماعی در فیلم‌ها هستند، نسخه قاچاق این فیلم‌ها توسط افرادی مشخص به بیرون درز کرده‌است، در واقع این نوع قاچاق هشدار ی است برای دیگر سینماگران که اگر در فیلم‌های تان نکات ممنوعه و سیاه مطرح شود سرنوشتش محتمم به قاچاق است و در نهایت سرمایه‌ای که از شمایه فنا می‌رود، این فرضیه قائل به این است که دست‌هایی در حال نابودی سینمای ایران و به صورت خاص سینمای اجتماعی است.

۲- نظریه دوم این است که خود عوامل فیلم در انتشار نسخه غیر قانونی فیلم‌شان دست داشتند، این فرضیه درباره دو فیلم «خط فرضی» و «ارادتمند…» قوت بیشتری پیدا می‌کند، در توضیح این نظریه باید گفت فیلم «ارادتمند» در زمره آثاری است که مدت زیادی از زمان ساخت و توقیف آن می‌گذرد و این فیلم امکان نمایش عمومی را اصلا نداشته و با حواشی اخیری که برای بعضی بازیگران فیلم رخ داده بعید هم به نظر می‌رسد اصلا «ارادتمند…» به اکران عمومی در آید. این نظریه می‌می‌گوید: دست‌هایی به صورت تعمدی نسخه غیر قانونی فیلم را بافاصله بعد از بی‌روپا و تفریق

منتشر می‌کنند با این فرض که قاتلش گم است و پیدا نمی‌شود. ما برای صحت و سقم این نظریه نتوانستیم با عوامل فیلم ارتباط برقرار کنیم. «خط فرضی» هم بنا بر شنیده‌های ما برای زمان اکران با ممیزی مواجه شده، طوری که این ممیزی پیام فیلم را تغییر می‌داده، این فرضیه می‌گوید: بعید نیست که نسخه بدون ممیزی این فیلم توسط خود عوامل فیلم به دست سودجویان رسیده باشد. با فروش صمدی، کارگردان فیلم در این باره صحبت کردیم او این فرضیه را اکاملا رد می‌کند و می‌گوید: انتشار نسخه قاچاق فیلم از جانب صاحبان آثار نبوده و در عین حال این نسخه قاچاق شده از طرف پخش کننده خارجی یا به دلیل اکران در خارج از ایران هم اتفاق نیفتاده است.

۳- فرضیه سوم این است که ده‌ای در تلاش هستند



عملکرد مسوولان سینمایی در دوره جدید را زیر سوال ببرند، در نتیجه با انتشار این فیلم‌ها به صورت کاملاً غیر قانونی و سازمان یافته، به مدیران فشار وارد می‌کنند که اگر این نوع فیلم‌ها توسط شما اجازه انتشار نگیرد در فضای مجازی منتشر می‌شود و حرف‌های سینماگران بالاخره به گوش مخاطبان می‌رسد. ۴- اما عقیده‌ای درباره دو فیلم «برادران لیل» و «تفریق» وجود دارد که به نظر منطقی و درست می‌آید و پیش از این هم هشدارهایی در این زمینه از سوی سازندگان آثار داده شده بود و آن اینکه این دو فیلم یعنی «برادران لیل» و «تفریق» با پخش کننده‌های خارجی قرار داد داشتند. در نتیجه همزمان با عرضه فیلم در پلتفرم‌های خارجی فیلم در داخل هم منتشر می‌شود. همچنین درباره فیلم «جنگ جهانی سوم»



۷ فرضیه‌ای که درباره قاچاق فیلم‌ها در روزهای اخیر مطرح است

چه کسانی مقصر ند؟

آیا قاچاق فیلم‌ها ادامه دارد؟

هم گفته می‌شود چگونگی پخش جهانی باعث آسیب و قاچاق فیلم شده است.

۵- درباره فیلم «بی‌روپا» نکته‌ای که به ما گفته شده گویا بیشتر سهل انگاری باعث قاچاق فیلم شده است، چون فیلم قرار بود در پلتفرم داخلی عرضه شود و قرار داد هم بین صاحبان فیلم و پلتفرم منعقد شده بود. در این رابطه با سعید سعیدی، تهیه‌کننده فیلم تماس گرفتیم، او گفت: متعجبم که این نسخه با کیفیت از کجا منتشر شده، به عنوان تهیه‌کننده باطمینان می‌گویم که این نسخه با کیفیت را ندارم و نسخه‌ای که در دفترم هست، این کیفیت شفاف را ندارد. حتی کارگران هم با این کیفیت بالا فیلم را در اختیار ندار. البته پخش کننده خارجی سه سال است که این فیلم را در اختیار دارد، اما نسخه پخش کننده ز بنویس دارد. ۶- نظر دیگری هم هست مبنی بر اینکه احتمال

دارد بعضی از این فیلم‌ها توسط برخی عوامل فیلم به کانال‌های تلگرامی یا ماهواره‌ها به فروش رسیده باشد، چون شواهد نشان می‌دهد ماهواره‌ها و کانال‌های تلگرامی در جریان انتشار و پخش نسخه قاچاق فیلم‌ها به سود هنگفتی می‌رسند.

۷- نکته دیگری هم درباره انتشار نسخه قاچاق فیلم‌ها مطرح شده که ممکن است صادق باشد و آن اینکه

احتمال دارد بعضی فیلم‌ها از لایرتوار به بیرون منتشر شده باشد.

نظر سازمان سینمایی چیست؟

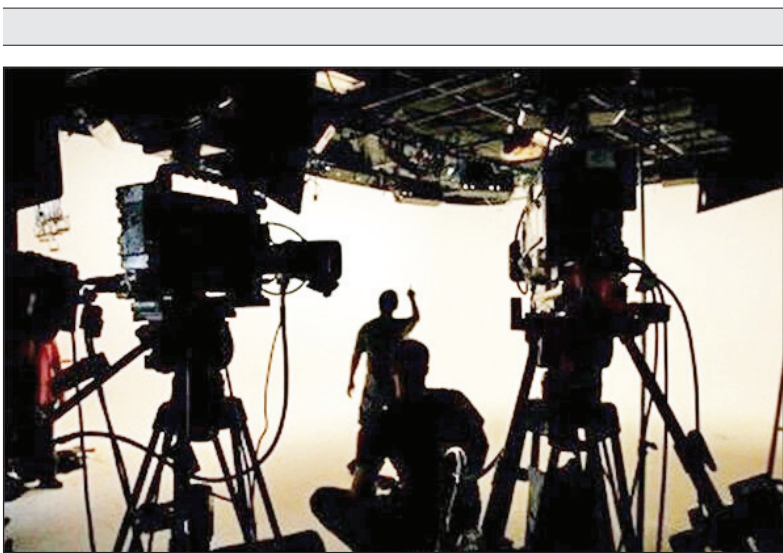
اینجا بد نیست به نظر سازمان سینمایی هم اشاره داشته باشیم، روح‌الله سهرابی، مدیر کل اداره نظارت بر نمایش سازمان سینمایی در این رابطه گفته: کیفیت فیلم‌های منتشر شده آنقدر بالاست که گویا فایل آثار از طرف خود دفاتر پخش یا افرادی که نسخه اصلی فیلم را در اختیار داشتند پخش شده است، اگر روزی فیلمی منتشر شد که تا بیل «جهت بازبینی» روی آن درج شده بود سازمان سینمایی پاسخگوی آن است، اما این نسخ منتشر شده در اختیار مانبوده و انگار عمدی از انتشار آنها وجود دارد.

وی در رابطه با صیانت سازمان سینمایی از پخش غیر قانونی آثار عنوان کرد: سازمان سینمایی وظیفه حفاظت از آثار را دارد، اما در قبال این اتفاقات نمی‌توان کاری انجام داد، فایل اصلی یک اثر در اختیار مان نیست و تنها خود تیم تولید هستند که این فایل را دارند و نمی‌شود برای همه این دفاتر نگهدیان گذاشت.

جعفر انصاری فر، دبیر ستاد صیانت از آثار سازمان سینمایی هم گفته: با بررسی‌های مقدماتی صورت گرفته، مشخص شد که با توجه به رعایت دقیق مراقبت‌های حفاظتی، از جمله استفاده از دی‌کپی برای بازبینی فیلم‌ها، انتشار آثار خارج از سازمان‌های دولتی و احتمالا از دفاتر فیلم‌ها یا مراکز دولتی خارج صورت گرفته است. به همین دلیل مراتب برای بررسی فنی به قوه قضاییه و پلیس فتای فراجا برای شناسایی منشأ نشر فیلم، منعکس شد. سازمان سینمایی معتقد است با توجه به حاشیه‌های موجود درباره قاچاق فیلم‌ها، احتمال سازمان‌یافتگی انتشار غیر قانونی فیلم‌های مذکور وجود دارد. به گونه‌ای که نسخه‌های منتشر شده، دارای کیفیت اصلی و بدون تایتل و نشانه‌گذاری بازبینی هستند. شائبه‌هایی در مورد رعایت امانت‌داری و حفظ حقوق اثر توسط پخش کننده بین‌المللی فیلم‌ها نیز وجود دارد که امیدواریم در سیر تحقیقات فنی مراجع ذی‌صلاح، موضوع کاملاً مشخص شود.

اما صورت اصلی ماجرا چه می‌تواند باشد؟

اگر بخواهیم کمی منصفانه به این قضایا نگاه کنیم به این نکته می‌رسیم که سینما صنعت گرانی است و سرمایه‌های بالایی برای ساخته شدن فیلم‌ها خرج می‌شود در نتیجه بعید به نظر می‌رسد بخش خصوصی و مشخصاً صاحبان آثار حاضر به نابودی سرمایه خود باشند. همچنین به اکران و نمایش فیلم‌ها چه در سینماها و چه برای محافل خصوصی نگاه می‌اندازیم به این می‌رسیم که برای نمایش در سازمان سینمایی یا اساسا در سینماها باید نسخه دی‌سی‌پی فیلم‌ها با کد خاص همراه باشد. یعنی در غیر این صورت فیلم اصلا امکان نمایش پیدانمی‌کند. اگر هم نسخه‌ای از فیلم به صورت خاص در اختیار نهاد یا ارگانی قرار بگیرد حتما باید با درج عنوان «بازبینی» همراه باشد. همان طوری که وزیر ارشاد در صحبت‌های خود هم اشاره کرد: فیلم تفریق الان و قبل از نمایش در اختیار مان نیست، بلکه در اختیار خود تهیه‌کننده است؛ یعنی اصلا در اختیار سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیست که منتشرش کنیم، وی تأکید کرد من هم بعضی وقت‌ها که می‌خواهم در سازمان سینمایی فیلمی را هماهنگ کنم و ببینم، باید اول با تهیه‌کننده هماهنگ شود تا برای یک ساعت خاص، کنی را بدهند که بتوانیم آن دو، سه ساعت فیلم را تماشا کنیم. اما پرسش مهمی که در آخر مطرح است اینکه آیا قاچاق فیلم‌ها ادامه دارد؟



در بخش عمده آن، به فرصت و نوشتار دیگری نیاز دارد و در این بخش هم تا وقتی علل اصلی پیدایش پدیده کارگردان-تهیه‌کننده رفع نشود، جلویگری از تهیه‌کنندگی کارگردان نه تنها مانع فساد نیست که دامن زدن به فساد است.

به اشاره باید گفت «ام الفساد» این وضع، نظام کنونی سینمایی ایران است که در جهت حقوق و منافع ملی نیست و می‌تواند پیامدهای غیر ملی و حتی ضدملی به بار آورد که رانت‌سازی یکی از پیامدهای آن است.

بی‌اعتنایی تشکل‌های سینمایی، مدیران دولت و کمسیون فرهنگی مجلس به نداشتن نظام سینمایی با ویژگی‌های یادشده، از علل اصلی تداوم و نهادینه شدن این وضع است. ۵- تشکل‌های حقوقی حرفه‌های تالیفی و تولیدی دیگر هم – صرف‌نظر از اینکه اعضای‌شان بخواهند تهیه‌کننده فیلم خود باشند یا نباشند- برای رفع مشکل «برآورد بسته» باید اقدام می‌کردند.

۶- حتی کارگردان تهیه‌کنندگان هم – که آسیب‌دیدگان برآورد بسته هستند- در تهیه فیلم خود از «برآورد باز» استفاده نمی‌کنند. پدیدهای که اعتراض به فساد به وجود آمده خود به امکان فساد تازهای بدل می‌شود. این ثبات می‌کند در نظام فاسد، هیچ نقشی از فسادپذیری در امکان نیست.

پرسش بی پاسخ چهل ساله سینمای ایران

و حتی اطلاع از بخش‌های مربوط به خود را ندارند. بسته بودن برآورد از دید نیروهای تالیف و تولید، به تهیه‌کننده امکان می‌دهد بوجه‌های پیش‌بینی شده برای ایفای نقش و حتی دستمزد نیروها را کاهش دهد و بتواند بخشی از بودجه را از بستر تهیه فیلم بیرون برد. به بیانی «برآورد بسته»، امکان «خلاص شروع» بودجه دولتی را برای تهیه‌کننده فراهم می‌کند. گرچه تهیه‌کننده، گردآورنده نیروهای مولف و مولد و فراهم آورنده بودجه و مسوول نهایی اثر است، اما کارگردان هم، شکل دهنده نهایی فیلم به کمک همان نیروهای مولد و مولف است. این دو با مشارکت هم اثر سینمایی را به وجود می‌آورند و نقش‌شان مکمل یکدیگر است.

وقتی تهیه‌کننده بخشی از بودجه فیلم را از بستر تهیه بیرون می‌برد، بودجه تهیه فیلم کاهش می‌یابد و بیش از هر نیروی دیگری به اجرای نقش کارگردان در ساخت فیلم می‌زند.^۱

۱- در این نوشته «دولت» اعم است از نهادهای دولتی، مانند وزارت ارشاد، بنیاد سینمایی فارابی و همچنین نهادهای حکومتی اعم از تلویزیون و حوزه هنری و هر نهادی که از بودجه حکومتی در سینما سرمایه‌گذاری می‌کند و همچنین بخش عمومی. ۲- پدیده تهیه‌کننده کارگردان، نخستین بار – و بسیار پیش از انقلاب – توسط مستندسازان در تلویزیون شکل گرفت و به صورت یک جریان در آمد. مدیریت تلویزیون با پذیرش تهیه‌کنندگی کارگردانان در فیلم خود، تلویزیون را از بن‌بست ساختار تولیدی‌اش درآورد و خود را از داشتن فیلم‌های مستند این گروه محروم نکرد و هم باعث شد «برآورد باز» میان برخی تهیه‌کننده‌ها و کارگردان‌ها شکل بگیرد. همین هوشیاری برای این مشکل باعث شد گروهی از کارگردانان، تهیه‌کنندگی فیلم خود را، خود به عهده بگیرند و با همه سختی‌ها تهیه فیلم‌های‌شان را خود مدیریت کنند و قید همکاری با تهیه‌کننده را بزنند.

به واکنش به این جریان، گروهی از تهیه‌کنندگان فیلم مخالفت بر خاستند و به جای آنکه مساله را با

تشکل‌های ذی‌نفع همکاران‌شان حل کنند به مدیران دولتی سینما (وزارت ارشاد) شکایت بردند و خواستار ممنوعیت تهیه‌کنندگی کارگردانان در فیلم‌های‌شان شدند. مدیر دولتی (ارشاد) هم به جای آنکه موضوع را به تشکل‌های ذی‌نفع احاله دهد، قریب این دعوت را خورد و دستور ممنوعیت تهیه‌کنندگی کارگردانان را در فیلم خودشان صادر کرد.

این سیاست کارگردانان را مجبور کرد برای تولید فیلم خود از تهیه‌کننده استفاده کنند، اجباری که موجب پیدایش «تهیه‌کننده‌صوری» در سینمای دولتی شد. تهیه‌کننده‌صوری، کارت (حق) تهیه‌کنندگی خود را در اختیار کارگردان می‌گذازد و در عوض مبلغی از بودجه را می‌خواهد. مشکل در اینجا به نه نمی‌رسد، چون تهیه‌کننده‌صوری دارای همان حقوق گسترده تهیه‌کننده واقعی می‌شود و نسبت به فیلم، همان حقوق تهیه‌کننده رسمی را پیدا می‌کند.

گرچه شماری از تهیه‌کنندگان به این نوع بهره‌برداری از حرفه خود تن ندادند یا تهیه‌کنندگانی برای حل مشکل کارگردانان به رقم مناسب راضی می‌شدند، حتی، تهیه‌کنندگانی هم بودند – و هستند – که بی چشمداشت مالی به کارگردان‌هایی در تهیه فیلم‌شان کمک کردند، اما تهیه‌کنندگانی هم بودند – و هستند – که از این رانت تهیه‌کنندگی سوءاستفاده می‌کنند.

امکان سوءاستفاده مالیی گسترده در شغل تهیه‌کنندگی، باعث افزایش در خواست تهیه‌کنندگی شد طوری که حتی برخی مدیران سینمایی هم ترک مدیریت کرده و به تهیه‌کنندگی روی آوردند. چیزی نگذشت فساد و فضاحت این سیاست به حدی بالا گرفت که مدیریت سینمایی ارشاد ناچار شد ممنوعیت کارگردانان را در تهیه‌کنندگی فیلم خود لغو کند. اما از لنو ممنوعیت زمان زیادی نگذشته، اکنون مدیریت سینمایی ارشاد/ فارابی بار دیگر (از سال ۱۴۰۲) تهیه‌کنندگی کارگردانان در فیلم خود را ممنوع کرده و فساد انحصار تهیه‌کنندگی را فربه‌تر کرده‌است. به این دلائیل پدیده «کارگردان تهیه‌کننده» با همه



ابراهیم مختاری

اهمیت تعیین کننده پیدامی‌کند. این پرسش از وقتی مدیریت دولتی، سینما پاسخگویی آن را به عهده گرفت، چون نتوانسته – یا نتوانسته – موضوع را تحلیل کند، گاه به آن پاسخ مثبت و گاه منفی داده و محل تولید بخشی از نیروی سینمایی کشور در طول سال‌های گذشته و اکنون شده‌است. در این نوشته می‌کوشم به جنبه‌های مختلف این موضوع بپردازم.

وقتی انقلاب پیروز شد، سرمایه‌گذاری در سینما خطر آفرین شد و بخش خصوصی سرمایه خود را از سینما پس کشید و دولت «سرمایه‌گذار» در تولید فیلم راه دست گرفت.^۱

یکی، دو دهه طول کشید تا بخش خصوصی راه خود را برای سرمایه‌گذاری در سینما پیدا کرد و اکنون مدت‌هاست که پیش می‌رود. اما سرمایه دولتی به دلایل مختلف هنوز در سینما اریز می‌شود و این نوشته به بخش کوچکی از این سرمایه‌گذاری می‌پردازد. سرمایه‌گذاری دولت، برای تهیه فیلم، توسط مدیر دولتی (با کمک یا بی کمک شوراهای منتخب خودش) صورت می‌گیرد. مدیر دولتی هنرینه‌های تهیه فیلم را طبق «برآورد»ی که با تهیه‌کننده به توافق می‌رسد، به تهیه‌کننده می‌پردازد.

در «برآورد»، میزان دستمزد همه نیروهای «مولف» و «مولد» – بودجه ایفای نقش همه آنان، (مانند

هنرینه‌های صحنه، دکور، موسیقی، فیلمنامه‌نویسی و…) تعیین می‌شود.

هر فین توافقی این برآورد، مدیر دولتی و تهیه‌کننده هستند، چون حقوق حرفه‌ای نیروهای مولف و مولد رسمیت نیافته، آنان اجازه حضور در تنظیم «برآورد»

نگاه



محمدحسن خدایی

ایبسن روایتگر انسان بحران زده بورژوازی قرن نوزدهم اروپاست، حتی فرودستان و کارگران، به میانیچی نسبتی که با شیوه تولید بورژوایی برقرار می کنند در آثار ایبسن، امکان رویت پذیر شدن می یابند. این مساله در نمایشنامه «روسمر سُهلم» هم به نوعی مشاهده می شود. کشیشی میانسال که بعد از خودکشی همسرش، در عمارت اشرافی خویش با زنی روشن فکر از طبقات پایین زندگی می کند و به تدریج با فاصله گرفتن از مسیحیت، تلاش دارد اخلاقیات سکولار بیستی جهان مدرن را تبلیغ کند. این گسست معرفت شناختی که مبتنی است بر عقل خودبنیاد مدرنیته، واکنش عده ای از متنفذین شهر را برمی انگیزد. چرا که ایمان به مسیحیت، همچنان یکی از ستون های انسجام جامعه و هویت یابی توده مردم است. ایبسن به درخشانی نشان می دهد که چگونه یک جامعه محافظه کار، در مقابل نوگرایی عصر مدرن مقاومت می کند و با تمام توان، هر نوع گفتار تحول خواهانه را از طریق تطمیع و سرکوب به حاشیه می برد. حتی حضور زنی چون ریکاوست که خارج از مناسبات زناشویی باجان روسمر زندگی می کند و در پی ساختن جهانی جدید است در نهایت به نیستی و نابودی منتهی شده و نظم قدیم از نو باز تولید می شود. به قول فرانکو مورتی در کتاب «پورژوا در میانه تاریخ و ادبیات» نمایشنامه های ایبسن تسویه حساب های بزرگ با قرن نوزدهم، قرن بورژوایی است. جایی که در چهره بورژواخیزه شده و می پرسد که «آخر شماها به این جهان چه داده اید؟» پاسخ این پرسش را می توان در آثار خجوف یافت: بورژوازی ادعای می کند که اشرافیت در حال زوال را برانداخته تا جهان یکسره تازه برآید. جهانی که بر شیوه تولید سرمایه داری استوار است.

داوود زارع در مقام نویسنده و کارگردان، در نمایشی که «سندروم روسمر» نام گرفته، تلاش دارد روایتی امروزی از جهان ایبسن بر صحنه اجرا کند. رویکرد پست دراماتیک کارگردان، این امکان را فراهم می کند تا روابط شخصیت ها، بیش از آنکه با زُست های قرن نوزدهمی مردمان اروپا بر ساخته شود، حال و هوایی امروزی داشته باشند. به دیگر سخن، اجرا بیش از زمانه ایبسنی با اینچا و اکنون معااصر است. بنابراین بازیگرانی چون علی باقری، سعید چنگیزیان، اصغر پیران، ایمان صیاد برهانی و امین اسفندیار، تلاش می کنند از منطق باز نمایانه شخصیت های روسمر سُهلمی فاصله گرفته و تمنای ساختن یک فضای مشترک را به یکا مر تمام عیار بدل در سالن بلبکاسک «پردیس تئاتر و موسیقی باغ کتاب تهران» را داشته باشند. این شیوه اجرایی صد البته به تمامی رخ نمی دهد و بازیگران گاهی به باز نمایی نقش ها نزدیک می شوند اما تر جیح گروه اجرایی در فاصله گرفتن از منطق باز نمایانه است؛ و فراتر رفتن از روابط علی و دراماتیک نمایشنامه روسمر سُهلم و کوشش برای ساختن یک فضای مشترک مابین اجراگران و تماشاگران.

البته با تماشای اجرای توان این نکته را ذکر کرد که به هر حال، اجرا توان آن را ندارد که به تمامی از امر دراماتیک بگسلد و فضای ایبسنی را ساخت شکنی کند. اما هر چه هست اجرا بر این فاصله مندی و وفاداری، می ایستد و بر محدودیت های خویش واقف است. شکل حضور بازیگران در طول اجرا با آن جابه جایی های مداوم میان تماشاگران، صمیمانه و کمابیش بی تکلف است. اجراگران بنابر ضرورت، گاهی از تماشاگران درخواست می کنند محل نشستن خود را ترک کرده و جای دیگری بنشینند یا حتی نوشته ای را قرائت کرده و تبدیل به یکی از اجراگران شوند. نمایش «سندروم روسمر» از این باب تلاشی است قابل توجه در تعامل با تماشاگرانی که به قول رانسیر، رهایی نیافته اند و میل آن دارند بر جایگاهش محل نشستن خود را ترک کرده و سوزهای سترون، مشغول تماشا باشند. البته رویکرد سپارشی اجرای اجرا در ایجاد وقفه و بیانیه خوانی در باب مسائلی چون زیباشناسی، امر باز نموده، نسبت تماشاگر با صحنه، عوتی است به حضور تماشاگران از برای رهایی یافتگی. از یاد نبریم که «حضور مفهوم مهمی در تئاتر پست دراماتیک است. بنابراین اجرا سعی دارد این «حضور» را شدت بخشیده و قسمتی از آیین بر ساختن



رضا جاویدی

نگاهی به نمایش «سندروم روسمر» به کارگردانی داوود زارع

بحران در اخلاقیات بورژوایی ساکنان عمارت روسمر

این نمایش رویکردی پُست دراماتیک دارد و می خواهد روایتی امروزی از جهان «ایبسن» اجرا کند

اجرا کند. آیا در این زمینه موفق عمل می کند؟ پاسخ تا حدودی مثبت است اما به نظر می آید این شیوه اجرایی نتوانسته حضور تماشاگران را به یکا مر تمام عیار بدل کند.

دراماتورژی داوود زارع در رابطه با نمایشنامه ایبسن، از منظر سیاست، پرداختن به دمو کراسی و انتخابات است. مجادلاتی که مابین «جان روسمر» و بازاری علی باقری و «آقای کرول» با باری سعید چنگیزیان جریان می یابد، از دشواری در فهم دمو کراسی و سیاست خبر می دهد. اما «سندروم روسمر» نه در این مباحث بی پایان سیاسی مابین شخصیت ها، که از فضا در شیوه تعامل با تماشاگران است که دمو کراتیک عمل می کند و سیاسی می شود. فی الواقع در این اجرا رابطه اجراگر با تماشاگر، مبتنی است بر صمیمیت، نزدیکی و دسترس پذیری. در طول اجرا تماشاگر می تواند انتظار این مساله را داشته باشد که یکی از اجراگران، کنارش بنشیند و پا او گفت و گو کند. با آنکه ایده «برابری» مابین اجراگران و تماشاگران آن چنان که باید محقق نمی شود اما حس ای از برابری منتقل می شود. از دل این مساله است که کلیشه ها تا حدودی کنار گذاشته می شود تا در یک فرآیند جمعی و مشارکت جو، تمنای بر ساختن یک اجتماع مشترک پدیدار شود. این یعنی دمو کراتیک شدن حضور تماشاگر در صحنه. امر پنهانی وجود ندارد و همه چیز در لحظه و در مقابل تماشاگران به وقوع می پیوندد.

به لحاظ سیاست جنسیتی، با غیاب بدن زنانه وروبر هسیتیم. نقش «ریکا وست» را ایمان صیاد برهانی بازی می کند. این تمهید حذف بازیگر زن و حضور یک بازیگر مرد در نقشی زنانه، در نمایش «این جاپنچرهای باز مانده است» به شکل خلاقانه ای تجربه شد. در آن اجرا سوزی چنگیزیان نقش زنی به نام «هنگامه» و بازاری می کرد و بدون آنکه به خصلت ها و زُست های زنانه نزدیک شود،

تلاش می کرد جایگاه زنلگی را بر صحنه رویت پذیر کند. «هنگامه» از طریق بدن سعید چنگیزیان، کمابیش مردانه بر صحنه احضار می شد. این غیاب بدن زنانه و حضور به میانجی یک بدن مردانه، واجد دلالت های سیاسی بود. اما در نمایش «سندروم روسمر»، ایمان صیاد برهانی، زنلگی «ریکا وست» را با مهارت بالایی، زنانه باز نمایی می کند و حضور کاملاً زنانه ای دارد. از این لحاظ می توان «سندروم روسمر» را نسبت به نمایش «این جاپنچرهای باز مانده است» محافظه کارانه دانست

رویکرد پست دراماتیک اجرا در استفاده از ویدئوهای محدودی توانسته به لحاظ بصری، جذابیت تولید کند اما در اغلب این ویدئوها، نمایی بسته از صورت اجراگران مشاهده می شود. اجرا هر زمان که از خودش فراتر رفته و به بیرون از جاع داده، موفق تر عمل می کند. فی المثل تصویر اسب سفیدی را که ایبسن در نمایشنامه روسمر سُهلم به آن اشاره می کند به یاد آوریم که در صحنه هایی این اجرا به نمایش درمی آید و تخیل مخاطبان را گسترش می دهد. صیاد برهانی از صحنه خارج شده و با شععی در دست، سبایه ای محو از حضور یک زن را به نمایش می گذارد این فراتر رفتن از اجرا معنایی تازه می یابد.

پایان نمایش چنان به جهان ایبسن وفادار نیست، امر ترازیک کنار گذاشته می شود تا سلفی گرفتن علی باقری با تماشاگران به اولویت اجرا بدل شود. در همان زمانی که سعید چنگیزیان بر روی یکی از صندلی ها نشسته و آهنگی را با یک سساری بادی می نواز د، و اصغر پیران در همراهی باوبه زبان انگلیسی شعری می خواند. خبری از ریکا و روسمر عاشق بر فراز پل مشاهده نمی شود. هر چه هست بازتابی است از میل مردمان طبقه متوسط شهری در باز نمایی خویش به میانجی گوشه ای های هوشمند در کنار. علی باقری این یک پایان نه چندان ترازیک اما در واقع، هشدار دهنده است. جهان بورژوایی که روزگاری ایبسن آن را همچون منطقه ای خاکستری روایت می کرد که مرزهای اخلاقی اش کمابیش وضوح خود را از دست داده است، حال در جهان سرمایه داری نتولیرال و تقوق فضای مجازی، غرق در انبوه تصاویر باز نموده، توهمی از وضوح کاذب می یابد و هر نفر فرصت می یابد برای چند ثانیه در استوری های اینستاگرامی، کنار علی باقری دراز کشیده، سلفی بگیرد و خود را در معرض تماشای دیگران قرار دهد. در یک سندروم همگانی.

شخصیت ها اجرای نمایش را متوقف کرده و از تماشاگران رایگری می کند که آیا مایل هستند این گفت و گوی هم زمان و تا حدودی گیج کننده را با دیگران تو تماشا قابل اعتبار باشد.

استفاده از تصاویر ویدئویی در سندروم روسمر، پر رنگ است. اجراگران در مقابل دوربین های مدار بسته ویدئویی قرار گرفته و هنگام گفت و گو کردن با یکدیگر، تصویرشان بر دیوار های سالن نقش می بندد. گویی در مقابل دوربین های تلویزیونی مشغول اعتراف هستند و تمرکز تماشاگران را میان حضور واقعی خویش و باز نمایی قابل اعتبار باشد.

صحنه با ماسک و صحبت کردن چشم در چشم با تماشاگران را افزود. هر چند که این اجرای ضعیف را می توان به دلیل نداشتن یک مشاور یا استاد راهنمایی در بازی رساندن به این گروه جوان و مستعد توجیه کرد. گروهی خردمند که اندیشه و دغدغه به صحنه بردن چنین داستانی را دارد، اگر از راهنمایی های فردی خبره و کار کشته بهره می گرفت، می توانست اجرایی در خور را به روی صحنه ببرد. برای این منظور کافی بود که از حرکات اضافی کاسته شود، تمرین بیشتری روی حس و بیان بازیگران صورت بگیرد و عناصر درونی متن، تصویری تر، معما گونه تر و در عین حال خلاقانه تر باشد. در واقع اگر این گروه جوان می توانست صحنه را به خوبی برساند و قابلیت های اجرایی ایده ای استعاری با لایه های



رضا جاویدی

نگاهی به نمایش «سندروم روسمر» به کارگردانی داوود زارع

بحران در اخلاقیات بورژوایی ساکنان عمارت روسمر

این نمایش رویکردی پُست دراماتیک دارد و می خواهد روایتی امروزی از جهان «ایبسن» اجرا کند

رویکرد پست دراماتیک اجرا در استفاده از ویدئوها تا حدودی توانسته به لحاظ بصری، جذابیت تولید کند اما در اغلب این ویدئوها، نمایی بسته از صورت اجراگران مشاهده می شود. اجرا هر زمان که از خودش فراتر رفته و به بیرون از خودش از جاع داده، موفق تر عمل می کند. فی المثل تصویر اسب سفیدی را که ایبسن در نمایشنامه روسمر سُهلم به آن اشاره می کند به یاد آوریم که در صحنه هایی این اجرا به نمایش درمی آید و تخیل مخاطبان را گسترش می دهد. با صحنه خارج شده و با شععی در دست، سبایه ای محو از حضور یک زن را به نمایش می گذارد این فراتر رفتن از اجرا معنایی تازه می یابد.

پایان نمایش چنان به جهان ایبسن وفادار نیست، امر ترازیک کنار گذاشته می شود تا سلفی گرفتن علی باقری با تماشاگران به اولویت اجرا بدل شود. در همان زمانی که سعید چنگیزیان بر روی یکی از صندلی ها نشسته و آهنگی را با یک سساری بادی می نواز د، و اصغر پیران در همراهی باوبه زبان انگلیسی شعری می خواند. خبری از ریکا و روسمر عاشق بر فراز پل مشاهده نمی شود. هر چه هست بازتابی است از میل مردمان طبقه متوسط شهری در باز نمایی خویش به میانجی گوشه ای های هوشمند در کنار. علی باقری این یک پایان نه چندان ترازیک اما در واقع، هشدار دهنده است. جهان بورژوایی که روزگاری ایبسن آن را همچون منطقه ای خاکستری روایت می کرد که مرزهای اخلاقی اش کمابیش وضوح خود را از دست داده است، حال در جهان سرمایه داری نتولیرال و تقوق فضای مجازی، غرق در انبوه تصاویر باز نموده، توهمی از وضوح کاذب می یابد و هر نفر فرصت می یابد برای چند ثانیه در استوری های اینستاگرامی، کنار علی باقری دراز کشیده، سلفی بگیرد و خود را در معرض تماشای دیگران قرار دهد. در یک سندروم همگانی.

شخصیت ها اجرای نمایش را متوقف کرده و از تماشاگران رایگیری می کند که آیا مایل هستند این گفت و گوی هم زمان و تا حدودی گیج کننده را با دیگران تو تماشا قابل اعتبار باشد.

استفاده از تصاویر ویدئویی در سندروم روسمر، پر رنگ است. اجراگران در مقابل دوربین های مدار بسته ویدئویی قرار گرفته و هنگام گفت و گو کردن با یکدیگر، تصویرشان بر دیوار های سالن نقش می بندد. گویی در مقابل دوربین های تلویزیونی مشغول اعتراف هستند و تمرکز تماشاگران را میان حضور واقعی خویش و باز نمایی قابل اعتبار باشد.

صحنه با ماسک و صحبت کردن چشم در چشم با تماشاگران را افزود. هر چند که این اجرای ضعیف را می توان به دلیل نداشتن یک مشاور یا استاد راهنمایی در بازی رساندن به این گروه جوان و مستعد توجیه کرد. گروهی خردمند که اندیشه و دغدغه به صحنه بردن چنین داستانی را دارد، اگر از راهنمایی های فردی خبره و کار کشته بهره می گرفت، می توانست اجرایی در خور را به روی صحنه ببرد. برای این منظور کافی بود که از حرکات اضافی کاسته شود، تمرین بیشتری روی حس و بیان بازیگران صورت بگیرد و عناصر درونی متن، تصویری تر، معما گونه تر و در عین حال خلاقانه تر باشد. در واقع اگر این گروه جوان می توانست صحنه را به خوبی برساند و قابلیت های اجرایی ایده ای استعاری با لایه های



پنهان را کشف کند و در عین حال تمپو و ریتم نمایش را درست به تصویر بکشد، از سکوت کردن نرسد و گمان نکند که حرکات فراوان و تکراری بلند شدن ها و نشستن ها، درگیری های بی دلیل بازیگران و... موجب دنبال کردن صورت بروز خطر یا فشار علیه سرمایه او از طرف افراد حقیق و حقوقی متنقد، تا چه اندازه برای احقاق حق خود می تواند به استقلال نمایشی و نهادهو کالتیک کشور تکیه کند. چه سا استقلال نظام قضایی هادر حوزه قضات یا خدات ضابطان در صورت فراهم بودن بسیاری از زمینه های سرمایه گذاری، همین بحث نبود تصمیم برای دادرسی عادلانه سرمایه گذار خارجی را از یک سرمایه گذاری منصرف یا سرمایه گذار داخلی را تشویق به خروج سرمایه خود کند. هم اکنون لازم است هتندل داده شود که تصمیم اخیر مجلس کد ره یاهو ی لایحه حجاب کمتر به چشم آمد، می تولد نظام قضایی کشور نظری می رسد حضور راهنما و مشاور برای چنین اجراهایی و گروه های پر انرژی ولی کم تجربه ضروری است.

یادداشت

نگاهی به نمایش سایه روشن

سفر از سایه به روشنایی

نمایش سایه روشن به نویسندگی و کارگردانی سعیده آجرندیان در تالار سایه مجموعه تئاتر شهر روی صحنه رفت. این نمایش که با نام «آسمان پا به ماه» در چهل و یکمین جشنواره تئاتر فجر نیز حضور داشت، دارای چهار

پژمان دادخواه

شخصیت است که بیشترین تمرکز بر زندگی سایه و علی است. در طول نمایش متوجه می شویم علی که فیلمساز معروفی است، یکی از آثارش سرقت ادبی بوده است. بنابراین در این نمایش مساله سرقت ادبی موضوع و بهانه ای شده تا به مرور و جوه مختلف رابطه این زن و مرد مورد واکاوی قرار گیرد. با ادعای حامد شاگردعلی مبنی بر اینکه اثرش توسط علی سرقت شده، اولین چالش ذهنی و فکری در سایه شکل می گیرد و درگیر کشمکش شده و تحولی در او رخ می دهد و با سوالات زیادی مواجه می شود. به همین دلیل جهت نیل به حقیقت جست و جوی آغاز می کند و حتی یادوستش گیتی هم صحبت می کند و مشورت می گیرد. با علی همه صحبت می کند و علی به جای پذیرش موضوع، طفره می رود و قدرت، شأن و جایگاه هنری اش را مالک ار زبانی قرار می دهد. در نمایش سایه روشن، سایه به عنوان شخصیت محوری نمایش مورد توجه قرار گرفته و با ورود به حوزه اخلاقیات، درگیر چالش های عمیقی می شود. سایه که پیش تر شعری گفته و فعال تر بوده، انکار در این سال ها از آن فضا و عبارت از آن خویشتن خویش دور شده و درگیر روزمرگی های تکراری و ظواهر شده و با تلنگر حامد دوباره به جست و جوی برمی خیزد و به خود ندیکتر می شود. همین پرسش ها و درگیری های ذهنی و جست و جوی رای مشخص شدن حقیقت، نمایش را به یک اثر اخلاقی محور تبدیل می کند. ارتباط اخلاق و هنر از جمله مسائلی است که همیشه مورد توجه بوده و از نظر آثار متفکران از گذشته تا دوران معاصر در این زمینه نشانگر اهمیت این میحت است. آنچنان که بسیاری از اخلاقیات و ارزش ها از طریق هنر و ادبیات بیان شده و انتقال یافته اند. بنابراین می توان گفت بیان یک امر اخلاقی در اثر هنری و ادبی و طبیعتاً تأثیر آن بر مخاطب امری خطیری جدی است. به گونه ای که یکی از کارگردهای که می توان برای هنر متصور شد، کنکاش و تامل در زمینه مسائل اخلاقی و ترسیم صفات و خصایصی است که سبب آموزش فرهنگی شده و منجر به غنای تعهد اخلاقی جامعه می شود. توجه به اصول اخلاقی موجب اعتدال در اعمال و رفتار افراد شده و در تمامی شئون فردی و اجتماعی به انسان کمک می کند. نقش هنر در زمینه کارگردهای تربیتی و اخلاقی بسیار حایز اهمیت و انکار نشدنی است و یک اثر هنری با نمایش اصول اخلاقی، در ارتقای فرهنگ جامعه و مکارم اخلاقی نقش بی بدیلی داشته و در نتیجه به کنش فردی و اجتماعی منجر می شود. در این نمایش هم امر اخلاقی موجب درگیری فکری سایه شده و او را از موضع انفعالی خارج کرده و به کنش سوق می دهد و سایه رهسپار مسیری شده که منجر به شناختی دوبار از خود و بسیاری از مسائل دیگری می شود. نمایش سایه روشن را باید تصویری از سایه و درگیر شدن وی با مسائل انسانی و اخلاقی، اهمیت و جایگاه اخلاقیات را در زندگی متذکر می شود؛ اصولی که شاید به واسطه روزمرگی و عدم پابندی و تعهد به آنها دچار فروشی شده اند.

ادامه از صفحه اول

تصمیم خطرناک مجلس

چیزی که با هیچ منطق و عقل سلیمی سازگار نیست. مانند آنکه به اعتبار اینکه پزشکان از حرفه خود کسب درآمد می کنند، تصدی گری امور حرفه ای آنها مانند ازبلی فنی این صنف به وزارت اقتصاد و گنار شود. استقلال نهاد و کالت به عنوان یک اصل اساسی و بنیادین در ارکان سازه «دادرسی عادلانه» محسوب می شود و از بین بردن آن استقلال عملاً باشتنقق کامل اصول دادرسی عادلانه خواهد بود. نتایج این تصمیم غلط و سراسر منجر مجلس حداقلی ايجاد سه آسیب سریع و فوری است که هر سه برای آرامش و امنیت اتی کشور خطراتک هستند. اول از هر چیز حقوق شهروندی ملت فارسی این تصمیم خواهد بود. شرایط جدید باعث خواهد شد تا افرادی که بدون سوءنیت و جرم سابقه از قبل امکان تسلط قضایی بر روند دادرسی پرونده های قضایی شهروندان به عنوان وکیل را پیدا کنند. خآل آنکه نهاد و کالت مستقل و حرفه ای خلل بسیارزیرگی در مسیر احقاق حقوق قانونی و قضایی مردم ایجاد کرده و همین نیز بر دامنه فرسایش بیشتر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در کشور خواهد افزود.ان هم در شرایطی که اکنون نیز وضعیت بسیار نامطلوب و شکننده ای از این حیث داریم. نتیجه دوم این تصمیم آن است که نهاد دادگستری عملاً به عرصه ناخوت و تا کار چاق کن ها و کالای فاسد و پاندهای زدن و بنیشتی تبدیل می شود. نمونه بسیار محدود این مورد را در بحث وکلای تبصره ماده ۴۹۰ آیین دادرسی کیفری تجربه کرد. دایم که در عدم استقلال برخی از وکلا چگونه عرصه دفاع از شهروندان متهم را تبدیل به بازار سبایه کلسی به بهانه و کالت کرد. بار هادر این مورد هشدار داده شده که دشمن به استقلال نهاد و کالت، سلامت کل دستگاه قضایی را نیز قربانی خود خواهد کرد. همین امروز به گواه اظهارات خود مقامات قضایی، این دستگاه نیازمند بررسی سالم سازی هادر حوزه قضات یا خدات ضابطان در پرونده هاست. تغییر شرایط حرفه و کالت – آن طور که در مصوبه اخیر مجلس آمده - وضعیت سلامت دستگاه قضایی را بسیار نگران کننده و خطر آفرین خواهد کرد که این دشمنزین عامل دیگری برای فرسایش سرمایه اجتماعی کشور است. اما نکته سوم خطرات اقتصادی این تصمیم است. خصوصاً برای سرمایه گذاران خا جی یکی از اولین شاخصه های مورد مطالعه برای ورود با عادم ورود به یک کشور، بررسی نظام قضایی و نهاد و کالت آن کشور است. چرا که سرمایه گذار مایل است بباند در صورت بروز خطر یا فشار علیه سرمایه او از طرف افراد حقیق و حقوقی متنقد، تا چه اندازه برای احقاق حق خود می تواند به استقلال نمایشی و نهادهو کالتیک کشور تکیه کند. چه سا استقلال نظام قضایی و نهادهو کالتیک کشور تکیه کند. چه سا استقلال نظام قضایی هادر حوزه قضات یا خدات ضابطان در صورت فراهم بودن بسیاری از زمینه های سرمایه گذاری، همین بحث نبود تصمیم برای دادرسی عادلانه سرمایه گذار خارجی را از یک سرمایه گذاری منصرف یا سرمایه گذار داخلی را تشویق به خروج سرمایه خود کند. هم اکنون لازم است هتندل داده شود که تصمیم اخیر مجلس کد ره یاهو ی لایحه حجاب کمتر به چشم آمد، می تولد نظام قضایی کشور نظری می رسد حضور راهنما و مشاور برای چنین اجراهایی و گروه های پر انرژی ولی کم تجربه ضروری است.

ندا جعفری

بورس مردامه را فرمز پوش به پایان برد و روز گذشته هم شاخص کل بورس با سقوط بیش از ۱۸ هزار واحدی همراه شد و به محدوده ۱ میلیون ۹۳۸ هزار واحد سقوط کرد. ارزش معاملات خرد رقم ۳۰۴۷۳ میلیارد تومان را به ثبت رساند که نسبت به میانگین هفتگی، ۵ درصد و نسبت به میانگین ماهانه ۲۴ درصد کاهش داشت. روز گذشته نیز روند خروج نقدینگی حقیقی برای سیزدهمین روز متوالی رقم ۷۴۲ میلیارد تومان را به ثبت رساند در یک هفته گذشته شدت خروج نسبت به میانگین ماهانه افزوده شده و برآیند معاملات در بازار سهام، خروج نقدینگی حقیقی (فروش حقیقی به حقوقی) به ارزش ۲۰۱۲۰ میلیارد تومان رسیده است. در این روز ارزش صف‌های خرید ۸۱ میلیارد تومان شد که کاهش ۱۰ میلیارد تومانی نسبت به میانگین هفتگی را نشان می‌دهد این در حالی است که ارزش صف‌های فروش با افزایش ۸۲ میلیارد تومانی نسبت به میانگین هفتگی، در محدوده ۵۹۷ میلیارد تومان قرار دارد.

اطمینان به خرید اوراق بیشتر از سهام است
حسن ایزدی، کارشناس بازار سرمایه در مورد ریزش‌های این روزهای بورس به «etemad» گفت: در حال حاضر تعدادی از مجامع برگزار شده و یک مقدار افت قیمت بابت تقسیم سود ایجاد شده است که کاملاً هم طبیعی است. مورد دیگر فروش اوراق خزانه است که ریسک کمتر و سود از پیش تعیین شده‌ای هم دارد و برخی از سرمایه‌گذاران به این سمت سوق پیدا کرده‌اند. ایزدی تصریح کرد: همواره اطمینان به که اوراق قرضه وجود داشته بیشتر از سهام بوده چرا که سهام با ریسک بیشتری همراه است. موضوع دیگر عدم اطمینان است که از آینده سرمایه‌گذاری‌ها در ایران وجود دارد به خصوص میزان سرمایه‌گذاری ایرانی‌ها در بخش مسکن در ترکیه که تا سال ۱۴۰۱ حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان بوده که این سرمایه‌گذاری تنها در این کشور نبوده و در کانادا و امارات و سایر کشورهای اروپایی هم صورت گرفته که باید آنها را هم در ریزش بورس در نظر گرفت.

سنتاق کردن بورس به دلار اشتباه است
این کارشناس بازار سرمایه خاطر نشان کرد: طبیعتاً حجم زیادی از سرمایه تنها برای خرید مسکن از سوی ایرانی‌ها در حال خارج شدن از کشور است و تمامی این مسائل باعث شده که بورس در سراسیمگی سقوط قرار گیرد. ایزدی ادامه داد: یکی از مشکلاتی که بورس ایران با آن همراه بوده و در سالیان اخیر هم شدت گرفته این بوده که زمانی که فروش پتروشیمی‌ها افزایش پیدا می‌کرد سرمایه‌مداران قیمت سهام را البته به صورت ریالی افزایش می‌دادند لذا زمانی که نرخ دلار ثابت می‌شود یا افت می‌کند بورس هم افت می‌کند و امروز اگر مجدداً نرخ دلار رشد کند، بورس هم رشد خواهد کرد البته این باور غلط است و سنتاق کردن بورس و دلار به یکدیگر اشتباه است و یک شیوه غلطی است که برخی در تحلیل‌های شان آن را اعلام می‌کنند اما واقعیت این است که نباید بازار سرمایه را به دلار و طلا مرتبط دانست زیرا در بلندمدت شرکت‌ها دچار مشکل

گزارش

مرکز پژوهش‌های مجلس: رانت قیر رایگان را متوقف کنید

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی ضمن اشاره به مشکلات تخصیص قیر رایگان به پروژه‌های عمرانی، پیشنهاد کرد تا منابع لازم برای این کار اختیار مورد نیاز را از محل منابع عمومی برای دستگاه‌های مجری در جداول قانون بودجه در نظر گرفته و طی سال به همان میزان برای تهیه قیر به دستگاه ذی‌ربط تخصیص دهد. به گفته این مرکز، مصوبه اختصاص قیر رایگان، علاوه بر ایجاد رانت و فساد، باعث زیان پالایشگاه‌ها نیز شده است. از سال ۱۳۹۳ تکلیف و اگذاری قیر رایگان به وزارت راه و شهرسازی و چند نهاد دیگر به قانون بودجه اضافه شد که بر اساس آن وزارت نفت مکلف شده است هر ساله مقدار معینی قیر را به صورت رایگان در اختیار پروژه‌های عمرانی کشور قرار دهد. این در حالی است که بیش از ۸۰ درصد عرضه قیر کشور در اختیار بخش خصوصی است. همچنین، ماده اولیه تولید قیر، موسوم به وکیوم باتوم را پالایشگاه‌ها تولید کرده و غیر از دو پالایشگاه دولتی امام خمینی (ره) (شازداک) و آبادان، مابقی از طریق بورس عرضه می‌شود. لذا تحویل قیر رایگان به دستگاه‌های دولتی و تسویه حساب با این شرکت‌های خصوصی و بخش عمومی با مشکلاتی همراه شده است.

روش‌های تخصیص قیر رایگان

اختصاص قیر رایگان توسط دولت به پروژه‌های عمرانی به دو صورت ریالی (اعتباری) و کالایی امکان پذیر است.

۱- در روش ریالی، دولت متناسب با پیش‌بینی از قیمت رایج قیر، اعتبار مورد نیاز را از محل منابع عمومی برای دستگاه‌های مجری در جداول قانون بودجه در نظر گرفته و طی سال به همان میزان برای تهیه قیر به دستگاه ذی‌ربط تخصیص می‌دهد. دستگاه ذی‌ربط نیز با توجه به ضوابط و سایر مقررات نسبت به تهیه قیر مورد نیاز با انعقاد قرارداد با پیمانکار اقدام می‌کند. ۲- اما در روش کالایی، حواله تحویل وکیوم باتوم (ماده اولیه قیر) رایگان از پالایشگاه‌ها به‌طور مستقیم در اختیار دستگاه اجرایی قرار گرفته و دستگاه ذی‌ربط با «مراجعه به پالایشگاه» یا «تسلیم حواله وکیوم باتوم

خواهند شد و افزود: در حال حاضر بهترین زمان برای شرکت‌هاست تا پیش‌بینی‌ها و فروش بهتری داشته باشند و تصمیمات بلندمدت‌تری بگیرند تا زمانی که نوسانات شدید دلار وجود دارد، اما متأسفانه با اشاره هنوز به این باور نرسیده و زمانی که دلار ثابت می‌شود از این فضا در تحلیل در ست بورس استفاده نمی‌شود.

رشد شاخص‌ها با افزایش تورم شدت می‌گیرد
آلبرت بغوزیان، اقتصاددان در مورد ریزش‌های اخیر بورس به «etemad» گفت: آنگونه که تجربه نشان داده بورس در مواقع مختلف تحت تأثیر اتفاقات سیاسی یا اقتصادی است، به عنوان نمونه در مواقع توری معمولاً بار شد شاخص‌های بورس مواجه هستیم و سودآوری شرکت‌ها هم بیشتر می‌شود و در مواقعی هم که نرخ ارز افزایشی می‌شود بورس هم با رشد سودآوری شرکت‌های صادرات محور با رشد همراه است. این کارشناس اقتصادی افزود: در مواقعی هم که تحریم‌ها شدت می‌گیرد شاهد واکنش منفی بورس هستیم که به نوعی این بازار هم با کورد مواجه می‌شود.

بورس باز یگر دارد؟

بغوزیان خاطر نشان کرد: دلار متغیری محسوب نمی‌شود که بتوان آن را برای نوسانات بورس مورد ارزیابی قرار داد همانند این روزها که نرخ دلار چندان تغییری نکرده است اما باز هم شاهد ریزش بورس هستیم بنابراین اینکه ثبت نرخ ارز باعث ریزش در

بورس هم شود اصلاً منطقی نیست و اگر اینگونه بود ثبت نرخ ارز در همین کنالال هم باید باعث رونق در بورس می‌شد چرا که آینده ارزی را شفاف‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر می‌کرد. این کارشناس اقتصادی با اشاره به ریزش‌های اخیر بورس خاطر نشان کرد: در شرایطی که عملاً انتظاری از این ریزش‌ها در بازار سرمایه وجود ندارد اما باز هم می‌بینیم شاخص‌های بورس افت می‌کنند که باید این موضوع را در اتفاقات هفته‌های گذشته و ماه‌های گذشته مورد ارزیابی قرار داد و اگر اتفاقی در این مدت نیفتاده باشد تنها یک گزینه باقی می‌ماند و آن اینکه بورس باز یگر دار. داین اقتصاددان تصریح کرد: باز یگرانی که در بورس هستند هر از چندگاهی نسبت به یک سهم اقداماتی می‌کنند که منجر به رشد یا افت آن می‌شوند یا اینکه سهمی را در ارزیابی می‌خرند و در گرانی آن را می‌فروشند.

نیازمند نظارت‌های بیشتر در فرآیند معاملات بورسی هستیم

بغوزیان در پاسخ به این پرسش که آیا فروش اوراق دولتی باعث این ریزش‌های اخیر در بازار سرمایه شده است، گفت: خیر، رقمی که برای فروش این اوراق وجود دارد در مقابل حجم سرمایه‌ای که در بورس موجود است عدد کوچکی است و افرادی هم که می‌خواهند این اوراق را خریداری کنند منابع خود را از بورس خارج کرده‌اند و این اوراق را هم خریده‌اند که البته بازدهی این اوراق هم عدد ثابت و مشخصی است. این کارشناس



واکاوی دلایل ریزش شاخص‌ها در بازار سرمایه رکود، عامل توقف شاخص‌ها؟

بورس هم شود اصلاً منطقی نیست و اگر اینگونه بود ثبت نرخ ارز در همین کنالال هم باید باعث رونق در بورس می‌شد چرا که آینده ارزی را شفاف‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر می‌کرد. این کارشناس اقتصادی با اشاره به ریزش‌های اخیر بورس خاطر نشان کرد: در شرایطی که عملاً انتظاری از این ریزش‌ها در بازار سرمایه وجود ندارد اما باز هم می‌بینیم شاخص‌های بورس افت می‌کنند که باید این موضوع را در اتفاقات هفته‌های گذشته و ماه‌های گذشته مورد ارزیابی قرار داد و اگر اتفاقی در این مدت نیفتاده باشد تنها یک گزینه باقی می‌ماند و آن اینکه بورس باز یگر دار. داین اقتصاددان تصریح کرد: باز یگرانی که در بورس هستند هر از چندگاهی نسبت به یک سهم اقداماتی می‌کنند که منجر به رشد یا افت آن می‌شوند یا اینکه سهمی را در ارزیابی می‌خرند و در گرانی آن را می‌فروشند.

بحران اقتصاددستوری
این اقتصاددان گفت: تا زمانی که با اقتصاد دستوری از سوی دولت روبرو هستیم از تعیین نرخ خوراک پتروشیمی‌ها گرفته تا چگونگی واردات خودرو و ناترایی بانک‌ها... وضعیت بورس هم همین گونه پیش خواهد رفت. او در مورد تغییر چراغ خاموش نرخ خوراک پتروشیمی‌ها در اردیبهشت‌ماه افزود: به نظر نمی‌رسد این موضوع تنها دلیل این ریزش‌ها بوده باشد زیرا در این صورت تنها باید گروه پتروشیمی‌ها با ریزش مواجه می‌شد نه گروه خودرویی‌ها و بانک‌های... مشخص است که هیچ سیاستی برای این بازار در نظر گرفته نشده و تنها باز یگرانی که در این حوزه هستند به راحتی در بازار صف درست می‌کنند و با قیمت بالا می‌فروشند و با قیمت پایین هم سهم‌ها را جمع می‌کنند.

سیستم بانکی میزان تسهیلات پرداختی به شرکت‌های دانش‌بنیان را افزایش داده است. آخرین گزارش بانک مرکزی از وضعیت شرکت‌های دانش‌بنیان نشان می‌دهد این شرکت‌ها در تیرماه امسال بیش از ۱۷ همت تسهیلات بانکی دریافت کرده‌اند. بر اساس این گزارش، در تیرماه امسال معادل ۱۷ هزار و ۶۸۳ میلیارد تومان بانکی در قالب ۱۸۱۳ فقره تسهیلات به ۸۸۰ شرکت دانش‌بنیان پرداخت شده، به بیان دیگر می‌توان گفت شرکت‌های مورد اشاره هر کدام به‌طور میانگین دو فقره وام بانکی طی تیرماه امسال دریافت کرده‌اند. میزان تسهیلات اعطایی به شرکت‌های دانش‌بنیان در تیرماه امسال نسبت به تیرماه سال گذشته حدود ۱۵۴ درصد رشد داشته است. به گزارش کوایرن، براساس گزارش‌های پیشین بانک مرکزی می‌توان گفت در مجموع طی چهار ماهه نخست امسال، سیستم بانکی ۵۴ هزار و ۶۳ میلیارد تومان تسهیلات به شرکت‌های دانش‌بنیان پرداخت کرده که نسبت به مدت

ادامه از صفحه اول

طب سنتی علمی یک جریان کاملاً ساختارمند است

اخلاق مدار است. آمارهای مراکز علم سنجی بین‌المللی حاکی از آن است که روند چاپ مقالات مرتبط با طب سنتی ایران در میان مقاله‌های نمایه‌شده در پایگاه‌های Scopus از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۲ روند رو به‌رشدی داشته است. تعداد مقالات چاپ شده از ۱۴ مقاله در سال ۲۰۰۵، ۷۷۷ مقاله در سال ۲۰۲۲، رسیده است که شروع این رشد فرآیند به راهاندازی رشته‌های مرتبط با طب سنتی در کشور هماهنگی دارد که نشان از تأثیرگذاری مثبت این رویکرد ملی دارد. همچنین بر اساس گزارش تحلیل علم‌سنجی وضعیت انتشار مقالات ووز طب مکمل و جایگزین در پایگاه‌بین‌المللی معتبر Scitago، ایران برای دومین سال متوالی رتبه چهارم جهان را در تولید دانش این حوزه در سال ۲۰۲۱ کسب کرده است. مقایسه جایگاه ایران در این حوزه در سال‌های گذشته از رتبه دوازدهم در سال ۲۰۱۳ تا چهارم در سال ۲۰۲۱ نیز به‌خوبی نشان‌دهنده رشد توان علمی ایران است که این دستاورد بین‌المللی را می‌توان نتیجه افزایش توان علمی دانشکده‌ها و مراکز تحقیقاتی مرتبط دانست و تحقق مرجعیت علمی ایران در این حوزه را دانش، به‌شرط حمایت همه‌جانبه و موثر از پژوهش‌های مرتبط، دور از دسترس نبوده و به عنوان نقطه قوتی برای کشور مطرح است. بدین‌ها است که در حوزه‌ای اگر نظارت‌ها یا قوانین مربوطه ضعیف یا پاسخگو نباشند، مسیرهای فرعی تخلف گشوده خواهد شد و این امر مختص طب سنتی یا حتی پزشکی نیست. بنابراین تخلفات مورد ادعای نویسندگان منع و کانسپاسم‌یون گرفته تا توسعه‌ها، مشهور به طب اسلامی و تجویزهایی عجیبی که ایشان در متن آورده‌اند، هیچ‌کدام ارتباطی به اصل «طب سنتی» ندارند و صرفاً اختلافاتی است که به‌واسطه ضعف ساختار نظارتی اتفاق می‌افتد. این دلیل بروز چنین تخلفاتی، انکار نیاز جامعه، نفی مطلق و بی‌منطق طب سنتی و عدم پاسخ‌دهی مناسب به تقاضای مردم برای استفاده از خدمات طب سنتی و مکمل مورد تأیید وزارت بهداشت از طریق ساختارهای قانونی، علمی و تعریف شده است. انجمن علمی طب سنتی ایران امید دارد تا با افزایش آگاهی و دانش و نگاه به تجربیات سایر کشورها در زمینه طب سنتی و مکمل، بتوان از ظرفیت این دانش غنی در نظام سلامت کشور بهره‌برد و دست متخلفان و شیادان سلامت را از این حیطه کوتاه نمود.

آگهی مزایده اموال غیر منقول (اسنادرهنی)

به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۹۵۰۰۱۵۰ علیه آقای مهدی بی نائی و له بانک پارسیان با وکالت شرکت تأمین اندیش موضوع سند رهنی شماره ۱۴۷۳۳ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۰۸، دفتر خانه ۱۰۳، نور مبلغ لازم الاجراء به مبلغ ۸۵۹/۸۹۹/۲/ریال از تاریخ ۱۱/۰۶/۱۳۹۴ به انضمام سایر خسارات که تا روز پرداخت محاسبه می گردد. ششصدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به پلاک ثبتی ۹۵۵ فرعی از ۴ اصلی مفروز و مجزی شده از ۷۳۷ و ۷۳۸ فرعی از اصلی مذکور بخش ۱۰ حوزه ثبتی نور به مساحت ۳۰۰ متر مربع واقع در شهرستان نور – سردشت – کوچه گلدشت ۲۰ پلاک ۳۰ شهرداری که برابر سند رهنی فوق به نفع بانک پارسیان در رهن قرار گرفته است حدود و مشخصات ملک به حدود شمالا پی به پی بطول ۱۲ متر به شماره نهصد و پنجاه و چهار فرعی است شرقا: پی است بطول ۲۵ متر به خیابان احدائی به عرض شش متر جنوبا پی به پی بطول ۱۲ متر به شماره نهصد و پنجاه و چهار فرعی غربا: پی به پی بطول ۲۵ متر به شماره نهصد و شصت و چهار فرعی پلاک فوق به مساحت عرصه ۳۰۰ متر مربع و بنای شرقا پی احدائی به صورت یک واحد مسکونی همکف به مساحت حدود ۱۴۰ متر مربع می باشد. قدمت بنا حدود بیست و پنج سال و مصالح مصرفی از نوع معمولی است تجهیزات خدماتی نظیر شبکه انتقال برق، گاز شهری، آب و تلفن در محل ملک برقرار می باشد. برابر اعلام بستانکار ملک تا تاریخ ۰۹/۰۸/۱۴۰۲ توسط شرکت پارسیان تحت پوشش بیمه حوادث و آتش سوزی قرار گرفته است و در تصرف آقای پرویز چهره گشافزار دارد. بنا به نظر کارشناس رسمی دادگستری، ارزش ششصدانگ دانگ پلاک فوق به مبلغ ۳۷/۵۶۰/۰۰۰/۰۰۰ سی و هفت میلیارد و پانصد و شصت میلیون ریال ارزیابی و به قطعیت رسیده است در ارزیابی پلاک، شرایط زمانی، قدمت بنای احدائی، موقعیت مکانی ملک و رشد نرخ معاملات ملکی دخیل و موثر بوده است... پلاک فوق از ساعت الی ۱۲ روز سه شنبه مورخ ۱۴/۰۶/۲۰۲۰ در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نور به آدرس نور – بلوار امام خمینی (ره) – جنب شهرک ۱۴۴ از طریق مزایده به فروش می رسد مزایده ششصدانگ پلاک فوق از به مبلغ ۳۷/۵۶۰/۰۰۰/۰۰۰ (سی و میلیارد و پانصد و شصت میلیون ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقبا فروخته می. شود لازم به ذکر است پرداخت بدهیهای مربوط به، آب برق گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهیهای مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود، مازاد وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصل گردد در راستای ماده ۱۳۶ آیین نامه اصلاحی اجرای مفاد اسناد رسمی شرکت در جلسه مزایده منوط به پرداخت ده در صد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت ۴۸ ساعت قبل از تاریخ مزایده و حضور خریدار و یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است. برنده مزایده مکلف است ما به التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به حساب سپرده واریز نکند، مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد. در این صورت عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می گردد. م الف ۱۵۵۲۹۴۵ تاریخ انتشار: ۰۱/۰۶/۱۴۰۲

علی سعادت ی – رئیس ثبت نور

روایت رتبه‌های تک‌رقمی کنکور امسال از امروز و آینده ایران

«دنیا»های متفاوت سه رتبه برتر کنکور

می آیند و نگاه‌های متفاوتی به آینده خود و ایران دارند. بی هیچ توضیح بیشتری، این پاسخ و نگاه‌های برآمده از سال سخت کنکور را در ادامه بخوانید.

اجتماعی تصویر بهتری از این نخبگان برای مخاطبان بسازد. اگر چه کاملاً اتفاقی اما سه مصاحبه‌شونده‌ای که به پرسش‌های خبرنگار «اعتماد» پاسخ گفتند، از سه دنیای متفاوت

سراز می‌شود؛ اینکه چقدر درس خواندید، از کتاب‌های کدام موسسه کمک آموزشی استفاده کردید و ده‌ها پرسش مشابه. در این بین اما شاید پرسش‌های کمی عمومی‌تر و

خبر اما زندگی آنها دست کم به مدت چند روز از دحام عجیبی به خود می‌گیرد و در کنار پیام‌های تبریک، موجی از پرسش‌های خبرنگاران و رسانه‌ها هم به سمت آنها

نتیجه کار خود آگاه می‌شوند؛ رتبه‌های تک‌رقمی که یا از تماس مسوولان یا انتشار تصویر خود در روزنامه‌ها و صداوسیما از موفقیت خود آگاه می‌شوند؛ پس از این

محمد باقرزاده: چند روز پیش از آنکه نتیجه مارتن تحصیلی دانش‌آموزان ایران روی پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان سنجش قرار گیرد، افراد کمی به شیوه‌های مختلف از

روایت رتبه یک کنکور علوم انسانی از مسائل و آینده ایران:

«۱۹۸۴» جورج اورول، مهم‌ترین کتابی بود که امسال خواندم



«مهدی نیکوکار» متولد سال ۱۳۸۴ در اسفراین از استان خراسان شمالی، بی‌شک یکی از پدیده‌های امسال کنکور سراسری ایران است؛ رتبه یک علوم انسانی کل کشور از شهری کوچک در منطقه سه و از خانواده‌ای کم‌برخوردار. پدرش کارگر است و مادرش خانه‌دار و هر دو هم بدون تحصیلات دانشگاهی. مهدی اما از چندسال پیش از کنکور، برنامه کار برزی در سر داشت و آن‌طور که خودش می‌گوید با تلاش هدفمند نخست اطرافیان را وادار کرد که باید رتبه‌اش تک‌رقمی شود و بعد هم این هدف را به سرانجام رساند. او هم در این گفت‌وگو به پرسش‌هایی کمی متفاوت از درس و کنکور پاسخ می‌دهد.

■ **آقای نیکوکار! کمتر پیش می‌آید که فردی از منطقه سه رتبه تک‌رقمی کل کشور شود اما شمار رتبه یک شدید برای آغاز گفت‌وگو کمی از خودتان و این یک سال بگوید؟**
ممنون. من در مدرسه تیزهوشان شهید بهشتی اسفراین استان خراسان شمالی درس خواندم که تقریباً هر ۲۰ سال یک بار پیش می‌آید که کسی از این شهر رتبه تک‌رقمی شود و به قول شما یاد معمول نیست. درباره مدرسه هم بگویم که سطح علمی مدرسه ما نسبت به سایر مدارس شهر برتری خاصی ندارد اما به نظر کادر مدیریتی حمایت خوبی از دانش‌آموزان داشتند و برای من شرایط هم خوب بود. منظور اینکه مدرسه‌ما کادر پشتیبانی داشت. مدیر ما آقای بهنام‌فرد هر کمکی که می‌توانستند انجام دادند. مثلاً در سال دوازدهم خیلی به من سخت‌گیری نکردند که مدرسه بروم و کمک کردند که سه ماه مدرسه نیم‌نرم، درباره شهریه هم خیلی کمک و همراهی داشتند.

■ **به شهریه اشاره کردید؛ شکل پدر و مادر و وضعیت مالی خانواده چگونه است؟**
پدرم کارگر است (کارگر فصلی که معمولاً زمستان امکان کار ندارد و طبیعتاً بیمه ندارد) تحصیلاتش هم تا راهنمایی است. مادر هم در حد راهنمایی تحصیلات دارد و خانه‌دار است. چهار فرزند هستیم که من آخرین فرزند هستم.

■ **با این توضیحات تا به الان به گمان اهمیت رتبه شما بیشتر هم شدد. از این جهت بارز تر که در این سال‌ها شرایط مالی و میزان هزینه کرد خانواده‌ها بر موفقیت کنکور اثر بیشتری پیدا کرده است اما شما در خانواده‌ای از طبقه فرودست از هم از منطقه سه، رتبه یک کنکور علوم انسانی شدید؛ از ابتدایی خیلی درس خوان بودید؟ معدل نهایی شما چقدر بود؟**
معدل نهایی من ۱۹/۷۳ – بود که فکر می‌کنم معدل خوبی است و تاثیر مثبت بر رتبه کنکور داشته است. درباره شرایط درسی‌ام، از همان ابتدایی علاقه به درس داشتم ولی آن قدر جدی نبودم ولی برای متوسطه اول و خیلی جدی‌تر شدم و معدل همیشه خوب بود. دبیرستان هم کلاً نگرشم کنکوری شد و از همان سال اول برنامه کنکوری درس می‌خواندم و هدف هم رتبه تک‌رقمی بود. همه کادر مدرسه و دبیران این انتظار را از من داشتند و بقیه شاگرداهم همین را می‌گفتند. به نظر ما با توجه به شرایط خانواده‌ام و رزنی که خودم برای علم‌قلم، مطمئن بودم که در سر خواندن بهترین راه پیشرفت من بوده است.

■ **با این اوصاف این رتبه را بیشتر اثر تلاش می‌دانید یا اثر استعداد و با ضربیه هوشی بالا؟**
من هم به کیفیت و هم کمیت درس خواندن توجه داشتم. سعی می‌کردم مطالب را عمیق و با نگاه‌های متفاوت بخوانم. به نظر برتری نه به هوش است و نه استعداد و هر که بیشتر تلاش کند موفق‌تر می‌شد. نمی‌توانم بگویم هوش و استعداد بی‌تاثیر است ولی تلاش هدفمند و با برنامه‌ریزی حتماً تاثیر گذار است.

■ **ولی اگر بحث فقط تلاش باشد احتمالاً کسانی بیشتر از شما تلاش کرده‌باشند؛ این‌طور نیست؟ اینکه فردی از اسفراین رتبه یک شود، احتمالاً فقط تلاش نباشد.**
واقعیت این است که من از همان ابتدایی تحصیل موافقی پیش را هم بود ولی چیزی که باعث موفقیت شد، الگوهای است که با وجود موانع فراوان موفق شدند و نام خود را در تاریخ ثبت کردند که موارد هم زیاد است و فقط کافی است زندگی‌نامه‌ها را بخوانیم. مثلاً استیو جابز، بیل گیتس و مواردی از این دست، مورد دیگر هم وقتی که ما به موفقیت‌مان باور و ایمان داشته باشیم هیچ مانعی نمی‌تواند سر راه ما قرار گیرد.

■ **در این سالی که درگیر کنکور بودید، موضوعی هم بود که شما را نگران کند؟ چیزی که فکر کنید ممکن است مانع از به نتیجه رسیدن تلاش شما شود؟**
فضای مجازی و حاشیه‌هایش برای من کمی مشکل

رتبه چهار کنکور ریاضی امسال می‌گوید برنامه‌ای برای مهاجرت ندارد هنوز به دنیای بزرگ‌ترها وارد نشده‌ام ولی می‌گویند اصلی‌ترین مساله کشور معیشتی است



هم درس خوانده باشند ولی به این موفقیت نرسیده باشند. منظور این است که می‌توان گفت همین تلاش در دست هم نوعی هوشمندی است؟

■ **فکر می‌کنید سال ۱۴۱۲ کجا باشید؟ شفاف‌تر اینکه در این لحظه خواسته شما از ۱۰ سال آینده خودتان چیست؟**
من فکر می‌کنم شاید مثلاً هیات علمی دانشگاه شریف در رشته برق باشم یا مدیر طراحی در یکی از شرکت‌های بزرگ خودمان. البته دوست دارم کارم پژوهشی محور باشد تا کار طراحی یا مثلاً استارت‌آپ.

■ **بحث مهاجرت در ایران به نظر داغ است و وقتی اسم رتبه نخبه یا رتبه برتر می‌آید خود به خود در کنار آن بحث مهاجرت هم مطرح می‌شود؛ شما برنامه‌ای برای مهاجرت دارید؟**

نه. بالاتر هم گفتم که ۱۰ سال آینده خود را هیات علمی برق شریف می‌دانم. فعلاً برنامه‌ای برای مهاجرت ندارم.

■ **به‌طور کلی شما چه نگاهی به این داستان مهاجرت در ایران دارید؟ همین که این پرسش‌ها مدام مطرح می‌شود و انگار رایج است که اگر فردی موفقیتی کسب کرده بلافاصله درباره مهاجرت از او سوال شود...**

■ **بالمثل منظورم از نگاه خود شماست؛ به عبارت ساده‌تر شما فکر می‌کنید اصلی‌ترین مساله امروز ایران چیست یا چه مشکلی اگر برطرف شود شرایط کشور بهتر می‌شود؟**

■ **بالمثل منظورم از نگاه خود شماست؛ به عبارت ساده‌تر شما فکر می‌کنید اصلی‌ترین مساله امروز ایران چیست یا چه مشکلی اگر برطرف شود شرایط کشور بهتر می‌شود؟**

■ **سال کنکور شما، سال پرتناهایی برای جامعه ایران بود. شما این سال را به لحاظ اجتماعی چگونه دیدید؟**
من برای اینکه کنکورم دی ماه بود و نمی‌خواستم ضربه ببینم دنبال نکردم که چه اتفاقاتی افتاده است. فضایش را چندان دوست نداشتم و زیاد فرد سیاسی نیستم.

■ **سه کتاب یا فیلمی را که در این سال خواندید یا دیدید و بر زندگی شما تاثیر گذار بود، به خوانندگان معرفی کنید؟**

■ **سازم بستم؟**
سه نفر تاثیر مهمی روی زندگی و کنکورم داشتم که دوست دارم از آنها تشکر کنم؛ یکی آقای رسول دهقان که تاثیر بسزایی داشت در این موفقیت،
■ **حتماً.**

■ **همین برنامه‌ریزی درست هم شاید نوعی استعداد و توانمندی خاص محسوب شود. مثلاً ممکن است کسانی بیشتر از شما تلاش کرده باشند و دقیق و درست**

«معین یوسفی‌نیا» رتبه چهار کنکور ریاضی امسال است که می‌گوید در برخی روزها تنها ۲ تا ۴ ساعت درس خوانده است. او که می‌خواهد رشته برق دانشگاه صنعتی شریف را انتخاب کند، می‌گوید؛ چندان برنامه‌ای برای مهاجرت ندارد و آینده خود را عضو هیات علمی همین دانشگاه تصور می‌کند. آقای یوسفی‌نیا به پرسش‌هایی که چندان مرتبط با کنکور نیستند علاقه چندانی ندارد و می‌گوید؛ خیلی فرد سیاسی‌ای نیست و هنوز چندان به دنیای آدم بزرگ‌ها وارد نشده است: «نمی‌دانم. به نظر می‌آید یا می‌گویند معیشتی است. من هنوز به دنیای بزرگ‌ترها وارد نشده‌ام ولی می‌گویند معیشتی است. شاید چون ملموس‌تر است.» او همچنین می‌گوید برنامه‌ای برای مهاجرت ندارد و در پاسخ به پرسشی در این باره هم این‌طور توضیح می‌دهد که «هنر که البته فعلاً برنامه‌ای برای مهاجرت ندارم و نمی‌دانم این موج از کجاست. شاید چون فناوری داخلی آن قدر پیشرفته نیست و بچه‌ها فکر می‌کنند اگر بروند و بگردند پیشرفت می‌کنند اما من خیلی مشکلی با اینجا ندارم. آینده را نمی‌شود پیش‌بینی کرد ولی امروز روز نگاهم این است.» پاسخ رتبه چهار کنکور ریاضی سال ۱۴۰۲ به پرسش‌های کمی اجتماعی را در ادامه بخوانید.

■ **آقای یوسفی‌نیا! برای آغاز گفت‌وگو از مدرسه و معدل خودتان بگوید.**
من در مدرسه علامه حلی تهران درس خواندم؛ مدرسه تیزهوشان است. البته متوسطه اول را در مدرسه شهید مدنی تبریز درس خواندم. معدل کنی‌ام هم ۱۹/۲۰ شد که فکر می‌کنم اثر مثبتی بر رتبه من نداشت.

■ **و وضعیت تحصیلات و اقتصاد خانواده شما چگونه است؟**
درباره خانواده هم معمولی؛ پدرم هیات علمی و مادر هم کارمند است. تک‌فرزند هستم.

■ **البته این شرایط خانوادگی دست کم به نسبت دیگر رتبه‌های تک‌رقمی که ما با آنها صحبت کردیم، چندان هم معمولی نیست. وضعیت درسی شما در مدرسه چگونه بود؟**

■ **معمولاً رتبه‌های برتر ریاضی سراغ برق یا تازی کامپیوتر می‌روند؛ چه برنامه‌ای برای انتخاب رشته دارید؟**
می‌خواهم مهندسی برق دانشگاه شریف را انتخاب کنم. البته به کامپیوتر هم علاقه دارم و به همین خاطر هم المپیاد کامپیوتر رفتم ولی برق را انتخاب خواهم کرد.

■ **گویا می‌توانید دور رشته هم انتخاب کنید.**

■ **تهران بخوانید؛ چه تصویری از دانشگاه دارید؟**
بله. مادر مدرسه دانش آموز بودیم به اصطلاح دانش راه‌ما می‌آموختند اما در دانشگاه قرار است و امیدوارم برعکس باشد و خودمان دنبال علم باشیم. باید با یک عطش و تشنگی دنبال دانش برویم. یک چیز دیگر اینکه ما وقتی از مدرسه وارد دانشگاه می‌شویم، با نگرش علمی‌تر نشود درگیر کنکور و آزمون‌نباشیم و درگیر علم واقعی شویم. باید دنبال ماهیت علم باشیم.

■ **اگر موافق هستید، مهم‌ترین کتاب‌هایی را که در یک سال گذشته خواندید یا فیلم‌هایی که دیدید بر زندگی خودتان موثر بوده، به خوانندگان معرفی کنید.**

یکی از کتاب‌های تاثیر گذار کتاب «۱۹۸۴» جورج اورول است. کتاب دیگر هم «صور خیال» اثر استاد شفیع اذکنی، یک فیلم علمی را هم زیاد دوست داشتم به اسم میان‌ستارهای (inter stellar) که خیلی روی من تاثیر گذاشت.

پاسخ رتبه سه کنکور هنر امسال به انتظارش و تصورش از سال ۱۴۱۲:

امیدوارم ظهور اتفاق افتاده باشد



■ **فکر می‌کنید چقدر این نگاه‌بین هم‌نسلان خودت مورد توجه است؟**
متأسفانه این همه رسانه‌ای که به کشور وارد شده و می‌شود باعث شده که خیلی از مسائل تحریف شود و این همه بر نسل من هم اثر بگذارد و متأسفانه بعضی از این نسل نادانسته فکر می‌کنند که بهتر است نظام برگردد به دوران شاهنشاهی؛ احساس می‌کنم شاید از کم‌کاری ماست که آنچه می‌دانیم به دوستان و جامعه انتقال ندادیم. و شاید ما این فضا را فراهم کردیم که این افراد سراغ رسانه‌های بیگانه رفتند و الان خواسته‌های متفاوتی دارند.

■ **خانم جعفری! شما اصلی‌ترین مشکل یا مساله الان ایران را چه می‌دانید؟**

■ **فکر می‌کنید چقدر این نگاه‌بین هم‌نسلان خودت مورد توجه است؟**
متأسفانه این همه رسانه‌ای که به کشور وارد شده و می‌شود باعث شده که خیلی از مسائل تحریف شود و این همه بر نسل من هم اثر بگذارد و متأسفانه بعضی از این نسل نادانسته فکر می‌کنند که بهتر است نظام برگردد به دوران شاهنشاهی؛ احساس می‌کنم شاید از کم‌کاری ماست که آنچه می‌دانیم به دوستان و جامعه انتقال ندادیم. و شاید ما این فضا را فراهم کردیم که این افراد سراغ رسانه‌های بیگانه رفتند و الان خواسته‌های متفاوتی دارند.

■ **خانم جعفری! شما اصلی‌ترین مشکل یا مساله الان ایران را چه می‌دانید؟**
مهم‌ترین مشکل ما این است که در دوران شاهنشاهی، چون وقتی هدف کم از یادها برود، درگیری‌ها زیاد می‌شود و متأسفانه نسل جدید متوجه نمی‌شود چرا انقلاب کردیم. به نظر من الان به هدف انقلاب کمتر پرداخته می‌شود و باید بیشتر به آن بپردازیم. البته قشری هم هست که به این هدف پایبند هستند و شاید بین این شلوغی‌ها کمی هدف‌مان را گم کردیم.

■ **این نگاه شما تا چه اندازه در مدرسه بین هم‌کلاسی‌ها مورد توجه بود؟ بالاخره این سال کنکور شما سال پرتناهایی برای کشور بود؛ فکر می‌کنید هم‌کلاسی‌های شما با اعتراضات همراه بودند یا نگاه شما را داشتند؟**

■ **به‌حال افکار مختلفی هست؛ بعضی هیچ طرفی نیستند و بقیه هم در دو سمت بودند و گروهی هم فکر می‌کردند نظام باید عوض شود. متأسفانه جامعه هنری بیشتر به آن سمت گرایش پیدا می‌کند تا به سمت نگاه من. هنر عموماً این جور است که در آن میزان اعتراض بیشتر است تا مسائل انقلابی.**

■ **سه کتاب یا فیلمی که در این سال خواندید و بر زندگی شما اثر گذار بوده و حالا می‌خواهید آنها را به مخاطبان معرفی کنید؟**

■ **شما به مهاجرت هم فکر می‌کنید؟**
خب از جهت ادامه تحصیل فکر می‌کنم از دوره‌های آموزشی به صورت آنلاین شاید بشود استفاده کرد و ارتباط برقرار کرد ولی از لحاظ زندگی کردن یا کار حقیقتاً هیچ علاقه‌ای ندارم. اینکه بخواهم برای کشور دیگری کار کنم که اهداف درستی ندارد، نه هدف من نیست.

■ **ممنون که وقت‌تان را در اختیار ما قرار دادید خانم جعفری. اگر فکر می‌کنید نکته یا موضوعی هست که در پرسش‌ها نیامده، می‌توانید به آن بپردازید.**

■ **ممنون، حس می‌کنم اگر بعضی این مصاحبه را بخوانند حس می‌کنند من یک آدم جیره‌موجب‌گیر هستم که به من گفتند این حرف‌ها را بزنم ولی واقعاً من آدم خاصی نیستم که بخواهم از کسی طرفداری کنم، اما واقعیت این است که این مسیری است که من دنبال آن رفتم و فکر می‌کنم حقیقت است. حس می‌کنم اگر شما بیشتر تحقیق و بررسی کنید که کدام حرف درست است شاید به این جمع‌بندی برسید که نه اوضاع این قدر وحشتناک است نه اینکه مشکل وجود ندارد در اهکار مهاجرت یا تغییر کلی نیست شاید ما جوانان بتوانیم کشور را به مسیر درست برسانیم.**

«فاطمه جعفری ندوشن» رتبه سه کنکور هنر امسال از شهر یزد است که برنامه‌ها و خواسته‌هایش شاید تا اندازه‌ای با نگاه و تصور غالب از نخبگان کشور متفاوت است؛ اگر چه این روزها به درست یا نادرست، مهاجرت نخبگان امری عادی و حتی موفقیت‌قلمداد می‌شود، اما می‌گوید نه تنها برنامه‌ای برای آن ندارد که حتی امیدوار است شرایط ایران به گونه‌ای شود که به دوران مهد دانش و پیشرفت برگردد. رتبه سه کنکور هنر می‌گوید ممکن است هر کسی پاسخ‌هایش را بخواند، او را فردی «جیره و مواجب‌گیر» قلمداد کند، اما اعتقاد دارد این‌طور نیست و همیشه دنبال حقیقت است؛ می‌گوید همه‌های رسانه‌ای در یافت حقیقت را برای هم‌نسلانش سخت کرده و می‌خواهد با زبان هنر این شرایط را تغییر دهد؛ گفت‌وگوی خبرنگار «اعتماد» با خانم جعفری ندوشن را در ادامه بخوانید.

■ **خانم جعفری! پیش از اینکه به پرسش‌های عمومی و مسائل اجتماعی بپردازیم از مدرسه و شرایط تحصیل خودتان بگوید.**

■ **خانم جعفری! شما اصلی‌ترین مشکل یا مساله الان ایران را چه می‌دانید؟**
مهم‌ترین مشکل ما این است که در دوران شاهنشاهی، چون وقتی هدف کم از یادها برود، درگیری‌ها زیاد می‌شود و متأسفانه نسل جدید متوجه نمی‌شود چرا انقلاب کردیم. به نظر من الان به هدف انقلاب کمتر پرداخته می‌شود و باید بیشتر به آن بپردازیم. البته قشری هم هست که به این هدف پایبند هستند و شاید بین این شلوغی‌ها کمی هدف‌مان را گم کردیم.

■ **این نگاه شما تا چه اندازه در مدرسه بین هم‌کلاسی‌ها مورد توجه بود؟ بالاخره این سال کنکور شما سال پرتناهایی برای کشور بود؛ فکر می‌کنید هم‌کلاسی‌های شما با اعتراضات همراه بودند یا نگاه شما را داشتند؟**

■ **به‌حال افکار مختلفی هست؛ بعضی هیچ طرفی نیستند و بقیه هم در دو سمت بودند و گروهی هم فکر می‌کردند نظام باید عوض شود. متأسفانه جامعه هنری بیشتر به آن سمت گرایش پیدا می‌کند تا به سمت نگاه من. هنر عموماً این جور است که در آن میزان اعتراض بیشتر است تا مسائل انقلابی.**

■ **سه کتاب یا فیلمی که در این سال خواندید و بر زندگی شما اثر گذار بوده و حالا می‌خواهید آنها را به مخاطبان معرفی کنید؟**

■ **شما به مهاجرت هم فکر می‌کنید؟**
خب از جهت ادامه تحصیل فکر می‌کنم از دوره‌های آموزشی به صورت آنلاین شاید بشود استفاده کرد و ارتباط برقرار کرد ولی از لحاظ زندگی کردن یا کار حقیقتاً هیچ علاقه‌ای ندارم. اینکه بخواهم برای کشور دیگری کار کنم که اهداف درستی ندارد، نه هدف من نیست.

■ **ممنون، حس می‌کنم اگر بعضی این مصاحبه را بخوانند حس می‌کنند من یک آدم جیره‌موجب‌گیر هستم که به من گفتند این حرف‌ها را بزنم ولی واقعاً من آدم خاصی نیستم که بخواهم از کسی طرفداری کنم، اما واقعیت این است که این مسیری است که من دنبال آن رفتم و فکر می‌کنم حقیقت است. حس می‌کنم اگر شما بیشتر تحقیق و بررسی کنید که کدام حرف درست است شاید به این جمع‌بندی برسید که نه اوضاع این قدر وحشتناک است نه اینکه مشکل وجود ندارد در اهکار مهاجرت یا تغییر کلی نیست شاید ما جوانان بتوانیم کشور را به مسیر درست برسانیم.**

■ **ممنون، حس می‌کنم اگر بعضی این مصاحبه را بخوانند حس می‌کنند من یک آدم جیره‌موجب‌گیر هستم که به من گفتند این حرف‌ها را بزنم ولی واقعاً من آدم خاصی نیستم که بخواهم از کسی طرفداری کنم، اما واقعیت این است که این مسیری است که من دنبال آن رفتم و فکر می‌کنم حقیقت است. حس می‌کنم اگر شما بیشتر تحقیق و بررسی کنید که کدام حرف درست است شاید به این جمع‌بندی برسید که نه اوضاع این قدر وحشتناک است نه اینکه مشکل وجود ندارد در اهکار مهاجرت یا تغییر کلی نیست شاید ما جوانان بتوانیم کشور را به مسیر درست برسانیم.**

■ **ممنون، حس می‌کنم اگر بعضی این مصاحبه را بخوانند حس می‌کنند من یک آدم جیره‌موجب‌گیر هستم که به من گفتند این حرف‌ها را بزنم ولی واقعاً من آدم خاصی نیستم که بخواهم از کسی طرفداری کنم، اما واقعیت این است که این مسیری است که من دنبال آن رفتم و فکر می‌کنم حقیقت است. حس می‌کنم اگر شما بیشتر تحقیق و بررسی کنید که کدام حرف درست است شاید به این جمع‌بندی برسید که نه اوضاع این قدر وحشتناک است نه اینکه مشکل وجود ندارد در اهکار مهاجرت یا تغییر کلی نیست شاید ما جوانان بتوانیم کشور را به مسیر درست برسانیم.**

■ **ممنون، حس می‌کنم اگر بعضی این مصاحبه را بخوانند حس می‌کنند من یک آدم جیره‌موجب‌گیر هستم که به من گفتند این حرف‌ها را بزنم ولی واقعاً من آدم خاصی نیستم که بخواهم از کسی طرفداری کنم، اما واقعیت این است که این مسیری است که من دنبال آن رفتم و فکر می‌کنم حقیقت است. حس می‌کنم اگر شما بیشتر تحقیق و بررسی کنید که کدام حرف درست است شاید به این جمع‌بندی برسید که نه اوضاع این قدر وحشتناک است نه اینکه مشکل وجود ندارد در اهکار مهاجرت یا تغییر کلی نیست شاید ما جوانان بتوانیم کشور را به مسیر درست برسانیم.**

■ **ممنون، حس می‌کنم اگر بعضی این مصاحبه را بخوانند حس می‌کنند من یک آدم جیره‌موجب‌گیر هستم که به من گفتند این حرف‌ها را بزنم ولی واقعاً من آدم خاصی نیستم که بخواهم از کسی طرفداری کنم، اما واقعیت این است که این مسیری است که من دنبال آن رفتم و فکر می‌کنم حقیقت است. حس می‌کنم اگر شما بیشتر تحقیق و بررسی کنید که کدام حرف درست است شاید به این جمع‌بندی برسید که نه اوضاع این قدر وحشتناک است نه اینکه مشکل وجود ندارد در اهکار مهاجرت یا تغییر کلی نیست شاید ما جوانان بتوانیم کشور را به مسیر درست برسانیم.**

■ **ممنون، حس می‌کنم اگر بعضی این مصاحبه را بخوانند حس می‌کنند من یک آدم جیره‌موجب‌گیر هستم که به من گفتند این حرف‌ها را بزنم ولی واقعاً من آدم خاصی نیستم که بخواهم از کسی طرفداری کنم، اما واقعیت این است که این مسیری است که من دنبال آن رفتم و فکر می‌کنم حقیقت است. حس می‌کنم اگر شما بیشتر تحقیق و بررسی کنید که کدام حرف درست است شاید به این جمع‌بندی برسید که نه اوضاع این قدر وحشتناک است نه اینکه مشکل وجود ندارد در اهکار مهاجرت یا تغییر کلی نیست شاید ما جوانان بتوانیم کشور را به مسیر درست برسانیم.**

■ **ممنون، حس می‌کنم اگر بعضی این مصاحبه را بخوانند حس می‌کنند من یک آدم جیره‌موجب‌گیر هستم که به من گفتند این حرف‌ها را بزنم ولی واقعاً من آدم خاصی نیستم که بخواهم از کسی طرفداری کنم، اما واقعیت این است که این مسیری است که من دنبال آن رفتم و فکر می‌کنم حقیقت است. حس می‌کنم اگر شما بیشتر تحقیق و بررسی کنید که کدام حرف درست است شاید به این جمع‌بندی برسید که نه اوضاع این قدر وحشتناک است نه اینکه مشکل وجود ندارد در اهکار مهاجرت یا تغییر کلی نیست شاید ما جوانان بتوانیم کشور را به مسیر درست برسانیم.**

نگاه

تاملی در آموزش و پرورش ما

ایدنولوژی یا شعار



محسن آزموده

گفته می‌شود که شیوه آموزش پرورش در ایران ایدنولوژیک است. سوال اساسی این است که کجانیست؟ آیا شیوه آموزش و پرورش در فنلاند یا در امریکا یا روسیه ایدنولوژیک نیست؟ آیا اصلا امکان دارد که شیوهو محتوای آموزشی بی توجه به ایدنولوژی باشد؟ پیش از ادامه بحث و یافتن پاسخی به این سوال لازم است توضیحی کوتاه راجع به مفهوم ایدنولوژی و صفت ایدنولوژیک ارایه کنیم.

ایدنولوژی از آن دست مفاهیمی است که دست کم در زبان فارسی سرنوشت عجیب و غریبی داشته و راجع به آن صدها کتاب و مقاله و گفتار پدید آمده. یک زمانی نگاه به آن مثبت بود و خیلی مهم تلقی می شد. مثلا در سال های اول انقلاب، آیت الله مصباح یزدی از روحانیون طرفدار جمهوری اسلامی، کتاب مشهوری منتشر کرد با عنوان «پاسداری از سنگ‌های ایدنولوژیک» (در جلد ۱، ۱۳۶۱، موسسه در راه حق). روشن است که اینجا ایدنولوژی در معنایی مثبت به کار رفته است. از میانه دهه هفتاد اما لفظ ایدنولوژی معنا و مفهومی منفی پیدا کرد و بیشتر به عنوان «آگاهی کاذب» یا «سیاست‌زده» به کار رفت، به گونه‌ای که وقتی چیزی «ایدنولوژیک» خطاب می شد، یعنی بهره و حظی از حقیقت ندارد یا در صدد پوشاندن آن است یا چیزی را به جای حقیقت می نشاند یا... اما در چند سال اخیر بار دیگر این مفهوم و این بار به معنایی خنثی (نه از اراما مثبت و نه از اراما منفی) به کار می رود.

مراد ما هم از ایدنولوژیک خطاب کردن آموزش و پرورش ایران همین معنای خنثی است. در اینجا منظور از ایدنولوژی جهت گیری و سوگیری عقیدتی-سیاسی خاص است. به این معنا نظام آموزش و پرورش در همه جای دنیا ایدنولوژیک است، یعنی واجد یک جهت گیری سیاسی و عقیدتی خاص است و در نتیجه نمی توان گفت که ایدنولوژیک بودن آموزش و پرورش مختصر به ایران است. به عبارت دقیق تر، هر سیستم یا نظام آموزشی و پرورشی براساس یک جهان بینی و نوعی رویکرد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خاص طراحی و اجرا می شود، همچنان که همه نظام های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ایدنولوژیک (در معنای اخیر) هستند، یعنی یک سویه سیاسی و عقیدتی مشخص دارند. از این جهت تفاوتی میان نظام آموزشی ما با نظام آموزشی سایر کشورها وجود ندارد.

اصول آموزش و تربیج یک ایدنولوژی و پرورش کودکان و نوجوانان براساس آن یکی از سه کارکرد اساسی نظام های آموزشی در همه جای دنیا و شاید بتوان گفت در همه زمان ها است. دو کارکرد دیگر به ترتیب عبارتند از: ۱- آموزش عمومی یعنی آموزش سواد و خواندن و نوشتن و دانش های پایه. ۲- آموزش زندگی اجتماعی و نحوه تعامل با سایر انسان ها در عرصه جامعه. روشن است که این سه کارکرد (۱- آموزش عمومی، ۲- آموزش زندگی اجتماعی، ۳- آموزش ایدنولوژی) در همه جا به هم راحتی از یکدیگر تفکیک پذیر نیستند و هر سه در هم تاثیر می گذارند. به تعبیر دقیق تر، اینکه ایدنولوژی طراحان نظام آموزشی چه باشد، در انتخاب آنچه آموزش عمومی خوانده می شود و نحوه زندگی اجتماعی موثر است، همچنان که آگاهی های این طراحان یا زیست اجتماعی آنها بر ایدنولوژی شان تاثیر گذار است.

اگر چنین باشد، یعنی همه نظام های آموزشی ایدنولوژیک هستند، پس تفاوت نظام آموزشی ما با سایر نظام های آموزشی در چیست؟ برخی می گویند، تقدم و اصالت آموزش ایدنولوژیک بر دو آموزش دیگر، این ادعا با توجه به حجم و ثروت محتوای ایدنولوژیک در برنامه های آموزشی و درسی قابل توجیه است. سوگیری سیاسی و عقیدتی برآمده یز آن آموزشی ما حتی در کتاب های آموزشی ریاضی و فیزیک هم مشهود است. اما مساله فقط این نیست. موضوع مهم تر آن است که در نظام آموزشی ما، آموزش ایدنولوژیک به شکلی کاملا شعارزده و به قول معروف گل درشت صورت می گیرد. مشکل اصلی ناکامی نظام آموزشی ما در آموزش های سه گانه فوق، همین شعارزدگی و کژسلیگی است. شاید با تحلیل دقیق تر، بتوان نشان داد که آموزش و تربیج ایدنولوژی حتی در مدارس جایی مثل فنلاند هم اهمیت زیادی تر از آموزش های دیگر دارد. اما موضوع این است که در نظام آموزش و پرورش فنلاند، هیچ جا به صراحت و توی ذوق زننده از این ایدنولوژی صحبت نمی شود. برای مثال در نتیجه گیری مقاله «اساس و پایه آموزش در فنلاند» نوشته یوهانا یاروینگن تلپوریت، مدیر آموزشی که در کتاب «آموزش و پرورش فنلاندی در عمل» منتشر شده، چنین آمده است: «آموزش فنلاند بر این پایه استوار است: برابری و مساوات، اعتماد و مسوولیت، استقلال، همکاری، دانش آموز محور و توسعه تحقیق محور» (ص ۵۲).

در این چند خط، نویسنده هیچ جا به صراحت ایدنولوژی خود را نگفته یا به قول معروف آن در چشم مخاطب نکرده، اگر چه یک تحلیلگر علم انسانی به خوبی می تواند با تحلیل همین چند خط عناصر فلسفی و رویکرد سیاسی نویسنده را به مقوله آموزش نشان بدهد. حالا از یکی از مدیران آموزشی ما بخواهید که بنویسند پایه و اساس آموزش در ایران بر چه پایه هایی استوار است؟ پاسخ به این پرسش را به عهده خوانندگان می گذاریم. کوتاه سخن آنکه با شعار دادن و فریاد زدن و اظهارات گل درشت، تنها نتیجه ای که حاصل می شود، ایجاد احساس اشباع و دلزدگی از ایدنولوژی است. ما از طراحان نظام های آموزشی نمی خواهیم که ایدنولوژی خود را کنار بگذارند یا آموزش ندهند، بلکه می گوییم شعار ندهید، عمل کنید، کاری کنید که تبلور و تحقق ایدنولوژی شما در متن سایر آموزش ها خود را نشان بدهد. با داد و فریاد راه انداختن، نتیجه ای جز اینکه شنوندگان گوش های شان را بگیرند و محضر شما را ترک کنند، حاصل نمی آید.



نعمت الله فاضلی *

کتاب «آموزش و پرورش فنلاندی در عمل: چیستی، چرایی و چگونگی» کتابی برای آشنایی با آموزش و پرورش فنلاند نیست؛ بل راهنمای اندیشیدن به مسائل آموزش و پرورش در جهان امروز و ایران است. دلیلی ندارد ما در ایران از فنلاند و دیگر کشورها آگاه باشیم، مگر اینکه این آگاهی ها برای ما واجد دلالت ها و معانی باشند. در فنلاند و دیگر کشور ها، خادها، پدیده ها و خبر های زیادی هست و رسانه ها هم مدار آنها را منتشر و منعکس می کنند. جهان، انباشته از رخ داده است و رسانه ها هم انباشته از خبر ها و گزارش ها اگر مساله محور و گزینشی، پدیده های جهان را نگاه نکنیم، غرق در اقیانوس اطلاعات پرکنده و گسترده می شویم. در همین کتاب، آلبرت اینشتین به ما می گوید «هدف آموزش، آگاهی از حقایق جهان نیست، بل آموزش شیوه های تفکر است». این کتاب هم اگر چه درباره حقایق نظام آموزشی فنلاند است، اما هدف از ترجمه آن آموختن شیوه اندیشیدن به آموزش در کشور ماست؛ شیوه ای از اندیشه که افق دید ما را گسترش دهد و ما را نسبت به ناکامی ها و کامیابی های نظام آموزشی و مدرسه ای حساس و هوشیار سازد. اما، چگونه و چرا فنلاند؟

فنلاند شباهتی با ما ندارد

فنلاند شباهتی با ما ندارد، نه بخشی از اساسات، نه خاورمیانه، نه کشور های اسلامی و نه جزو خانواده کشورهای منطقه نوروژ یا ایران فرهنگی است. فنلاند، پروژگی های سیاسی،

جغرافیایی و جمعیتی و اقتصادی هم با هم شریک و شبیه نیست. فنلاند بخشی از اسکندیناوی و نظام سیاسی آن سو سیال دموکراسی است و جمعیتی اندک و جغرافیایی کوچک دارد. زبان، مذهب، اقتصاد، تاریخ و آداب و رسوم آن با ما متفاوت است. فنلاند جزو خاورمیانه، نه کشور های توسعه یافته است و ما نیستیم. اینها کفایت می کند که نخواهیم و نتوانیم ایران را با فنلاند مقایسه کنیم. چه، لازمه مقایسه وجود هم تری ها و شباهت هایی است. «سواد تطبیقی» ایجاب می کند که هم تری ها و نا هم تری ها را در نظر بگیریم.

نظام مدرسه ای، شباهت ما با فنلاند

با وجود این نا هم تری ها، مشترکاتی با فنلاند داریم که زمینه مقایسه و درس آموزی از نظام مدرسه ای فنلاند را موجه و ممکن و حتی ضروری می سازد. مهم ترین وجه اشتراک ما و فنلاند وجود «نظام مدرسه ای» است. نهاد مدرسه، پارای از جهان معاصر است. همه کشورهای جهان امروز، نظام مدرسه ای دارند و برای تربیت و آموزش فرزندان و نسل جدید و برای سواد آموزی، با حمایت دولت، نظام مدرسه ای را تشکیل داده اند. چندان بیراه نیست اگر بگوییم ما در «عصر مدرسه» زندگی می کنیم؛ عصری که از اواخر قرن هجدهم در اروپا آغاز شد و در قرن نوزدهم و بیستم جهانی گردید؛ عصری که بدون مدرسه هرگز نمی توانست همان باشد که هست (۲). ما اغلب فراموش می کنیم همه القاب و عناوینی که به جهان مدرن و پست مدرن می دهیم؛ از عصر ماشین و عصر اتوم گرفته تا عصر اطلاعات و اینترنت، از عصر عقل گرایی و انسان گرایی گرفته تا عصر دموکراسی، سرچشمه اش مدرسه است. مدرسه، میراث مشترک جهانی بشر در عصر معاصر

ماست. دقیقاً همین است نقطه اتکای ما برای مقایسه نظام های آموزشی و مدرسه ای جهان با یکدیگر.

نظام مدرسه ای یعنی چه؟

نظام های مدرسه ای در همه کشورها مشترکاتی دارند. همه آنها بر مبنای سبن استوار شده اند؛ چه، بچه ها در همه کشورها در سن شش یا هفت سالگی راهی مدرسه می شوند. ثبت نام و مدرسه رفتن کودکان در همه کشورها، همگانی و اجباری است. دولت ها در تمام کشورها موظف به تامین و پشتیبانی مادی و حقوقی و سیاسی از مدارس اند. سازمان مدارس در همه کشورها مشکل از «کلاس» و «پایه های آموزشی» است. مدارس همه کشورها، معلمان حرفه ای و آموزش دیده و برنامه درسی ملی و درس های مشترک دارند؛ درس های چون آموزش سواد و الفبا، آموزش حساب و ریاضی، آموزش علوم، آموزش زبان و ادبیات ملی، آموزش های مدنی و تعلیمات اجتماعی و درس دیگر، همچنین، «گفتن ان آموزش مشترک جهانی» نیز وجود دارد؛ گفتن آنی که دانش های گوناگون علوم تربیتی، تکنولوژی آموزشی، مدیریت آموزشی و فلسفه آموزش و تعلیم و تربیت آن را می سازد.

این گفتن مشترک را ر رشته های دانشگاهی و ترجمه متون و کتاب های این رشته ها و همچنین همایش های بین المللی و بده و بستان های دانشگاهی و علمی در سطح جهانی و بین المللی می سازد و حمایت می کند. نهادهای بین المللی متعدد مانند یونسکو نیز وجود دارد که مشترکات جهانی نظام های آموزشی را تقویت و ترویج می کند.



فنلاند توانسته مدرسه آمانی و کارآمد و متناسب با توسعه همه جانبه و متوازن در خلق روش ها را کند و ما نتوانسته ایم. ما از نیمه قرن نوزدهم رویای رسیدن به «ترقی» را در سر و سینه ملت کاشتیم و داشتیم و مصلحان و اندیشه گران بزرگ ما به نیت که در یافتند این «راه ترقی» از «نهاد مدرسه جدید» می گذرد. این راه پر فراز و نشیب را هر طور بود آغاز کردیم و تا امروز هم ادامه دادیم.

جهان سیاره ای

در کنار این مشترکات، ما و فنلاند و دیگر کشورهای جهان، زمینه جهانی مشترک نیز داریم. کشورهای امروز در بستر «جهانی سیاره ای شده» قرار دارند و فرایندهای جهانی شدن به طور بیوسته و فر گذار از طریق فرآیندهای جهانی رسانهای، ارتباطی و میدانه و جابه جایی جریان پیام ها، کالاها و اشیا، نمادها و اد ها، همه کشورها را به هم شبیه تر و مشترکات آنها را می افزاید. نظام مدرسه ای در جهان امروز، «زبان مشترک جهانی» است و برخی اصول و مفاهیم و ارزش های مشترک دارد. نظام های آموزشی امروز، یک زبان مشترک را با گویش های ملی و محلی شان تکلم می کنند. همه کشورها به «خانواده بزرگ مدرسه» تعلق دارند. تبار و تاریخ این خانواده، مدرنیت است؛ همان تحول بزرگ و تاریخی که ایران نیز از قرن نوزدهم (سیزدهم شمس) به آن پیوست. این خانواده، با همه تفاوت ها و تاریخ های شان، خواهان تربیت فرزندان خود در مدرسه و تربیت فرزندان شان به شیوه ای شایسته و پایسته و متناسب با جهان مدرن است؛ متناسب با جهان مدرن، کلاس شهر، صنعتی شدن، نظام دیوانسالاری، حقوق شهروندی، شکوفایی استعدادها و خودتحقق بخشی انسان، آزادی و کرامت انسانی و برخورداری از رفاه و امنیت، بنیان های آن را تشکیل می دهد. اینها همه مشترکات خانواده مدرسه در جهان امروز است. همین مشترکات است که ما را از یکدیگر می دارد تا موقعیت ها، دستیافته ها و دستیافته های نظام های مدرسه ای را مطالعه و آنها را مقایسه کنیم. فنلاند، امروز از پیشتازان نظام های مدرسه ای جهان است. این کتاب همین را نشان می دهد و همین انگیزه ترجمه و انتشار آن شده است.

چرا فنلاند توانست ما نتوانستیم؟

مایه ها و موضوعات کتاب نیازمند معرفی نیست. مقالات کوتاه و فشرده و دقیقی است از موضوعات گوناگون نظام مدرسه ای فنلاند در دهه اخیر و بسیاری از پرسش ها و مساله هایی را که نیاز داریم در باره ظرافت ها و ظرفیت ها و راز و رمز کامیابی مدارس فنلاند بدانیم و از آنها بیاموزیم؛ به شیوه ای ساده و سلیس و بدون پر حرفی و پرکنده گویی بیان می کند.

نمی گویم بیایم طایق نعل به نعل همه چیز را میان مدارس ایران و فنلاند مقایسه کنیم و کنید. می دانیم که نا هم تری های ایران و فنلاند پر چند و چون و کم و کیف مدارس ما اثر می گذارند و نمی توانیم مقایسه ای تام و تمام میان نظام های آموزشی این کشور بکنیم. اما، نقادانه و منصفانه و عالمانه این کتاب کوتاه و خواندنی را بخوانیم و بخوانید و بپرسید و بپرسیم: «چرا فنلاند توانسته و ما نتوانسته ایم؟»

قصه روشن است. فنلاند توانسته مدرسه آرمانی و کارآمد و متناسب با توسعه همه جانبه و متوازن خودش را خلق کند و ما نتوانسته ایم. ما از نیمه قرن نوزدهم رویای رسیدن به «ترقی» را در سر و سینه ملت کاشتیم و داشتیم و مصلحان و اندیشه گران بزرگ ما به نیت که در یافتند این «راه ترقی» از «نهاد مدرسه جدید» می گذرد. این راه پر فراز و نشیب را هر طور بود آغاز کردیم و تا امروز هم ادامه دادیم (۳). اکنون که در آغاز قرن پانزدهم شمس هیستیم ادعان داریم که نهاد مدرسه حال و روز خوشی ندارد و عمیقاً نگران آینده آن هستیم (۴).

مساله های مشترک

صفحه به صفحه این کتاب

را ورق بزنیم می بینیم اگر بگوییم همه، اغلب مساله های مدرسه فنلاندی، مساله های مانیز هست. یوهانا جاروینن توبرت در همین کتاب، اصول نظام آموزشی فنلاند را «برابری و مساوات، اعتماد و مسوولیت، خودمختاری و همکاری، یادگیرنده محور و پژوهش محور» می نامد. سپس نشان می دهد چگونه این اصول را در عمل تحقق بخشیده اند. پایوی پالتون هم نشان می دهد چگونه فنلاند از ۲۰۱۶ نظام مدرسه ای اش را تغییر داد تا متناسب مقتضیات روز کند به گونه ای که کودکان متناسب نیازها و زندگی واقعی شان آموزش ببینند. در فصلی دیگر، یوهانا توبرت «متناسب سازی برنامه درسی فنلاند به گونه ای که دروس با کیفیت و متناسب معلمان فنلاندی» را نشان می دهد. کایسا تومارلا هم برنامه های مفصل نظام آموزشی فنلاند برای شناخت و اجرای روش های فعال کردن دانش آموزان را شرح می دهد. دیگران همین طور مساله های آموزشی و مدرسه ای دیگر را بیان می کنند که همه آنها مساله های مادر ایران هم هستند. نیازی به دقت و تمرکز بالا نیست. نگاهی سر سری به مایه ها و موضوعات بحث شده در این کتاب، نشان می دهد چرا و چگونه محتاج بیش از دانستن و عمیق تر آموختن مدرسه فنلاندی هستیم. البته، تفاوت داریم؛ تفاوتی تلخ. تفاوت ما و فنلاندی ها این است که مادر از زوها و حسرت های مان غوطه وریم و آنها خشنود و مفتخر از دستیافته ها و دستیافته های فکری و برنامه ای شان برای خلق مدرسه ای آزاد، دموکراتیک، خلاق، مشارکتی، یادگیرنده، رضایت بخش و پیشرو.

محتاج مقایسه ایم

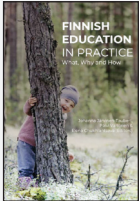
محتاج مقایسه ایم، جهان برای پیشرفت ناگزیر است و ما مدرسه ای پیشرو و خلاق و یادگیرنده و مشارکتی



نگاهی به کتاب «آموزش و پرورش فنلاندی در عمل» *

مدرنیت بر بنیاد مدرسه استوار است

و فعال و کارآمد و سودمند خلق کند. چین را نگاه کنید. همین مملکتی که چند سالی است برای ما هم مساله شده است. یانگ ژائو در «چه کسی از ازدهای غول پیکر بد می ترسد؛ چرا چین، بهترین (و نیز بدترین) سامانه آموزش و پرورش جهان را دارد؟» (ژائو ۱۴۰۱) (۵) نشان می دهد چین برای ربودن گوی سبقت از امریکا از دو دهه پیش اصلاحات گسترده آموزشی را رقم زده و از هر نظر نیز در رویکردی تطبیقی این اصلاحات انجام شده است. ما سال ها هست دانش تطبیقی آموزش و پرورش را گسترش می دهیم و منابع و دروس آن را داریم اما در بیخ از عمل. زمانی رویای ژاین اسلامی در سر و سینه می پروراندیم و از تکنولوژیک شدن ژاپنی چیز جز واردات اتومبیل ها و ماشین ها و محصولات صنایع ژاپن، نصیبی نبردیم. لازمه تحول داشتن رهیافتی تطبیقی است و این رهیافت به ما می توان عمل کرد و به نتایج مطلوب هم رسید. اما مشروط به این مقایسه به شعارهای سیاسی تقلیل نیابند. کتاب حاضر درس های دایانی و توانایی مردم سرزمین کوچکی است که توانسته اند راه آموزش دانا و توانا شوند و شهروندانی شایسته و پایسته تربیت کنند و ارزش ها و باورها و قابلیت های ضروری برای زیستن در جهان امروز مبنای نظام مدرسه ای شان قرار دهند. اکنون این ما هستیم که آیا همچنان می خواهیم نظارگر جهان باشیم و با دید حسرت فنلاند را بنگریم یا اینکه اراده و آگاهی مان را برای تحولی بنیادین نظام آموزشی و ساختن آینده ای بهتر، بسجیم می کنیم؟



فنلاند ما و فنلاندی ها این است که مادر از زوها و حسرت های مان غوطه وریم و آنها خشنود و مفتخر از دستیافته ها و دستیافته های فکری و برنامه ای شان برای خلق مدرسه ای آزاد، دموکراتیک، خلاق، مشارکتی، یادگیرنده، رضایت بخش و پیشرو.

* متن حاضر را دکتر نعمت الله فاضلی به عنوان مقدمه برای کتاب «آموزش و پرورش فنلاندی» نگاشته اند که به طور اختصاصی در اختیار صفحه اندیشه روز نامه اعتماد قرار گرفته است.

پاورقی

- ۱- استاد باز نشسته انسان شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۲- سون اریک- لیدمن در کتاب زیر نشان می دهد که چگونه مدرنیت به بنیاد نهاد مدرسه استوار است؛
- ۳- اریک- لیدمن، بیسون (۱۳۸۵) در سا به آینده؛ تاریخ اندیشه مدرنیت، ترجمه سعید مقدم، تهران: نشر اختران
- ۴- در کتاب «مسئله مدرسه؛ بازاندیشی انتقادی در فرهنگ امروز ایران» (۱۴۰۱) و کتاب «مساله سواد» (زیر چاپ) این مسیر را شرح داده ام و پارهای از علل و دلایل کامیابی ها و ناکامی های آموزشی مان را گفته ام.
- ۵- ژائو، یانگ (۱۴۰۱) چه کسی از ازدهای غول پیکر بد می ترسد؛ چرا چین، بهترین (و نیز بدترین) سامانه آموزش و پرورش جهان را دارد؟ ترجمه آرمان پهلوی، مهدی پهلوی و محمدرضا نیک نژاد، تهران: نقد فرهنگ.

ضحاک (۳)

گران مایه فرزند در پیش اوی / از ایوان برون شد خروشان به کوی



علی نیکویی

کاوه با فرزندش از دربار ضحاک بیرون رفت و به بازار درآمد و لباس سفید آهنگری خود را بر کند و سر سبزینه کرد و فریاد زد: کیست که برای نجات از دست ضحاک به درگاه فریدون بیاید؟

پس مردمان همه به زیر درفشش جمع شدند و بعدا این درفش که لباس ساده و سفید آهنگری بود، درفش کیانی شد و هر کس خسرو شد بر آن فریدون آن درفش و مردم گرد آمده در زیرش را بدید شادمان شد، پس درفش ساده را با زمره های رومی بیاراست و آن را درفش کیانی نامید و آماده حرکت برای جنگ به دیدار مادر شتافت در حالی که کلاه کیانی بر سر داشت و کمر زین بسته بود؛ به مادرش فرمود جز پرستش یزدان کار دگر ننماید و مادر به اشک چشم و را به یزدان پاک سپرد.

فریدون دو برادر کوچک تر با نام های کیانش و پرمایه داشت، به آنها دستور داد تا همراهش شوند و آن دو نیز در التزام رکاب پشت فریدون به حرکت درآمدند؛ پیش از کار و زار فریدون و سپاهیان به بازار آهنگران درآمدند و فریدون دستور ساخت گزی گران داد که سرش به شکل سر گاومیش باشد و آهنگران آن کردند که شاه خروشان فریدون سپاهیان را بیاراست و همراه دو برادر خود کیانش و پرمایه، پیشاپیش سپاه ایستاد و بار و بنه سپاهیان را بر فیلان و گاومیشان نهادند و با سری پر از کینه پدر منزل به منزل چون باد به حرکت درآمدند که کنار دریای اروندرود رسیدند؛ فریدون سپاه را در پشت این رود بیاراست و منزل گه شاه جوان اروندرود گشت؛ پس می یابست از اوردن بگذرند؛ به رودبانانی که در آنجا کشتی داشتند دستور داد تا خود و سپاهش را از اوردن گذارندند اما رودبانان گفتند از ضحاک نداشتند باشد ایشان و سپاهیان را به کشتی نمی ماند!

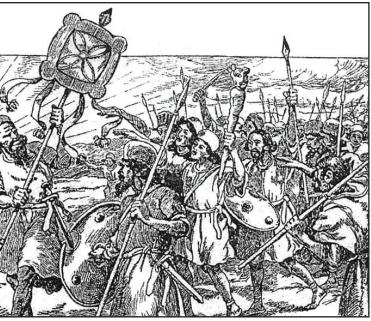
فریدون چون این شنید خشمناک شد و در دل نشست و از اروندرود را بکشت و بر اسبش گلرنگ محکم ترست و به رودخانه زد و سپاهی مرادش نیز چنان کردند و همگی از آن سوی اروند به سمت بیرون آمدند و به سمت کاخ ضحاک در بیت المقدس به راه افتادند، چون نزدیک شهر رسیدند فریدون از دور شهر را نگریست؛ دید کاخی در میان شهر است که ستاره مشتری در شب می درخشید و ایوانش بسیار بزرگ است پس یقین کرد آن کاخ، جایگاه ضحاک است! اندیشید که گر در بیرون شهر بسیار بایستیم ممکن است دشمن لشکرش را نظم دهد و به ما حمله نماید پس بهتر است آنها را غافلگیر نمایم و به شهر بتازیم، فریدون و سپاهش با اسبان بسان باد به شهر تاختند و شهر را در غافلگیری فتح نمودند، فریدون با اسب به داخل کاخ درآمد و دیوانی را که در کاخ نگهبان بودند را بر گز سرشان و با تلافی نمود و با پدر تلخ شاهی گذاشت و بالا رفت تاچ کیانی خواست و بر سر نهاد سپس از حرم سرای ضحاک دختران زیباروی را که جادوی ضحاک گشته بودند بیرون آورد و امر نمود تا جادوی شان را باطل نمایند و از میان آن دختران دو دختر جشید نیز آزاد شدند و طلسم جادوی شان باطل گشت و چون فریدون دیدند و فرایزدی شان گفتند چون تویی در جهان پهلوان نیست، چه چیزی تو از ارمدر را واداشت تا از ایران زمین بدین جا لشکر بکشی! در سر سواد شاهی داری؟

فریدون در خواش گفت که ضحاک پدر من آبتین را بکشت و دایه من که گاوی بود یا در آورد و من برای انتقام بدین جاصف کشیدم و گر نه شاهی برای کسی جاودانه نماند. ارنواز چون این پاسخ شنید، انتقام ما را از این دیوستاند تویی و ما دو خواهر از تخمه کیانی هستیم و با جادو و ترس ضحاک ما را به حرم سرای خود برد و ما را جفت خود ساخت و ما از غم این داستان دیگر توان زندگی نداریم. فریدون چون این بشنید گفت اگر جهان به من بخت و اقبال دهد چنان این دیووش را از زمین نابود سازم که هم او از بین برود و هر چه بدی است و همگان در حیرت مانند پس شما دختران را یک کار است که باید راست پاسخ دهید و آن این است که ضحاک در کجا مخفی شده؟!

ارنواز گفت ضحاک برای باطل شدن طلسم نابودی اش به دست تو به هندوستان رفته که در آنجا سر و تن خویش به خون بشوید که فکر تو و انتقام تو زندگی را بدو سیاه نموده...

مگر کو سر و تن بشوید به خون

شود فال اختر شناسان نگو



یزد در سرزمین ایران زمین



به مناسبت روز یزد، نسخه‌های خطی یزد و کتیبه‌های مرتبط با این سرزمین بررسی و از «استان یزد در سرزمین ما ایران»، کتاب منتشر نشده از زنده‌یاد مهدی آذریزدی رونمایی می‌شود.

نهاد کتابخانه‌های عمومی استان یزد با همکاری موسسه ادبی و انتشاراتی «یادداشت نو» به مناسبت یکم شهریور،

یکم شهریور، ۲۳اوت

مرگ پای دیوار برلین



مر تفضی میر حسینی

نمایش گونتر لیتفین بودا ونخستین کسی است که پای دیوار برلین کشته شده به سال ۱۹۶۱ در چنین روزی. آن زمان دیوار را تازه ساخته بودند و بسیاری از موانعی را که بعدها به آن اضافه کردند اطرافش وجود نداشت. لیتفین آن روزها بیست و چهار ساله بود.از دیوار بالا رفت، عرض رودخانه شیری را شنا کرد، اما تر سیده به آن سوی آب، گلوله خورد و جان باخت. به روایت دیوید ریولندز: «یک یادبود سنگی ساده با عنوان نخستین قربانی دیوار برای او ساخته شد. این یادبود، خاطره آزادی را به تلخی در ذهن‌ها زنده نگه داشت، و گرچه نمادی کلیشهای از جنگ سرد به شمار می‌رفت، هرگز شعاری توخالی نبود.» قهرمان این تراژدی نیز برای همیشه بیست و چهار ساله باقی ماند. اما دیوار برلین پس از او چندده قربانی دیگر هم گرفت و حداقل ۱۲۰ نفر، در سال‌های بعد در تلاش برای عبور از آن جان‌شان را از دست دادند. مقامات آلمان شرقی این دیوار را برای بستن مرزشان با آلمان غربی ساختند و مصمم بودند با آن، راه فرار اتباع ناراضی خود، این‌آن سوی برلین ببندند. شمار این ناراضیان مدام بیشتر و بیشتر می‌شد، چون حکومت آلمان شرقی از دو دسته حکومت‌ها بود که مشکلات اقتصادی را – که سال به سال بدتر و عمیق‌تر می‌شدند – با جعل آمار و ارقام نادیده می‌گرفت، از هر آنچه رنگ و بوی آزادی داشت متنفر بود و نمونه‌ای عالی از تمامیت‌خواهی محسوب می‌شد، دستش تا شخصی‌ترین مسائل زندگی شهروندان دراز بود و مردم را به جاسوسی و خبرچینی ضد یکدیگر وادار می‌کرد. تا اواخر دهه ۱۹۵۰ نزدیک به بیست میلیون نفر در این کشور زندگی می‌کردند، اما در گذر از سال‌های پایانی آن دهه و شروع دهه بعدی، متاثر از مهاجرت (فرار) گسترده مردم به آلمان غربی، جمعیت آلمان شرقی به هفده میلیون نفر رسید. کار به جایی رسید که هر هفته بیشتر از سی هزار نفر از آلمان شرقی به غربی پناه می‌بردند و حکومت آلمان غربی هم – که جمهوری فدرال آلمان خوانده می‌شد و جمهوری دموکراتیک آلمان (آلمان شرقی) را اصلا به رسمیت نمی‌شناخت – بدون معطلی و بی‌درسر برای این پناهندگان کارت تابعیت صادر می‌کرد.

ایران ویج

دوامدادی حفاظت



فاطمه باباخانی

از او برده شود یا نه) در پاسخ به این پرسش هم گفت که چطور توانسته این همه سختی را بیش از یک سال تاب آورد آن هم وقتی مدعیانی که صدای‌شان بلند است، نتوانستند بسیار کمتر از این فشار را تحمل کنند. بعد درباره موضوعات دیگر حرف زدیم، اینکه در حوزه محیط‌زیست و حیات‌وحش نگاه‌ها تغییر کرده، مدیران دیگر نگاه‌متنی به جامعه محلی اطراف ندارند. آنها اجزئی از فرآیند حفاظت می‌بینند و تلاش

عکس‌نوشت

خبرگزاری تسنیم با انتشار مجموعه عکسی نوشت: «بادگیری مهارت زنده ماندن در طبیعت به افزایش عزت‌نفس و خودباوری شما کمک می‌کند، به‌طوری‌که در هر شرایطی در زندگی چه سفر و چه فعالیت‌های روزمره و کاری‌تان که تحت‌فشار هستید، آرام‌تر، خونسردتر و آسان‌تر عمل می‌کنید. بر گزرای دوره ویژه بقاء در طبیعت و زندگی در شرایط سخت در جنگل‌های شمال کشور طی یک هفته توسط تیم یگان تکاور بر گزار شد، در این دوره بیش از ۵۵ آموزش گسترده و تخصصی مجاز و هر آنچه که یک تکاور باید بداند آموزش داده‌شد.»

روز یزد نشست و گفت‌وگو درباره کتاب، یزد، فرهنگ در کتابخانه مرکزی یزد برگزار می‌کند.

این نشست‌ها و گفت‌ووها به این ترتیب برگزار می‌شود:

روز یکم شهریور ۱۴۰۲: نشست «دلالت‌های نجومی در کتیبه‌های دوره اسلام» با سخنرانی دکتر پیام شمس‌الدینی

«طرحی از سنبله پر چوب» با حضور نجما فتاحی (پیکر تراش).

ساعت بر گزاری تمامی این نشست‌ها ساعت ۱۹ بعدازظهر است و کتابخانه مرکزی یزد در بلوار بسیج واقع شده است.

دوم شهریور ۱۴۰۲: نشست «تاثیر طالع بر حیات شهر یزد» با سخنرانی سامان قاسمی (عضو هیات علمی دانشگاه میبد) و اجرای

تیتز مصور

تراмп ۲۰۲۴

سالگادو



شده و قرار نیست او دوباره به آن باز گردد. از خانه آن

دوست که برگشته، به این فکر می‌کرد کم دیدن افرادی نظیر او چقدر خوشایند است، اینکه یک نفر در زندگی‌اش دستاوردی دارد که می‌تواند به آن افتخار کند، حتی اگر این دستاورد چندان ملموس نباشد یا از تلاش جمعی در طول سالیان دراز به دست آمده باشد. در حوزه محیط‌زیست معمولاً این‌طور است، نتیجه حفاظت در یک روز و دو روز و یک سال و دو سال حاصل نمی‌شود، باید سال‌ها تلاش شود و افرادی خون دل بخورند تا برسیم به اینکه حفاظت مشار کتی در برخی مناطق تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط‌زیست در عمل و در سایر مناطق در حد حرف عملی شود. همچنان که در گیر حفاظت است، اینکه چه می‌شود کرد تا اوضاع محیط‌زیست در ایران بهتر شود. به لحاظ زندگی شخصی البته او تلاش می‌کرد بهبود نسبی شرایط کنونی‌اش را دایمی نبیند و من می‌گفتم باید فعل ماضی درباره گذشته به کار بر د، اینکه اوضاع بهتر برمی‌گردد: «رئیســی: خستــگی و ناامیدی ممنوع

است» او در ادامه عنوان کرده بود کسی که امیدوار است می‌تواند مردم را امیدوار کند. بعد فکر کردم آیا به حرف می‌شود امیدوار بود، آیا با دستور قیمت‌ها تغییر می‌کند، مردم نسبت به آینده امیدوار می‌شوند، آیا اولویت‌های دولت امیدبخش است. این‌ها را به کناری گذاشتم و به آن دوست فکر کردم، دوستی که همین چند روز پیش به شرایط سخت گذشته بازگشت. به این فکر کردم که حفاظت از محیط‌زیست یک دو امتدادی است، یکی چوب را برمی‌دارد و تحویل دیگری می‌دهد و این روند همین‌طور ادامه پیدا می‌کند، به این فکر کردم او این چوب را در اختیار دیگران قرار داده که کارشان را پیش ببرند تا در آینده نزدیک بار دیگر اگر خواست آن را دوباره تحویل بگیرد، به این فکر کردم که محیط‌زیست در ایران بالا و پایین زیاد دیده، چاره‌ای نیست جز تلاش کردن در عین ناامیدی!

این نامه اخلاقی حرف‌های روزنامه‌استند را در سایت بخوانید

■ **صاحب امتیاز و بنیانگذار** : الیاس حضرتی
■ **مدیرمسئول**: بهروز بهزادی
■ **مدیر عامل**: علی حضرتی
■ **ماون اجرایی**: حجت طهماسبی
■ **مشاور مدیر مسئول**: محمد حضرتی
■ **نشانی**: خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، پم بست مینو
■ **تلفن خانه**: ۶۶۱۲۴۰۲۵ – ۶۶۱۲۴۰۲۴ ■ **نمابر**: ۶۶۱۲۴۰۲۱
■ **توزیع**: نشر گستر امروز ■ **تلفن**: ۶۹۳۳۰۰۰
■ **چاپ**: همشهری ۲ ■ **تلفن**: ۶۶۲۸۳۴۲۲

■ **اذان ظهر**: ۱۲/۰۷ ■ **غروب آفتاب**: ۱۸/۴۵ ■ **اذان مغرب**: ۱۹/۰۳ ■ **اذان صبح فردا**: ۴/۰۰ ■ **طلوع آفتاب فردا**: ۵/۳۰

در همین حوالی

داستان رنج اکثریت

«مرگ چیزی است که وقتی اون هست، من نیستم. وقتی من هستم، اون نیست. چه حرفی در مورد همدیگه داریم؟ وقتی ما همدیگه رو نمی‌بینیم.»

ایــن نــگاه احمــد محمــود به مرگ در آخرین مصاحبه‌اش همیشه برایم جالب بوده: نگاهی که می‌تواند مرگ را – هر اس انگیزترین مواجهه انسان با نیستی را – این‌طور کوچک کند و به زانو در بیاورد. کسی که کار خلاقه می‌کند، می‌داند که مرگ پایان ماجرایش نیست: آن‌هم وقتی که اثر «همسایه‌ها» باشد و خالق احمد محمود، دلیل ماندگاری «همسایه‌ها» در تار و پود جهان معلول و زیان ساده‌اش نهفته است. نمی‌شود گفت فقط شخصیت‌پردازی استادانه یا ماجراپردازی ریزبینانه یا زبان روان داستان است که این رمان را ماندنی کرده، درهم‌تنیدگی تمام این‌هاست که جهان یگانه داستان را ساخته: «همسایه‌ها»

داستان رنج اکثریت است: داستان زندگی آدم‌های معمولی با تمام فراز و فرودهایی که در زندگی شخصی و اجتماعی‌شان دارند؛ درست مثل خالد که قصه‌اش از خانه دنگال شروع می‌شود، با بلور خانم لدت ن را کشف می‌کند و با آبدانه دادن به کفترهایش مسوولیت را می‌فهمد و بعد قصه‌اش به شهر و خیابان‌ها می‌رود؛ در کتابفروشی مجاهد و لابه‌لای کتاب‌های ممنوعه جهان تازه‌ای پیدا می‌کند و قد می‌کشد. کتاب خواندن رایش جای کفتربازی را می‌گیرد، اما لابه‌لای کلمه‌ها گم نمی‌شود و می‌فهمد «آدم

باید اول خودش را اصلاح کند تا مدعی اصلاح دیگری باشد.»

«همسایه‌ها» البته به خالد محدود و خلاصه نمی‌شود؛ جاری می‌شود به زندگی تک‌تک آدم‌های خانه دنگال، آدم‌های کوچه و خیابان و بعدتر هم‌بندی‌های خالد. احمد محمود به همه آدم‌های قصه‌اش هویت می‌دهد؛ از پدر که اسرار قاسمی می‌خواند و منتظر است تا رمل و اسطرلاب گره از بی‌رونقی کار و کاسبی‌اش باز کند تا عموبند که کار می‌کند تا خرج دختر و نوه‌هایش را بدهد، از بلور خانم و امان‌آقا، تا رحیم خرکچی و صنم و جعفر خشت‌مال. این آدم‌ها همه هویتی منحصر به‌خود دارند و با خواندن ماجرا‌ها و دفعه‌های ریز و درشت‌شان ما را مدام و مدام به خودش‌ان نزدیک‌تر می‌کنند. آنها را می‌شناسیم و حال و روزشان برای‌مان آشناست. بعد از خانه دنگال نوبت به آدم‌های شهر می‌رسد؛ کسانی که از لابه‌لای ماجراهای اصلی کم کم هویت پیدا می‌کنند. اولین

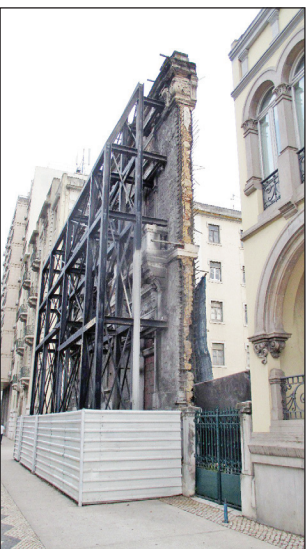
«همسایه‌ها» البته به خالد محدود و خلاصه نمی‌شود؛ جاری می‌شود به زندگی تک‌تک آدم‌های خانه دنگال، آدم‌های کوچه و خیابان و بعدتر هم‌بندی‌های خالد. احمد محمود به همه آدم‌های قصه‌اش هویت می‌دهد؛ از پدر که اسرار قاسمی می‌خواند و منتظر است تا رمل و اسطرلاب گره از بی‌رونقی کار و کاسبی‌اش باز کند تا عموبند که کار می‌کند تا خرج دختر و نوه‌هایش را بدهد، از بلور خانم و امان‌آقا، تا رحیم خرکچی و صنم و جعفر خشت‌مال. این آدم‌ها همه هویتی منحصر به‌خود دارند و با خواندن ماجرا‌ها و دفعه‌های ریز و درشت‌شان ما را مدام و مدام به خودش‌ان نزدیک‌تر می‌کنند. آنها را می‌شناسیم و حال و روزشان برای‌مان آشناست. بعد از خانه دنگال نوبت به آدم‌های شهر می‌رسد؛ کسانی که از لابه‌لای ماجراهای اصلی کم کم هویت پیدا می‌کنند. اولین

از یادداشت‌های سفر با دوچرخه

تغییر چهره شهر‌ها، تا چه حد قابل دفاع است؟!

همه بر نامه‌ها و سیاست‌ها در اروپا قابل دفاع نیستند، اما

ما می‌توانیم بر نامه‌های مختلف را مقایسه کرده‌در مورد روش بهتر یا بدترین روش‌ها قضاوت کنیم. آنچه من در مورد زادگاهم اصفهان از نزدیک شاهد بوده و می‌توانم در مورد آن بنویسم، آن است که از اواخر دهه شصت با شروع فروش تراکم منابع زیادی برای شهرداری در جهت سرمایه‌گذاری عمرانی ایجاد شد که در پی آن کار‌های مثبت فراوانی نیز در شهر به انجام رسید؛ از جمله: تعریض بستر زاینده‌رود، بهسازی حاشیه رودخانه، تعمیر جداول خیابان‌ها و اسفالت معابر، احداث کمربندی‌های جدید و … اما این یک طرف سکه بود. از آن پس سرمایه‌گذاری در بخش مسکن با پرداخت عوارض به‌شهر‌داری بسیار سودآور و این باعث ایجاد بی‌موردی در



و ظاهر آن هیچ تناسبی با معماری سنتی اصفهان ندارد. احتیاجی نیست که دارای تخصص معماری باشید تا به این تضاد آشکار ظاهر این ساختمان با بافت معماری اسلامی – ایرانی اصفهان پی ببرید. ممکن است طراحان یا سرمایه‌گذاران ادعاهایی در مورد فلسفه ساخت و دفاع از نوع نمای آن در اینجا و آنجا ایراز کرده باشند، اما به قول سعدی: «هشک آن است که ببوید، نه آنکه عطر باگوید»

یکشنبه، ۲ تیرماه ۱۳۹۸:

روز‌های زیادی است که از حضور من در شهر لیسبون می‌گذرد. این شهر آخرین نقطه‌تور دوچرخه‌سواری اسمال من در اروپاست. اکنون فرصت دارم تا در این شهر استراحت کرده و نیز از نقاط دیدنی شهر دین‌کنم. در چند نقطه شهر لیسبون این نوع از اسکلت‌بندی را در مقابل برخی ساختمان‌های در حال ساخت دیدهام. به نظر می‌رسد نمای قدیمی ساختمان‌را به‌تازمانند اما در آن در بازسازی ساختمان استفاده کنند. از آنجا که این روش در نقاط دیگر شهر نیز تکرار شده است، احتمال می‌دهم باید نوعی الزام

قانونی در این زمینه وجود داشته باشد. طبیعتاً مالک ساختمان می‌تواند با این نوع محدودیت بر تعداد طبقات بیفزاید یا اینکه مرز ساختمان را تغییر دهد. این شاید از نظر سرمایه‌گذار بخش مسکن نوعی مقررات دست‌وپاگیر تلقی شود، اما از نظر حفظ زیبایی محدودیت‌ها ظاهر معماری شهری را زیباتر و معماري شهری، نیز از نظر حفظ بافت بومی شهر عامل مهمی به حساب می‌آید. با این نوع محدودیت‌ها ظاهر معماری شهری دچار انقلاب دایمی نمی‌شود. این روش اعمال محدودیت را تنها در شهر لیسبون دیدهام، اما تا آنجا که در سفرهای خود در شهر‌های مهم و تاریخی در اروپا شاهد بوده‌و حتی

از اهالی بومی آن شهر‌ها پرسیدهام، امکان تغییر حتی در حد همان استناداری که در لیسبون رعایت می‌شود، در مراکز سنتی دیگر شهر‌های اروپایی وجود ندارد و مالکان اجازه تغییر در اسکلت و نیز نمای ساختمان خود را ندارند و تنها می‌توانند تغییراتی در حد تعمیر، تزریق موادی در درون دیوار‌ها برای ایاق بندی یا استفاده از شیشه‌های دو‌جدار اعمال کنند.

